



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۴ صفحه

۲۵ ریال

سال دوم - دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

در صفحات دیگر این شماره:

- محاکمه مجاهد اسیر سعادت می محکوم است صفحه ۲۴
- خطاب به رفقای دهک دار نشریات انقلابی* صفحه ۱۱
- روزیونیستهای فدایی از طرف توده‌ها افشا و طرد میشوند صفحه ۵
- نقد فیلم "مبارزین باسکت" روزیونیستم علیه آوانتوریسم صفحه ۱۵
- رزمندگان و مسئله روزیونیستم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۵) صفحه ۹
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۴) صفحه ۶



اطلاعیه وحدت با

- ۱- اتحاد زحمتکشان بلوچستان
 - ۲- بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجو"
 - ۳- گروه "دانشجویان و روشنفکران کمونیست" (درک)
 - ۴- بخشی از "مبارزین طبقه کارگر" (هسته مقاومت ۳)
- صفحه ۷

طبقه کارگر ایران با مبارزه متحدانه خود ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته را به سرمایه داران تحمیل خواهد کرد

صفحه ۳

امشاکری سازماندها مقاومت سراسری این است شعار جنبش انقلابی دانشجویان و دانش آموزان

قسمت هایی از پیام سازمان به دانشجویان و دانش آموزان انقلابی بمناسبت آغاز سال تحصیلی

صفحه ۱۹

خلق فلسطین پس از سپتامبر سیاه: ضربه ای که مرا نکشد قویترم میکند

توطئه سرکوب انقلاب فلسطین در اردن چرا و چگونه آغاز شد؟
نقاط قوت و ضعف انقلاب چه بود؟
حما سه مقاومت فلسطین و وظیفه ما در حمایت از آن

صفحه ۱۷

سخنی با رفقا! اعضا و هواداران!

پیرامون پرسش نامه نشریه "پیکار"

صفحه ۱۳

اوجگیری بحران در بالا و سیاست کمونیستها در قبال آن

تشکیل کابینه راجا ادا مه بحران در هات حاکمه را به مرحله جدیدی از اوجگیری خود رسانده است. در شرایط کنونی جناحهای متقابل حاکمیت به مورش عربیان بسی برده علیه یکدیگر اعلان جنگ کرده و در این درگیریهای خاد یکدیگر را در پیش توده‌ها رسوا مینمایند آنان که روزی در پشت شعار "وحدت و اخوت اسلامی" تهادهای خود را میپوشانند اینک یکدیگر را از یک سو "مغرب"، "انصار" - طلب"، "مشرک"، "پیر و حزب معاویه" و... و از سوی دیگر "عمریکتی"، "لیبرال" "ملی گرا"، "غرب گرا" و... می نامند و هر یک از دو جناح اساسی حکومت از میان آتکا و عدم مکان همکاری سال "اسا" نمی ورزند. اما برای ستی تندیدیمایه تها در درون هیات حاکمه چگونه قابل توضیح است؟

بقیه در صفحه ۲

پیرامون جنگ ایران و عراق

مزدوران بعث به ساز امپریالیسم آمریکا میرقصد

در هفته‌های اخیر دیدن ایل حدود ۵ ماه حملات پراکنده آنها جمعی ارتش فاشیستی بعث عراق بر علیه خلقهای میهن ما افزایش یافته است. این حملات وحشیانه به نواحی مرزی، سوز و قهرترین تا کنون به ویرانی برخی از شهرها و روستاهای مرزی و تهاوت مدها تن از زحمتکشان مرزنشین میهن ما انجامیده و مدمات مالی و جانی فراوانی به هم میهنان مادر نواحی مرزی وارد ساخته است. این اولین بار نیست که زحمتکشان

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ **اوجگیری** . . .

حکومت جمهوری اسلامی از قیام به پیشوتحست
 هژمونی لیبرالها قرار گرفته اما این اعمال هژمونی
 هرگز نمی توانست به معنای پایان یافتن تضادهای
 درون هیئت حاکمه باشد. بورژوازی متوسط سنتی و در
 کنار آن خرده بورژوازی مرفه سنتی در برابر نفوذ
 رهبری کننده لیبرالها نمی توانستند برای همیشه
 تضادهای درونی را پنهان نگاه دارند. واقعاً سفارت
 ویدنبا ل آن سقوط دولت با زرگان نه تنها بیان آشکار
 تضادهای درون هیئت حاکمه بود، بلکه همچنین حکایت
 از وارد آمدن مریضی به بورژوازی لیبرال میکرد.
 لیبرالها اگرچه ضربه خوردند، لیکن کماکان موقعیت
 هژمونیک و اصلی خود در قدرت سیاسی را حفظ نمودند.
 ارتش، اقتصاد، سیاست خارجی و بخشهای مختلف
 دستگاه اداری، از جمله مراکز کلیدی و مهمی بودند که
 در تصرف لیبرالها - گاه ها مثر رکت کمپرا دورها -
 باقی ماندند. حزب جمهوری اسلامی حرکت خرنده و
 تدریجی خود را جهت قدرنگیری بیشتر و در نهایت کسب
 هژمونی ادا مدها و در این ارتباط با بدگفت قبضه
 کردن قوه قضائیه، به کنترل درآوردن قوه مقننه،
 تصرف مواضع مهمی از قوه مجریه و بدست گرفتن کنترل
 عمده ارگانهای تبلیغاتی مانند رادیو و تلویزیون،
 مشخص کننده سیر قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی میباشد،
 در ادامه این روند از قدرنگیری درون هیئت
 حاکمه مسئله تعیین نخست وزیر و تشکیل دولت رجاشی
 تضادهای رابه بعد جدیدی گشاند. در این مورد اگرچه
 جنگ قدرت پایان نیا فته و "فنا شم گام ملا تقسیم
 نگشته و هنوز سر نوشت بخش مهمی از مراکز کلیدی دولت
 بلاتکلیف مانده است، ولی حزب جمهوری اسلامی مواضع
 جدیدی را متصرف میشود و فراتر از جدیدی به جناح
 لیبرال ها وارد می آید.

بدین ترتیب تضادهای بالائی ها "که در بیشتر
 میا رزه طبقاتی و بحران جامعه تعمیق می یافت ،
 بخشی از مختلف فدا انقلاب رابه رویا روشی متقابلاً
 سوق میداد و بلاخره در مقیاسی از رشد خود، این تضادهای
 دمل چرکین بحران درون هیئت حاکمه را می ترکاندند:
 لیبرالها که ضربه خورده اند از موضع تدافعی و در عین
 حال جهت حفظ هژمونی لیزان خود علیه حریف رشید
 یا بنده خود اعلان جنگ می کنند و شاید نته خورده ها رابه
 حمایت از خود فرامی خوانند. لیبرالها که پیوسته در
 اتحاد با حزب جمهوری اسلامی در راهباز سازی نظام
 گنبدیده سرما به اداری وابسته و سرکوب جنبش و انقلاب
 کوشیده اند، این بار مزورانه در برابر توده ها به
 مظلوم نمائی پرداخته و برای مقابله با حریف هر زور
 خود نموده ها رابه کمک می طلبند. لیبرالها در راه تأمین
 منافع ارتجاعی خود به حزب حمله برده، روش حزب را
 "روش تخریب و تخریک"، سیاست او را "جاده مافکسن
 دشمن" و هدف او را "برقرار کردن استبداد" معرفی
 کرده و مطرح می نمایند که در پی "جلوگیری از حاکمیت
 مطلق همان گروه اقلیتی که در همه جا جنگ انداخته
 است و میخواهد حکومت را در دست بگیرد" میباشد (از
 سخنان بنی صدر در ۱۷ شهریور). بعد از تعیین نخست
 وزیر و بخشی از وزرای دولت که همگرا پیش با خط حزب
 میباشند لیبرالها به تعرض آشکار دست میزنند؛ اما
 حزب جمهوری اسلامی نیز متقابلاً به تعرض روی میاورد

حزب که بر پایه سیاست آیت مزدور تان کنون در پی
 آن بود تا بطور پنهانی و گام به گام مریضی صدر را "سکه
 یک پول" بکند، این بار اهداف پنهانی خود را بطرز
 عریان و بیسابقه مطرح میاورد. بهشتی در توضیح
 اهداف حزب میگوید:
 "رئیس جمهور با بدبیطبق این خطی که از طریق
 رهبری و شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی
 تعیین میشود حرکت کند، این وظایف کاملاً روشن
 است، جاشی برای ایضا نیست که بگوئیم رئیس
 جمهور خطی را تعیین میکند" (روزنامه جمهوری
 اسلامی ۲۵ شهریور)

دیگری بشما ر نمی آید.
 اگرچه حزب جمهوری اسلامی امروز بمناسبت بنده
 بورژوازی متوسط سنتی در موضع تعرضی بوده و در حال
 قدرت گیری هرچه بیشتر می باشد و اگرچه سیاست این
 حزب، سیاست ترور و سرکوب عریان است، لیکن این
 واقعیت ها بهیچوجه به این معنا نیست که بورژوازی
 لیبرال، مرتجعانه به سرکوب انقلاب دست نزده و بسا
 نخواهد زد. بر اساس یک سیاست عمومی، بورژوازی
 لیبرال، بورژوازی متوسط سنتی و خرده بورژوازی
 مرفه سنتی در برابر انقلاب عداوتنا دینته و آنها دشمن
 انقلاب نموده ها می باشد. بورژوازی لیبرال کسکه

- حزب که بر پایه سیاست آیت مزدور تان کنون در پی آن بود تا بطور پنهانی و گام به گام بنی صدر را "سکه یک پول" بکند این بار اهداف پنهانی خود را بطرز عریان و بیسابقه مطرح میاورد.
- مبارزه هیچکدام از این دو بخش بهیچوجه قابل دفاع و حمایت نمیشد و حیات طبقه کارگر، کمونیستها و سایر انقلابیون از هر یک از دو بخش حیات حاکمه جز بمعنای قبول بردگی یک بخش از هیات حاکمه ارتجاعی چیزی دیگری بشمار نمی آید.

منظور بهشتی چیست؟ پاسخ به این پرسش ها این
 هدف را روشن میاورد، تسامیل سیاسی - اندوژنویک
 آیت الله خمینی به سمت کدام منبروی سیاسی است؟
 در شورای نگهبان سیاست کدام حزب اعمال میشود؟ در
 مجلس شورا خط مشی کدام جریان سیاسی پیاده میگردد؟
 جواب روشن است، حزب جمهوری اسلامی، جوهر کلام
 بهشتی اینست که لیبرالها و رئیس جمهور با بدبیتحت
 هژمونی و سیاست حزب فرا گیرند، ها شمی رفتن جاشی
 رئیس مجلس شورا در پاسخ به سخنرانی بنی صدر
 می گوید:
 "همانقدر که ایشان (بنی صدر) از حکومت مکتبی ها
 احساس وحشت میکنند ما هم به همان اندازه از
 حکومت لیبرالها وحشت داریم". (همانجا)
 روشن است که این دو جناح از یکدیگر وحشت
 ندارند، بلکه تنها عاملی که آنها را به وحشت می -
 اندازد انقلاب توده ها است. چیزی که مورد اعتراض و
 مخالفت آقای رفتن جاشی و حزب میباشند رهبری
 لیبرالها بر حکومت است. آنان میخواد هند هژمونی
 در قدرت سیاسی رابه قبضه درآورد و لیبرالها را تابع
 سیاست خود نمایند، بلیه مسئله اصلی در اینجا است.

اوضاع کنونی و وظایف کمونیستها

جنگ قدرتی که جریان دارد در برپا به تضادهای درون
 هیئت حاکمه ارتجاعی یعنی از یکسو بورژوازی لیبرال
 و از سوی دیگر بورژوازی متوسط سنتی و خرده بورژوازی
 مرفه سنتی قرار داشته و هدفی که این جنگ قدرت
 تعقیب می نماید مسئله هژمونی در قدرت سیاسی است.
 مبارزه هر دو بخش از هیئت حاکمه را می مضمون ارتجاعی
 بوده زیرا این مبارزه در جهت اعمال هژمونی بر
 قدرتی است که با دار نظام، اجتماع اقتصادی و سیاسی
 گنبدیده حاکم میباشد. نظامی که در تضاد شتی نا پذیر
 با انقلاب توده ها قرار دارد، به همین لحاظ مبارزه
 هیچکدام از این دو بخش بهیچوجه قابل دفاع و حمایت
 نمی باشد و حمایت طبقه کارگر، کمونیستها و سایر
 انقلابیون از هر یک از دو بخش هیئت حاکمه جز بمعنای
 قبول بردگی یک بخش از هیئت حاکمه ارتجاعی چیزی

هژمونی لیزان نشد در معرض تعرض حزب قرار گرفته می -
 کوشد تا خود را بطور عموم مخالف سیاست "سرکوب و
 دیکتاتور" نشان دهد، حال آنکه این دروغی بیش
 نیست. لیبرالها مخالف سرکوب جناح خود و مخالف
 اعمال دیکتاتور علیه خویش نمیشدند، حال آنکه
 آنان بهیچوجه مخالف سرکوب انقلاب نمی باشند.
 در سرکوب و کشتار کردستان، ترکمن صحرا، دا ننگاه و
 غیره همه بخشهای هیئت حاکمه دست داشته اند و همه
 بخشهای هیئت حاکمه خاشن به انقلاب و جناح بتکارند.
 بورژوازی لیبرال امروز عوا مفریبی میکند و
 خود را "مظلوم" جلوه میدهد تا از توهمن آگما می نموده ها
 بهره جسته و از توان آنان و جنبه های سیاسی متزلزل،
 در راه اهداف ارتجاعی خود بهره گیری نماید. متأسفانه
 عدم رشد و نفوذ گسترده کمونیستها در میان طبقه کارگر و توده
 ها هنوز این امکان را باقی گذاشته که لیبرالها بر
 توهمن توده های نا آگما سوار شوند. کمونیستها و انقلابیون
 راستین نباید به بدآموزانها بفشارند. هر سیاستی که
 سیاست حمله به حزب و عدم حمله به لیبرالها و سیاست
 حمله به لیبرالها و عدم حمله به حزب را مطرح سازد یک
 سیاست انحرافی و راستروانه خواهد بود. زیرا این
 سیاست، دنباله روی از بخشی از هیئت حاکمه را مطرح
 میاورد. این سیاست، سیاست روبرویونیتها و نیرو -
 های ناپیگیری مانند ما دین میباشند. حزب جمهوری
 اسلامی و نمایندگان خرده بورژوازی مرفه سنتی، به
 لحاظ عملکرد آنها و سیاستهای آشکارا ارتجاعی شان و
 به همت انقلابیون پیگیر، تا حدود زیادی افشا شده اند
 و لیبرالها نیز به همت انقلابیون که در دام توهمن
 لیبرالی فرو گرفتند، بمقابله س قابل توجهی رسوا
 شده اند. ولی علیرغم این دستاوردها، هنوز توده های
 توهمن زده بسا رسند و لیبرالها میگویند با لگت گذاردن
 بر "زیاده رویها و انحصار طلبی ها" حریف انبازا بی -
 های مردم بسود خود بهره گیرند. لیبرالها چنین وانمود
 میاوند که آنها طرح اقتصادی جهت حل بحران دارند
 حال آنکه "انحصار طلبان" امکان پیدا دهند آنرا نمی -
 دهند. لیبرالها با این شگردها در پی فریب مردم بوده
 و می خواهند نشان دهند که خود با مردم اند. حال آنکه

بقیه در صفحه ۲۱

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست

اخبار کوتاه کارگری

تهران

کارگران مبارز ترانس پیک ،
۴۰ ساعت کار در هفته را به مورد اجرا گذاشتند

۴۰ ساعت کار در هفته از جمله خواسته های به حق کارگران و زحمتکشان است که کارگران مبارز ترانس پیک در سه ماه اخیر دو هفتگی شان را برای اجرای آن در دست گرفته اند. کارگران مبارز ترانس پیک که در ماه رمضان روزانه ۱/۵ ساعت از ساعات کار خود را کم کرده بودند (که در نتیجه ساعات کار آنها از ۴۸ ساعت به ۴۹ ساعت در هفته رسیده بود) ، بعد از ماه رمضان دیگر حاضر نمی شوند بیش از ۴۰ ساعت کار در هفته انجام دهند. این کارگران ضمن پشتیبانی قاطع و یکپارچه از شورای منتخب خودشان خواستار پیگیری در این زمینه شده و اعلام میکنند که اگر هیات مدیره و مدیرعامل دولتی با خواست آنها مخالفت کند خودشان به جنبش ران تعطیل کرده و به کارخانه نخواهند آمد.

هیات مدیره و مدیرعامل دولتی که از یکطرف شاهد همبستگی و یکپارچگی کارگران بودند و از طرف دیگر قبلاً نیز نمونه هایی از ابراز قاطعیت کارگران (مانند اخراج عناصر ضد کارگران کارخانه) را دیده بودند تا گریز به خواست آنها کردن می نهند. و کارگران از هفته دوم شهریور ماه ۴۰ ساعت کار در هفته را به مورد اجرا می گذارند. این کارگران همچنین موفق شده اند که کمیته کارگری خودچندتن از عناصر ضد کارگران را از کارخانه اخراج نمایند.

اصفهان

اخراج کارگران شرکت گسترش مسکن

بدنبال توطئه های گوناگون کارفرمایان شرکت گسترش مسکن علیه کارگران (مانند اخراج عده ای از کارگران و کارمندان مبارزان این شرکت) این شرکتی مهندس مقصودی، سرپرست یکی از کارکنان این شرکت دست به توطئه دیگری زده است.

در تاریخ ۵۹/۳/۲۳ زاندا رومی طی بخشنامه ای از مقصودی میخواهد که کارگران مشمول سربازی را معرفی و از ادامه کارشان جلوگیری کند. اما از آنجا که در آن موقع کار شرکت زبا نبود، وی به بخشنامه مذکور توجهی نمی نماید و در تاریخ ۵۹/۶/۱۵ که کار تمام میشود بخشنامه را رومی کند تا از پرداخت مبلتی که با پدکار - فرمایان در پایان کارهای پروژه ای به کارگران بدهند سرباززند. مقصودی در پاسخ اعتراض کارگران فریاد میزند: "این من نیستم که شما را اخراج میکنم! اداره نظام وظیفه است. میتوانم بیروید بقیه اش را بچسبید". و به این ترتیب با اطمینان خاطر از حمایت قوانین رژیم جمهوری اسلامی از سرمایه داری ۱۵ روز دستمزد (مبلغ پرداختی در این شرکت) ۲۰۰ کارگر اخراجی را بالا می کشد!

بقیه در صفحه ۲۳



جنبش کارگری

طبقه کارگر ایران با مبارزه متحدانه خود ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته را به سرمایه داران تحمیل خواهد کرد!

کارگران مبارز! هم اکنون در بسیاری از کارخانجات، کارگران با عمل انقلابی خود ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته را به اجرا در آورده اند و این نشان میدهد که جنبش با مبارزه متحدانه کارگران میتوان از این حق ابتدائی پاسداری کرد.

هم اکنون در بسیاری از کارخانجات، کارگران با عمل انقلابی خود ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته را به اجرا در آورده اند و این نشان میدهد که جنبش با مبارزه متحدانه کارگران میتوان از این حق ابتدائی پاسداری کرد.



رفقای کارگر! هم اکنون در بسیاری از کارخانجات، کارگران با عمل انقلابی خود ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته را به اجرا در آورده اند و این نشان میدهد که جنبش با مبارزه متحدانه کارگران میتوان از این حق ابتدائی پاسداری کرد.

در کارخانه تراکتور سازی تبریز، بحث سیاسی ممنوع و بازگشت مزدوران رژیم سابق و کارشناسان خارجی آزاد اعلام گردید

انقلابیست را ملاحظه می کنید. ۱ - هیئت مذکور از سرپرستان قسمتها خواست که طی سه روز کلیه افراد دیپلماتیک قسمتها خود را اعلام کنند تا کارگران با صلاح اضافی از کارخانه به جهاد سازندگی منتقل گردند. اما هدف از این کار چیست؟ هیئت سرپرستی که نماینده دولت سرمایه داری است بدین وسیله میخواهد کارگران انقلابی و کمونیست را از سایر کارگران جدا نموده و به خیال خام خود از نفوذ آگاهی طبقاتی بدون طبقه کارگر جلوگیری نماید. آنگاه در فرصتی دیگر این کارگران را از جهاد سازندگی جدا کرده و زیر بار اخراج آنها از طبقه در صفحه ۴

در کارخانه تراکتور سازی تبریز، بحث سیاسی ممنوع و بازگشت مزدوران رژیم سابق و کارشناسان خارجی آزاد اعلام گردید. بدنبال اعتصاب قهرمانانه کارگران تراکتور سازی تبریز برای تشکیل شورای واقعی، بازگشت کارگران اخراجی، ۴۰ ساعت کار و سود ویژه... و سپس سرکوب اعتصاب از طریق دستگیری کارگران مبارز و ایجاد تفرقه در بین آنها، هیئتی بنام هیئت سرپرستی مدیریت کارخانه را بدست گرفت. این هیئت با همکاری کامل هیئت پاسکاری و کارکنان فرهنگی اسلامی تراکتور سازی شروع به کار کرد و در زیربنای کارخانه اقدامات ضد کارگری و ضد

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

مقاومت قهرمانانه کارگران پوشش در برابر تهاجم وحشیانه پاسداران

شعارهای "مرگ بر پاسدار"، "در سنگر شوراها، نه ما زنی، نه تسلیم، نه بریدن آمریکا، نه بریدن ارتجاع"، "درد بر کارگر مبر" کینه طیفی و نفرت عمیق خود را نسبت به رژیم پهلوی میسرما به کاران نشان میدهند.

کارگران پاسداران مسافری به کارخانه برگشته و دوباره نمایندگان آنها شروع به افشای مینما به دست پس از مدتی با ردیگر پاسداران مزدور به کارخانه ریخته و به کارگران حمله میکنند. اما این بار نیز با مقاومت گسترده کارگران بخصوص زنان قهرمان روبرو میشوند. کارگران با حمایت از نمایندگان مبارز خود حماسه‌ای پرتکوه از مقاومت و مبارزه را برپا میدهند. نمایندگان نیز میگردانند. در این بیورش وحشیانه دوش دیگر از کارگران دستگیر میشوند. پاسداران که انتظار چنین مقاومت قهرمانانه‌ای را از طرف کارگران نداشتند، وحشت زده دست به حرکات وحشیانه می‌زنند. آنها با کلت بسوی یکی از کارگران قهرمان شلیک کرده و او را مجروح می‌سازند که همان کتون در بیمارستان بستری است. پس از رفتن پاسداران با ردیگر کارگران دست برکارگر مبر "رز" فضای خفقان با رکارخانه را با شور و نشاطی خودپرسی کنند.

بدنیال اخراج ۲۶ نفر از کارگران کارخانه پوشش که ۲۴ نفر از آنها از کارگران و نمایندگان مبارز بودند و نیز این اظهارات کارگران به حمایت از کارگران اخراجی و آوردن آنها به درون کارخانه، قرار می‌گیرد و روز شنبه ۵۹/۶/۱۵ کارگران مبارز از اجابت در کارخانه ها خواشودند تا هیئت با مصالح پاکسازی دلایل اخراج آنها را برسیاری کارگران توضیح دهد.

در این روزها هیئت پاکسازی خبری نمیشود، اما کارگران و نمایندگان اخراجی به کارخانه آمده و برای کارگران سخنرانی میکنند و ضمن آن به افشای میسرمانند. پس از مدتی یک ما شین پاسدار به کارخانه می‌رود و می‌گوید که کارگران را به کارخانه نبردید آمریکا، شربدیا ارتجاع، نه تسلیم کارگران را در حالیکه شما می‌داندند که آنها زنی، نه تسلیم نبردید آمریکا، شربدیا ارتجاع، "درد بر کارگر مبر" باسداران اخراجی، پاسداران نما به را عقب می‌رانند. پاسداران با دستگیری دوش از کارگران ناگزیر کارخانه را ترک می‌کنند. کارگران که از این شهادت وحشیانه شدت خشمگین شده بودند از کارخانه بیرون آمده و در جاده رشت - انزلی بطرف پلیس راه دست به راهپیمایی می‌زنند. در این راه پیمایشی اهالی روستا همسایه ای اطراف نیز به آنها می‌پیوندند. کارگران مبارز با

بسیار امیدواریم. جنبه کارگر...
با وجود اینکه کارگران خواستار پایان دادن ساعت کار خود به ۴۰ ساعت کار در روز هستند و این برای بسیاری از آنها یک گام به پیشرفت است اما این خواست آن وحشیانه است و با بددلیل و ناعادلانه است که دولت را که متکوب است...
۴۰ ساعت کار در روز خسته و ولید را با شین می‌آورد" افشا نبود، اگر او آنها در فکر افزایش تولید برای مردم بودند (که هرگز نیستند) میتوانستند آنها را بیشتر بگذارند و از آنها بکشد، در ضمن مگر شما به داران به فکر مردم هستند که سنگ "بالا رفتن تولید" برای مردم به سینه می‌زنند؟ شما طبقه سرما به داران و هیئت‌ها که به کار می‌خواست زحمتکاران را برآورد کرده‌اید؟ کجا به سنگین آنها بوده‌اید که کتون سنگ بالا رفتن تولید را برای مردم به سینه می‌زنند؟ ممکن است برای زحمتکاران با خنده به آنها نسبت و وضع فلاکت با ربه‌ها در دست گرفته‌اید؟ مخرجی تا را اما نه کرده‌اید؟ دستمزد شما را نسبت با هزینه زندگی افزایش داده‌اید؟ آیا آزادی می‌دهی و های دیگرانیک را بر سر می‌نهد شما خنده و دیوانه‌ها به حقوق طبقه سوخته کرده‌اید؟ آیا به دهقانان زمین داده‌اید؟ کجا یک از این خواسته‌های زحمتکاران و خلقها را انجام داده‌اید؟ جز سرکوب کارگران و زحمتکاران؟ جز مصلح کردن زمینداران؟ جز حمایت بیدریغ از سرما به داران؟ جز افزایش فشار بر دوش مردم؟ جز بریدن کردن وضع زندگی مردم؟ حرفهای طولانی سگار، تا ناید، و ما ییل زندگی کمبود مواد اولیه و ما چنانچ زندگی؟ جز افزایش نسب - رضایتی کارگران و زحمتکاران؟ جز فرستادن پاسداران را ریش برای سرکوب به فرج که مردم خواسته‌ای دارند و برای بدست آوردن آن مبارز می‌کنند؟ جز آزار و کشتن دست سربداران رژیم شاه و مصادفادن به آنها نظیر بلایها، باقری‌ها، طهریزها، و همکاران نزدیک ما و کما می‌توانیم افراد میث مدنی که این اخراجها حق در آید؟

حکومت از این وحشت‌ناک‌تر کرده که ۴۰ ساعت کار در هفته اجرا شود، سود کمتری از استثمار کارگران عاید سرما به داران می‌شود، از آن وحشت‌ناک‌تر کرده که روز در خدمت کارگران تعطیل باشد! بتوانند با مطالبه و تکرار در مجامع سیاسی آگاه خودشان را با سبک لا ببردند به نفع این همه مفرود بخشنی و راه‌چاره آن که همان با سودی سرما به داران است بی‌بهرند.

طبقه سرما به داران و حکومت "بالا بردن تولید" را برای بدست آوردن سود بیشتر برای خودشان میخواهند به برای رفاه مردم! اما کارگران ذره‌ای به فکر افزایش سود سرما به داران نیستند! کارگران برای با سودی استعمار را زده می‌کنند. برای افزایش استثمار از خودشان را کارگران زمان می‌سوزانند و افزایش خواهند دادند خود بدترین با سود را از استثمار روه بهره‌کشی خبری نیاند و تولید بیشتر و افزایش درآمد مردم باشد! کارگران در جوامع ای با دست جامعه ملی می‌کنند که در هر قدمی که بر میدارند استثمار را که هنر دهنده، آگاهی خود را با سبک لا ببردند تا بتوانند سرما به داران را متحدانه حکومت سرما به داران را نابود کنند، بهمین دلیل است که:

ساعت کار کارگران: ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته است
و ساعت کار در ۶ روز هفته است

★ ★ ★

تولید و... خواندن روزنامه‌های سیاسی، بحث سیاسی، پخش خواندن اعلامیه‌های نیروهای انقلابی را در کارخانه ممنوع اعلام کرده است. گویا قبلاً بحث سیاسی و خواندن نشریات نیروهای انقلابی آزاد بوده که حالا ممنوع کرده اند!

۴ - هیئت سرپرستی طی اطلاعیه‌ای که کلیشه‌آلود در همین صفحه ملاحظه می‌کنند از مسئولین قسمتها می‌خواهد که تعداد کارکنان را خارج از موردها نشان را اعلام کنند تا نسبت به اعزام آنها اقدام شود!

آری رژیم جمهوری اسلامی که از فردای قیام دست به بازی زنی نظام ضربه خورده سرما به داران وابسته می‌زنند چه راهی جز این ندارد که از یک طرف دستاوردهای مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر و توده‌های خلق را یکی پس از دیگری پس بگیرد و از سوی دیگر برای بازگرداندن مزدوران با تجربه و سرسپرده سرما به داران و وکالت نشان خارجی که از وحشت خشم‌خویشان خلق گریخته اند اقدام نماید.

ولیکه کارگران مبارزان آگاه هستند که با افشای ما هیئت سرپرستی و اعمال آن، با توضیح و افشای ما هیئت رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران، با افشای عناصری که بنا بر انقلابی و کمونیست خود را در میسان صفوف طبقه کارگر جا زده اند و خلقی نیکو و شایسته - رژیم جمهوری اسلامی هستند ما نند جزب شود ه... و نیز با شکل و نما دهر چه بیشتر کارگران، مبارزه متحده و روزافزونی در جهت حفظ، تشمیق و گسترش دستاوردهای انقلابی طبقه کارگر و پرتوده‌های خلق ما زمان دهند.

بقیه از صفحه ۳
دگرخانه
کارخانه و سازمان کارگران مشکل تراست.

۲ - بازگرداندن مدیران و سرپرستان ما سابق آریا مهری به کارخانه تا بتوانند با ارزیابی و مهارت بیشتر کارگران را استثمار و سرکوب کنند.

۳ - صدور اعلامیه‌ای که در آن پاسداران زحمتکاران و همیشگی سرما به داران یعنی پراغانه نمودن

تاریخ: ۱۳۰۲ / ۶ / ۲۵
شماره: ۵۹۹
موضوع: اعلامیه

بسمه تعالی

((اعلامیه))

از کمیته سرپرستی کارخانه اطلاع می‌دهیم که جهت بازگرداندن مدیران ما نیاز به مجوز وجود کارکنان خارجی بازرگانی، تخصصی و خدماتی در برابر راه هیئت سرپرستی اعلام یافته است و برای اعزام آنها معین گردد.

هیئت سرپرستی
کارخانه پیکار

تاریخ: ۱۳۰۲ / ۶ / ۲۵
شماره: ۵۹۹
موضوع: اعلامیه

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



خلق ها و مسئله ملی

مولوهای سرسپرده و سیاست حزب جمهوری اسلامی

سبح کند، مولوهای مرتجع عمدتا به این باطن جناح ارتجاع اعم از خوانین قاجار و قبا و رژیم وابسته اند...
 مولوی شهدا که هم اکنون از سر - سپردگان رژیم جمهوری اسلامی است و اردوی وحدت جا معروضا نیت تشکیل میدهد، از کا سه لبسان رژیم شاه و جیره - خواران ساواک بود.
 رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم ارتجاعی است پس متحدینش را در میان نیروهای ارتجاعی بازمی یابد. رژیم از ترس جنبش توده ای و نیروهای انقلابی و برای بازسازی نظام سرمایه داری وابسته جنبش خوا روپریشان گشته و هر دست ارتجاعی را بگیرد میخورد...
 این چنین است که مولوی شهدا در مرجع با آنچنان پرونده کثیفی به "مفتی اعظم بلوچستان" تبدیل میشود.
 (بغل از سر بلوچ - شماره ۲۱)

رژیم جمهوری اسلامی برای تثبیت حاکمیت خود در منطقه احتیاج به حمایت مترجمین محلی، خوانین و مولوهای مرتجع دارد. حیات و بقا مترجمین محلی نیز در سایه رژیمهای فدخلقی میسر و ممکن است. رژیم جمهوری اسلامی مولوی مرتجع و معلوم الحالی چون مولوی شهدا دمکان زهی را لقباً مفتی اعظم بلوچستان (مندرچ در روزنا جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۴ شهریور) میدهد. رژیم میگوید از طریق مترجمینی چون مولوی شهدا دوبا دجان دورقاب چپنها پیش مبلغینی برای خود بسازد، تا بلکه بتواند بکک اینها به تحکیم و ثبات ارگانهایشان مانند سایر اداران و جها دسا زندگی بسازد...
 اما مولوی شهدا دکده دسالهای گذشته کارنا معسای می داد رسی آبروترا زانست که بتواند توده ها را در جهت منافع رژیم

رفیق حمید به انبوه شهدای انقلاب ایران پیوست

حرا که روز ۵۹/۵/۲۷ یکی از رفقای "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" رفیق حمید پیشمرگه دلاوری که ۹ ماه تمام در صفوف جنبش مقاومت خلق کرد می - رزمید، بی نهایت رسیده. رفیق حمید که همراه چندتن دیگر از پیشمرگان قهرمان در روستای "حده" به محاصره دشمن درآمده بود بدلیل زخم گلوله ای که بر سر دست نتوانست همچون رفقای دیگرش حلقه محاصره را ترک کند و خود را نجات دهد، بی سارنجکی که در دستان خود میفرستاد به شهادت رسید و همگان نظور که خود میخواست زنده در جنگال دشمن نیافتاد. در ایس درگیری ده نفر از جانشینان و قبا ده بی سار به هلاکت رسیدند.

جانها که صدر رفیق را به همراه خود به مریدان بردند برای جانهای ممدوم "الله اکبر" و برای رفیق شهید، مرگ بر کمونیست گفته و جدا و راتلاق میزدند مردم مریدان که از دخیمی این مزدوران به خشم آمده بودند به نشانه اعتراضی موازه های خود را بسته و شهر را تعطیل کردند.
 صدر رفیق شهید حمید بنا به اصرار اهالی روستای "سیف در آن روستا دفن شده است. با گرامی داشت با رفیق حمید راه برخی را که توسط او و تمامی شهدای خلق دلاور کرد کوبیده شده، مصمم و استوار میباشیم.
 جادان با درم خونین رفیق حمید درود بیترتبی شهدای راه آزادی و استقلال ایران

رویزبونیستهای فدایی از طرف توده ها افشاء و طرد میشوند

و از آنها میخواهند قبل از اینکه خلق سلاخان کنند، از شهر بیرون بروند. مردم آنها را با سداخوانده و شعاری - دادند:
 فدائی و حزب توده خاشنه خلق کرد هستند، فدائی باید خلق سلاخ شود از شهر بیرون رود.
 در جریان این واقعه چند نفر کارگردانان که دستان پیسته به نشان افراد مستقر در مقر میدادند میگفتند مگر شما ادعا نمی کنید که پشتیبان کارگران و زحمتکشان هستید، اگر اینطور است ما که افراد زحمتکشی هستیم میگوئیم شما را نمیخواهیم، از شهر ما بیرون بروید. مسئولین چریکها هر چه میخواهند، بی سارنجیها تی نظیرا اینکه در جنگ تاکتیک - های مختلف باید بکاربرد، سازگاری و خیانت خود را به خلق کرد به نشان از زنده، مردم تذبذب یافته و علیها نشان شعار میدادند. در خانه مردم به چریکها ۲۴ ساعت مهلت دادند تا از شهر بیرون بروند.
 ۲ - چندی پیش (در جریان حرکت ستون ارتش و پاسداران و جانشینان به سردشت) در ده "تخته" که پیشمرگان کومله، بیکار و دموکرات و چریکهای فدائی خلق (اکثریت) مقر دارند و در جریان مراسم که به مناسبت شهادت چندتن از پیشمرگان

هنگامیکه رویزبونیستهای فدائی (اکثریت) یعنی سازشکاران خود را انکارا اعلام نمودند، حزب توده برای نشان کف زد! بهشتی به رهبران آنها اجسازه ملاقات داد و اولف خود را شامل آنسان نمود، اما اعضا و کارهای انقلابی و هواداران پر شور و آگاه آنها بریدند و توده های آگاه نیز همینطور! و در کردستان سرزمین خون و آتش می این رویزبونیستهای نورسیده خیلی زود با زنده. امروز در کردستان بدنیا ل نفرت از حزب توده، نفرت از "اکثریت" (فدائیشان) نیز کم دیده میشود.
 در بسیاری روستاها به فدائیشان اکثریت جاش (مزدور) خطا میکنند! آری خلقی که در زیر آتش توپ و تانک دشمن از دست آوردهایش با سدا می کنند و با ایشان خون هزاران شهید نهال کردستان خود مختار آینه در با رور میسازد هرگز نمیوانند در مقابل سازشکاران و خاشنه خلق ساکت بمانند اخبار زیر نمونه هایی از خود خوانده انقلابی توده ها با اکثریت فدائیشان است:
 ۱ - بوکان ۶/۱۶: در این روز عده ای از مردم بوکان (بیش از ۵۵ نفر) که به بخش مهمی از آنها را زحمتکشان تشکیل می دادند، در مقابل مقرر چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در شهر بوکان جمع شده

حمله به مقر جاشها پاسداران و ارتشیان

سفر ۵۹/۶/۱۷
 شب هنگام پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت در چند نقطه شهر به مقرهای جاشها پاسداران و ارتشیان حمله نمودند و طی آن ضربات سختی به نیروهای دشمن وارد کردند که از تعداد تلفات آن اطلاع دقیقی در دست نیست. روز بعد نیروهای سرگوبگر رژیم تمام نقاط و محلات شهر را محاصره کرده و به باز دید خانه ها پرداختند. آنها همچنین مردمی را که از جاشیان و کوچها می گذشتند باز دید بدنی میکردند.

جاشها در دام انقلاب

روز دوشنبه ۵۹/۶/۱۰ اتومبیل یکی از سرجاشان منطقه بنام "حاج میکا شیل" در جاده "شور کا میاران در اشما بست" با مین منفجر شد. در این انفجار ۳ تن کشته و یک تن مجروح شدند. این چهار نفر فرزندان و برادران حاج میکا شیل بودند.

درگیری پیشمرگان با پاسداران و جاشها

تا هیندر - ۵۹/۶/۱۶
 در ایسروز تعدادی از جاشها پاسداران در اطراف شاهیندز با پیشمرگان در جنگ درگیر شدند. در این درگیری ضربات سختی به پاسداران و جاشها وارد میشود بدوریکه مجبور به عقب نشینی می شوند.

دشمن در کمین پیشمرگان پیکار

ساعت ۷ بعد از ظهر روز جمعه ۵۹/۶/۱۴ یک لندرو حامل نیروهای دشمن همراه با دسته نگهبانان در مسیر سنج - کامیاران در کمین پیشمرگان سازمان پیکار، دسته شهیدان میرافنا ده و تنها یک نفر از آنان موفق به فرار میشود. به دنبال این حمله دلاوران پیشمرگان که در ایسرا برپا بگه "هلتوتان" مورت گرفت دشمن خشمگین از اینکه در لانه خود تنباز ضربات پیشمرگان قهرمان کرد در مان نیست، روستاهای اطراف را با خمپاره و گالیبره ۵۵ زیر آتش گرفت. خوشبختانه این حملات هیچگونه تلفات مالی و جانی در بر نداشت.

خلفا خرید پیروز است

سفر ۵۹/۶/۱۶: در ایسروز یکی از جاشها به اسم "خانان" بدست انقلابیون ترور گردید.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

با چشم باز در افق خونین کردستان

خاطرات يك سرباز (۴)

چه بهار خونینی دارد کردستان!

۳۱ فروردین

حرگاه، ستون ارتش، مسلح، با تجهیزات کامل و بدون ایمانی در قلب از فرودگاه سنندج حرکت کرد. مقصد شهر سقز بود. راه از کنا رشهری گذشت. در آخرین لحظات حرکت ستون فرار دشمن به همراه چندتن دیگر با هلیکوپتر حرکت کرده و تا مین ستون را برقرار نکنیم. ستون ۱۶ کیلومتری همچون ما در راه و خزنده ای از فرودگاه خارج شد. نیشهای زهر آگینش قلب زحمتکشان کردستان را نشانه رفته بود.

۳۱ فروردین

ساعت ۳ صبح، تاریکی طولانی و سنگینی بر همه جا گسترده است. بسرویی صدای سالیان فرودگاه، اجرت می زد که غمراه ای پنجره را شکست. خنده های شیشه بر روی سروور تم ریخت از جا پریدم. نپا تا در دم که جنگ آغاز شده است. بسرعت فتنگم را پاشا نه گرفتیم. رگبار تیربار از بالای سرمبارید. شتابزده به کف سالن خزیدم و خود را به دروازه اندام و بیرون رفتم. صدای سهمگین تیردی آمد. به شمرگه ها در نظرم آمدند که با سلاحها پشان در دست با ارتشی سراپا مسلح میجنگیدند. در دل شب تیره، نور ایمان نشان می - درخشید. آه ای قدرت بی پایان خلق! در برابر تو سهمگین ترین ارتش ها به چه کاری آیند؟

اول اردیبهشت

درگیری دیشب تلفاتی نداشته، اما سربازها را خسته کرده است. درگیری طولانی خستگی و عصبانیت، در آستان دشمنی گوری نسبت به پیشمرگه ها برانگیخته است. بر پیشمرگه ها دشنام می - دهند. ولعنت می فرستند. آری تقدیر سربازان در نظامهای فدخلقی چنین است. ناخواسته به جنگ فرستاده میشوند. در آن درگیری می شوند بی پادشاهان نشان محافظت کنند. می باید کشتار کنند! و طبعاً کشته شوند. غول جنگ بر آستان چیره میشود و دشمنی گوری نسبت به آن که روبرو روست، درد لثان بر می انگیزد. نسه لگمی آن را دارا رندونه فرست آن را که اندیشه کنند، آنان مهره ای از این



ماشین عظیم سرکوبند، آنان گوشت دم توپ سرما به داری شده اند. ولی با همه اینها گاه واقعیت چنان بی برده و گستاخ رومی نماید، که درک آن نه به آگای می ونه حتی به اندیشه، که به دو چشم با زمیسر میشود. شلاق واقعیت سخت و سوزان است. افکار سرباز زبیدار میشود چشمانش بروشنی میبیند. گاه سربازی فرار میکند به طرف مقابل میپوشد. لوله تفنگش را برمیگرداند و دشمن واقعی را نشان میدهد. اما در بسیاری از سربازها، که خود از زحمتکشانترین و پاشین دست ترین طبقات مردم اند، جنگ، تا شیر خود را می - بخشد. اندیشه به خواب می رود. نا آگای می - ها به خدمت می آیند. غرا بزرگوار، دشمن و کینه کا ذب در دل سرباز سر بر می دارد. او کورگورانه می جنگد و در دفاع از قسم سرما می، زحمتکشان را به گلوله میبندد. اما او خود نیز از زحمتکشان است، آری او خود کسی می کند.

۴/۵ بعد از ظهر هلیکوپتر برای بردن ما به فرودگاه آمد. از سر نوشت ستونی که رفته بود خبر ندا شتم ولی میگفتند که به سقز رسیده است. در آنسوی شهر، در پادگان فرسود آمدیم. در آنجا به کمال حیرت ستون را دیدم که تا زهر رسیده بود، همه چیز در هم ریخته و آشفته بود. اسلحه، بی سیم، سلاحهای سنگین (آرپی جی ۷۲ - توپ ۵۷) کیسه های سربازان، همه و همه بر زمین پراکنده بود و شکست و عقب نشینی ستون را بروشنی تصویر میکرد. ناخنک خلق مقاومت ستونی با تمام تجهیزات را در هم شکسته بود. سربازها از جمله درگیری می گفتند. خبر میدادند که چگونه بسیاری از مهمات، وسایل و کامیونها در بیک تنها جمن بودند. چه شکر گرفتار است نیروی خلق!

به آما بیگانه رفتیم و در آنجا خبر دار شدیم که یکی از سربازانی که او را می - بود شنا ختم کشته شده است. اهل تهران بود و اوایل می خواست که فرار کند در قلمب احساس سنگینی کردم. چقدر جان آدمها در این نظام می ارزش است. این حقیقت را زندگی جدید لحظه به لحظه برای سیم آنگار ترمیگرید. در آما بیگانه اخبار بمباران سنندج را شنیدیم.

ساعت هشت شب، ما نتوانیم دیوار صوتی را در سنندج فروریخت. نیمی از شهر بمباران شد. در کنا رسمیه ای خار دار، بغاصه های کوتاه، تیربارهای (۷-۱۲) کار گذاشته بودند و بعضی دیدن حتی یک نفر تیربار ندازی میکردند. بورش دیوانه واری آغاز کشته بود. فرماندهسان

بقیه در صفحه ۲۱

کومله که در جریان حمله به همین ستون فوق الذکر شهید شده بودند. ملای ده به چریکها اعتراض کرد که چرا جنگ نمیکنند (این ده در مسریا نه به سر دشت قرار دارد) و پیشمرگان نیروهای مختلف بجز چریک - های اکثریت برای حمله به ستون به طرف جاده بانه - سر دشت ارفتنه بودند) و مطرح نمودند اگر جنگ نمی کنند سلاحها را به کسانیکه جنگ میکنند بدهند و اما فقه کرد که شما باید مقررات را تخلیه کنید و آنرا در اختیار پیشمرگه های پیکار بگذارید. مردم نیز با گفته را تا شهید کرده و بیسای اعتراض به چریکهای فدائی را گذاشتند.

۳۰ - بطور کلی مردم روستاها می گفتم چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در آنجا مقرر دارند مترصد این هستند که آنها اسلحه خارج نکنند چون مستعدند که چریکها نمی خواهند بچنگند و میگویند اگر نمی خواهند بچنگند و قلمداران از اینجا بروید، حق ندا رید اسلحه را همراه خودتان به برید، چون اسلحه مال کسی است که بچنگد.

مصادره ماشینهایی ارتشی

بهارا شهر - ۵۹/۶/۱۹

در این روز در جاده مقده - بهار نشهر دودستگاه ماشین ارتشی که حاصل مقداری خواباریا روتدا رکات بود در کمین پیشمرگان قهرمان افتاده و ممان دره می - گردد. بدنبال این عمل پادگان بسوه به تلافی اقدام مذکور، روستاهای منطقه را زیر آتش خمپاره توپ قرار میدهند که طی آن بسیاری از خانه های روستا شیان خراب و سه روستایی شهید میشوند. در این رابطه عالی روستاهای بسوه و چنسنسد روستای منطقه لاجانی روستاهای خود را ترک کرده اند.

حمله هلیکوپترها به ماشین شرکت راه سازی

سوکان - ۵۹/۶/۲۰

در این روز دو هلیکوپتر یک جیب را که متعلق به شرکت راه سازی بود در جاده حرکت میکرد مورد حمله قرار داده و به رگبار میبندند که در نتیجه آن جیب آتش میگیرد. سر نشینان ماشین که به موقع توانسته بودند فرار کنند آسیب نسی بینند. در تاسی بی سیمی که بین دو هلیکوپتر سربازا ر بود، هر گاه که هلیکوپتر حمله کننده جیب را مورد آما بت گلوله قرار میداد، دیگری با گفتن "ما شاء الله" او را تشویق میکرد!

وضع زندگی مردم بوکان بسیار بد امار و حیه شان عالی است



در شهر بوکان روز بروز بر تشدد آوارگان افزوده میشود. این آوارگان در منطقه های اطراف تنگاب و تاهینسدز مستقر شده و اغلب مدارس بوکان را پسر کرده اند. اگر چه وضع زندگی شان در آنجا بسیار بد و در مضیقه هستند اما روحیه بسیار عالی و خوب دارند و با کینه از دولت و ارتش و پادشاهان، (بعضی جاشها) یاد میکنند.

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

پیکار



اطلاعیه وحدت با:

۱- اتحاد زحمتکشان بلوچستان

۲- بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجو"

۳- گروه "دانشجویان و روشنفکران کمونیست (درک)"

۴- بخشی از "مبارزین طبقه کارگر" (هسته مقاومت ۳)

را تلف نکنیم! در مقابل سوسال دمکراتهای روس (بخوان کمونیستهای ایران) برای برآوردن احتیاجات پرولتاریا که از خواب بیدار میشود برای مشکل کردن جنبش کارگری، برای تقویت گروههای انقلابی و ارضای تقاضای آنها، برای تأمین کارگران از لحاظ مطبوعات ترویجی و تبلیغاتی و برای جمع کردن محافل کارگری و گروههای سوسال دمکرات که در اطراف او کثافت روسیه پراکنده اند، یکدنیا کار وجود دارد! (وظایف سوسال دمکراتهای روسیه - لندن)

در اینجا اطلاعیه وحدت گروههای فوق الذکر را می آوریم:

اطلاعیه

"اتحاد زحمتکشان بلوچستان"

در رابطه با اقدام کامل در

سازمان پیکار در راه آزادی

طبقه کارگر

توده های آگاه کارگران مبارز!

رزمندگان کمونیست!

جنبش توفنده توده ها با قیام مسلحانه

بهمن ماه ۵۷ طومار رژیم سلطنتی شاه

خاستن را در هم پیچید و سه سبتمبر ماه -

داری و وابسته به امپریالیزم ضربه های مهلکی وارد آورد. جنبش توده ای پس از

افتی نسبی در مقطع قیام، بتدریج در

مداری عمیق تروپا دامنه ای محدودتر

ادامه یافت و هر روز اوج بیشتری گرفت

و وارد مرحله جدیدی از اعتلا خودش.

درا بین میان، با حکومتی به نام -

های در حال گسترش جنبش که جزو وظایف

میرم کمونیست است، به تلاش و جان

- فنانی همه جانبه ای را از آنها منقلب

بلکه آنها را ناچاراً از خاکشویی -

مسئله وحدت و تلاش در جهت ایجاد حزب

چون ائتلاف، همکاری و مبارزه ایدئولوژیک، تشکیلات دوران گذار، سازمان واحد، قطبهای ایدئولوژیک تشکیلاتی طرحهای انحرافی و غیرما رکیستی هستند. ما از تروکه دربار ما له وحدت جنبش کمونیستی در برخورد با نظرات و دیدگاههای مختلف در این باره درآینده نزدیک و درآینده فاصله فاصله های موصوبه دومین گنگره سازمانی، بطور کامل توضیح داده شده است. در اینجا از توضیح بیشتر در این مورد خودداری و تنها اشاره می - کنیم که مهمترین مسائلی که با بدجهت تا مین وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب، حول آن مبارزه ایدئولوژیک را من زده شود عبارتند از:

۱- در عرصه ایدئولوژیک: حول مسئله

زیویزیونیزم (فروشنی و سه جانی) سوسال امپریالیزم و تروکیزم و

انحرافات گوناگون در برخورد به آنها.

۲- در عرصه سیاسی: حول مسئله تئوری و

برنامه ما رکیسیم، ساخت جا معه،

آرایش طبقات، مرحله انقلاب استراتژی

و تاکتیک کمونیستهای ایران، مسئله

حاکمیت و قدرت سیاسی و ...

۳- در عرصه وظایف: برخورد به دیدگاههای

گوناگون در مورد وحدت و پیرویه ایجاد

حزب، تعیین وظیفه بلافاصله و چگونگی

تدوین تئوری انقلاب، وظایف عملی

چشم انداز و سیاسی تاکتیکی، تعیین

وظایف کمونیستها در مقابل جنبش

کارگری و دمکراتیک و ...

وحدت با نیروهای مختلف جنبش

کمونیستی که تاکنون صورت گرفته و از

جمله وحدت ما با نیروهای چهارگانه زیر

ملهم از دیدگاه فوق و در عین حال گواهی

بر حرکت انتقادی، نسبت به نظرات

گذشته و در واقع حرکت تکاملی، بوده است

ما وحدت با این گروهها را به جنبش

کار... همگی در خدمت ایجاد سد و مانع در راه وحدت عمل میگردند. در حالیکه در یک پروسه مبارزه ایدئولوژیک بطلان این تئوریهها برمسلا گردید، اکنون همان تئوریهها با جان سختی تمام در پیوسته ای نوین عرض اندام میکنند و در جهت به بیراهه کشاندن جنبش کمونیستی از دستهای هر چه سر به دستر به وحدت و نقش خویش را ایفا میکنند.

تئوریه "ائتلاف خود را در" تشکیلات دوران گذار "باز می باید، این تروپا در کسبی

اگونومیستی، تشتت ایدئولوژیک رانای

از "تشتت" و "تنوع" تشکیلهای گوناگون

دانسته و برای حل تشتت ایدئولوژیک

و دستهای به وحدت ایدئولوژیک، وحدت

تشکیلاتی را پیشنهاد میکنند و بدین ترتیب

تشکیلات را بر ایدئولوژی مقدم دانسته

و درک اگونومیستی خود را بنمایش می -

گذارد. نتیجه چنین درک انحرافی از

وحدت ایجاد تشکیلاتی "وحدت

انقلابی" است که جنگی از نظرات گوناگون

را در درون خویش گرد آورده است.

تئوریه سازمان واحد "نیز مجدداً خویش

را در "قطبهای ایدئولوژیک - تشکیلاتی

با زیافته است که کاملاً مجموعه ای از

سکتاریسم و اگونومیسم را بنمایش می -

گذارد. چرا که برای سهل الوصول نمودن

مبارزه ایدئولوژیک وجود قطبهای

تشکیلاتی را ضروری می پندارد! و عملاً

به مقدم داشتن تشکیلات بر ایدئولوژی

صحه میگردد و بجای تا مین وحدت جنبش

"پرولتاریا در مبارزه مسلحانه - سازماندهی ندارد" این سخنان جاودانه لنین همواره و بزرگترین ماست و با اعتقاد به این امر فاعلان در راه ایجاد دستاد رهبری پرولتاریا، حزب کمونیست می -

کوشیم. این واقعیتی است که برای رسیدن

به آنچنان سازمانی که بتواند توده های

انقلابی طبقه کارگر را در مبارزه علیه

بورژوازی و استقرار سوسیالیزم رهبری

کند (حزب کمونیست) با بدفعالانسه

مبارزه ایدئولوژیک را بر مین مبارزه

طبقاتی، به منظور تدوین تئوری انقلاب

و تا مین وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد

حزب را من زند.

در شرایطی که جنبش کمونیستی جوان

ما که در تروپا با عشق به وحدت میسوزد

میداند که بدون چنین وحدتی و ایجاد

حزب، پرولتاریا را لاجرم و ناگزیر به امان

بورژوازی درمی غلطد. آری با تمام

علاقه و آفری که نسبت به این امر حیاتی

نشان داده میشود، اما هر گاه این تئوریه

آتشین با درک علمی ولتینی از وحدت

همراه نباشد، نه تنها ما را به مقصود

نخواهد رساند، بلکه به سد و مانعی در برابر

وحدت و ایجاد حزب تبدیل خواهد گشت! و

واقعیت نیز گواهی این حقیقت تلخ است

کمونیست برای رهبری جنبش توده‌ای و سامین هژمونی پروتاریسما می نماید. امروزه هیچ نیروی کمونیست راستینی نیست که در تبار و با وحدت و با د حزب کمونیست ایران نوزد و با تمام توان را در دستور روز خویش قرار دهد. امروزه برای کمونیست‌ها غلبه بر گروه‌ها و کراشها بدنبال کسب امتیازات گروهی بودن و... جزو شرایط ابتدائی و اولیه تلاش راستین و پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و با د حزب می باشد. ما نیز بعنوان جز کوچکسی از جنبش کمونیستی ایران نمی توانستیم در مقابل مسئله وحدت تلاش در جهت ایجاد حزب بی تفکرات و بیانیه‌ها و بیانی‌ها با هم مناسب خودمان را به این امر خطیر جنبش کمونیستی می‌دادیم. با سخ ما به این مهم چیزی نبود جز تلاش در راه رسیدن به وحدت سیاسی - ایدئولوژیک با نیروهای که پیش از همه خط مشی و برتیا همه سیاسی شان مورد توافقمان بود. واضح است که ما با این تلاش خویش در واقع به مسئله حزب سبزر خورتوان و تحریر ما با هم می‌دادیم.

نتایج عملی این تلاش و کوشش ما، پس از اطمینان دوره‌ای از آموزش و مبارزه ایدئولوژیک، ادغام کامل در سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بوده است. آری ما جویندگانی بودیم که به رودخانه پیوستیم و از این پس بر بستر این رود خروشان و بی‌میان جزئی از آن برای پیوستن به دریای عظیم حزب به مبارزه ادامه خواهیم داد. ما بدین وسیله اعلام می‌کنیم که از این تاریخ مبارزه خویش را با سوانی بیشتر و یک گامی تجربه‌ناشناسی یعنی سر، تحت عنوان "تشکیلات بلوچستان" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ادامه خواهیم داد. مختصری برتیا ریخچه...

۱- زمینه‌های پیدایش:

با امت عقب مانده اقتصاد - اجتماع بلوچستان و در همین رابطه عقب ماندگی فرهنگی مردم منطقه روابط طبیعی و جغرافیائی (پراکندگی جمعیت، دوری از مراکز تولیدی و...) در گذشته باعث شده که مردم بلوچستان در مجموع از سطح آگاهی بسیار نا زلوسی برخوردار باشند. فقدان جنبش‌های وسیع خود بخودی در گذشته منطقه سبزر در رابطه با معنای بلوچ فوق منیا شد. مجموعه عوامل فوق باعث شده که خلق بلوچ علی‌رغم ستم شدید ملی - طبقاتی که همواره بر دوشش سنگینی میکند، نتواند هماهنگ با جنبش سسوده‌ای سراسری مبارزه با ارتجاع محلی ورژیم سرسپرده شاه خاش بر خیزد. تا شرفیما سوده‌ای بهمین ماه ۵۷ بر روی خلق بلوچ و تا شرفیما سرتان بر روشنفکران خلق سبب شده که فریبان آگاه و روشنفکر خلق بلوچ به فکر انجام محبتین به مبارزه خود و ایجاد تشکیلات انقلابی در میان توده‌های بلوچ بیفکند، ما بتوانند خلق را که این چنین بر او ستم می‌رود آگاه کرده و او را به باره کردن زنجیرهای بردگی و ستم وادارند. در پاسخ به این نیاز در مقطع قیام، سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان "بلوچ" مد.

۲- "نبرد بلوچ":

تشکل دیگری در کنار این سازمان به اسم "نبرد

بلوچ" بوجود آمده که هسته اولیه آن متشکل از عده‌ای از عناصر مرتضی بود.

"نبرد بلوچ" پس از مدتی فعالیت در تار ریخ ۱۴ فروردین ۵۸ طی اعلامیه‌ای افشاگرانه در مسرود رفتارند و جمهوری اسلامی در منطقه تحت عنوان "هوادار" - آن سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان "اعلام موجودیت کرده و به فعالیت انقلابی خود ادامه داد. "نبرد بلوچ" ضمن فعالیت خود در منطقه بتدریج به مواضع روشنی دست یافته و خود را از زیر چرخه عنا سرکه دارای گرایشات لیبرالی و پاسیفیستی بوده و قادر به تلاش پیکرانه در مبارزه انقلابی نبودند تصفیه شده و به جذب نیروهای پرا سرژی و پشوروا انقلابی پرداخت.

پس از چند ماه، در شهریور ۵۸ در شانای حمله ورژیم مدخلی جمهوری اسلامی به کردستان و سرکوب آزادی - های دمکراتیک در سراسر ایران، "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان" متلاشی شد. و "نبرد بلوچ" متفکلا فعالیت انقلابی خود را در میان توده‌های خلق بلوچ دنبال نمود.

"نبرد بلوچ" که اینک به مواضع نسبتا روشنی در رابطه با نیروهای جنبش کمونیستی دست یافته است با سمانی به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر مبارزه خود را با اشتراک اولین شماره نشریه "نبرد بلوچ" در ۱۵ آبان ماه ۵۸ سر صورت بیشتری داد. از آن به بعد نشریه "نبرد بلوچ" بطور هفتگی منتشر می‌شد. تشکل "نبرد بلوچ" که فعالیت خود را عمدتاً در محدوده راهان متمرکز نموده بود در تار س و مبارزه با پدشو - لوزیک با "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" که از درون ویرانه‌های سازمان "دمکراتیک مردم بلوچستان" جوشیده و برخاسته بود، پس از حدود ۴ ماه در اول فروردین ۵۹ به وحدت کامل حول خط مشی و برتیا سازمان پیکار رسید و در همدان متد و فعالیت جدید خود را با نام "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" و نشریه هفتگی "نبرد بلوچ" و در تار س و مبارزه ایدئولوژیک و آموزش سازمان پیکار، ادامه دادند.

۳- اتحاد زحمتکشان بلوچستان:

در رابطه با هم‌ها شدن و متلاشی شدن "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان" عده‌ای از عناصر این سازمان که دارای گرایشات لیبرالی، پاسیفیستی، غیر توده‌ای و... بودند متفکلا شدند و عده‌ای از عناصر مرتضی و انقلابی آن بفر جمع بندی انحرافات "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان"، علل متلاشی شدن آن و... برآمدند و پس از مبارزه ایدئولوژیک درون خود و غلبه بر انحرافات غیر کمونیستی و لیبرالی، تشکل "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" را بر مبنای خط مشی سیاسی نسبتا روشنی با اسامی موجودت سیاسی ایدئولوژیک قابل قبولی، بنا کردند.

"اتحاد زحمتکشان بلوچستان" ضمن تار س - "نبرد بلوچ" و مبارزه ایدئولوژیک برای وحدت، به - تدریج با گرایشات فکری، سوانا لیستی و لیبرالی مرتضی نیز گرد و نتوانست بر این انحرافات غالب شود. "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" ضمن مرتضی قاطع با گرایشاتی که تا قبل به ایجاد تشکیلات مخصوص بلوچستان داشتند و "گومه" را الگوی تشکیلاتی خویش

قرار می‌دادند، به این نتیجه رسید که تشکیلات کمونیستی بلوچستان جز کوچکی از حزب طبقه کارگر ایران با بد با توده تشکیلاتی "ملی" برای خلق بلوچ.

"اتحاد زحمتکشان بلوچستان" که طی جمع بندی انحرافات "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان" به درستی انظار آهین، وحدت یکپارچه، آموزش و مبارزه ایدئولوژیک را برای بقا و حیات و تار س تشکیلات ضرورتی مبرم می‌شناخت در عین حال بقا، وادامه حیات آن را در تلاش برای وحدت سیاسی - تشکیلاتی با نیروهای نزدیک به خود و کوشش مداوم و متحدانه در جهت ایجاد حزب میدانست در همین رابطه ضمن وحدت و یکپارگی با تشکل "نبرد بلوچ" وحدت خود را از نظر سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی با سازمان پیکار... محکم ساخت و طی پروسه‌ای آموزش و مبارزه ایدئولوژیک در این سازمان ادغام شد.

۴- مختصری از فعالیت "اتحاد زحمتکشان بلوچستان":

"اتحاد زحمتکشان بلوچستان" پس از یکی شدن با "نبرد بلوچ" در فروردین ۵۹، به فعالیت پیکر خود در منطقه شدت بیشتری بخشید. و در این راه از روش‌ها و تجربیات از زنده‌ها زمان پیکار... نیز بهره‌مند گردید. "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" تا کنون نقش چشمگیری در بالا بردن آگاهی خلق بلوچ و پیوندیبا توده‌ها داشته و بنحویبازی ارتجاع محلی، اسامی از مولوی‌های مرتجع، خوانین مزدور، روشنفکران خود فروخته و عوامل منطقه‌ای ورژیم را افشا و رسوا کرده و برتیا به اهداف انقلابیون کمونیست را در میان توده‌ها تبلیغ کرده است.

"اتحاد زحمتکشان بلوچستان" در تار منطقه فعالیت در وادان کنون علاوه بر نشریه "نبرد بلوچ" و اعلامیه‌های متعدد در زمینه‌های مختلف، توانسته است مواضع و نشریات سازمان پیکار را نیز تا در دست تری نقاط بلوچستان به میان توده‌های ستمدیده ببرد و حدود زیادی خط سازمان را در میان زحمتکشان و کارگران تبلیغ کند. علاوه بر این، "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" طی این مدت توانسته علی‌رغم کمبودها و نواقص، به فعالیت مستقیم در میان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا بپردازد و تشکیلات خود را گسترش دهد. "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" همچنین مبارزه ایدئولوژیک با انحرافات رژیونیستی و... را به شدت در منطقه پیش برده و موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای در این زمینه داشته، بطوریکه در همین رابطه بخش خیلی مهمی از نیروهای مادی و ورژمنده "پاشی استار" را به خود جذب نموده است (توضیح بیشتر این مسئله را به بعد موقوف می‌کنیم).

ما میلان کامل فعالیت "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" را به جای دیگری موقوف و فقط این نکته را تذکر می‌دهیم که تا ریخچه پیدایش "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان" و "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" در "نبرد بلوچ" شماره‌های ۱۹ تا ۲۴ درج شده است که پس از تکمیل، در اولین فرصت در سطح جنبش منتشر خواهد شد.

پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
اتحاد زحمتکشان بلوچستان
شهریور ۵۹

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

رزمندگان و مسئله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی

خود را در پشت عدم تحلیل و احد عمیق می پویند و سپس برای این "روال منطقی" نتیجه خود را میگرداند. در نقد نظریات انحرافی این رفقا نظرا چیست؟

سنظر ما امروز سطح جنبش کمونیستی بین المللی به همان میزان است که احتیاج به تحلیل دقیقتر مثلا از امپریالیسم آمریکا، ساخت شرکتها و چند ملیتی و چگونگی عملکرد آنها در عرصه جهانی وجود دارد، تحلیل دقیقتر از زمانیات درونی و بیرونی سوسیال امپریالیسم شوروی نیز یک نیاز فوری است. ولی مطلب مهم اینجا است که آیا جنبش کمونیستی فاقد آن شناخت قابل اتکا از شوروی میا شد که نتواند واقعیت آنرا در انحرافهای رزمندگان دست به تحریف زده و انحرافات رویزیونیستی خود را در پشت الفاظ میپوشاند. این رفقا سوسیال امپریالیسم شوروی را بجا به یک دستاورد مهم و قابل اتکا جنبش کمونیستی نمی بینند. نماند و جنبش کمونیستی را در برابر برتریهای آن سوسیالیستها که مایه افتخار و اعتبار آن است و واقعیت سوسیالیسم امپریالیستی را "شرجی" در نا کتیک و استراتژی پرولتاریا ندارد (!)

واقعیت امپریالیستی شوروی

واستراتژی پرولتاریا

همانطور که قبلا گفتیم با تبدیل شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیال امپریالیستی این کشور خود به بخش تفکیکناپذیر از سیستم جهانی سرمایه داری تبدیل شده است. این کشور بطور ماهی و ارگانیک به ساختمان عمومی امپریالیسم جهانی ملحق گشته و در آن متافیزیک امپریالیستی و کسب قدرت جهانی به اعمال استعماری ملی می پردازد و میکوشد تا هر چه بیشتر خلقهای جهان را بزیربوغ خود بکشاند. حال در برابر انقیاد امپریالیستی استراتژی پرولتاریا جهانی چیست؟ پرولتاریا جهانی چه وظایفی در قبال مبارزات مردمی دارد که تحت ستم امپریالیسم شوروی قرار دارند؟ سعی می کنیم مسئله را بیشتر توضیح دهیم: میدانیم که امپریالیسم روس با اتکا به "شورای تعاونی اقتصادی" (کومکون) و با کمک بورژوا - رویزیونیستهای اروپای شرقی، طبقه کارگر و دیگر رزمندگان این کشورها را به شدت تحت استعمار قرار داده است و برای تحقق این منظور با توسل به نیروهای پیمان تجارکارانه "ورشو" به سرکوب شده های زحمتکش پرداخته است. حال آیا طبقه کارگران کشورها حق دارند علیه حاکمیت بورژوازی و علیه نفوذ سلطه سوسیال امپریالیسم مبارزه بریزند؟ اگر این امر حق مسلم کارگران است - که هست - وظایف کمونیستها در قبال این مبارزات چیست؟ آیا واقعیت نفوذ امپریالیستی شوروی در

انحراف مشخص وجدی رزمندگان بشمار می آید؟ فقدان تحلیل عمیق با انحراف رویزیونیستی، کدما میگوید؟

پرواضح است که بدون یک تحلیل روشن از تضادها و اساسی جهان کنونی، اوضاع طبقاتی و صف بندی انقلاب و فدا انقلاب نمیتوان استراتژی و تاکتیک بین المللی پرولتاریا را مشخص نمود. پرواضح است که بدون شناخت از سیستم جهانی امپریالیسم نمیتوان سیاست فدا امپریالیستی روشنی را جهت پیشبرد یک مبارزه انقلابی بین المللی مدون کرد. ولی در اینجا با پیدا نمودن آنچه اوضاع کنونی بین المللی تحلیل دقیقتری می طلبد، اما این امر بدان معنا نیست که جنبش کمونیستی فاقد هرگونه تحلیل قابل اتکا - کدما می باشد. در یک برآیند عمومی صف انقلاب از صف ضد انقلاب کلا قابل تشخیص و تمایز است و بر همین پایه خط کشی روشنی بین دوستان و دشمنان بین المللی پرولتاریا وجود دارد. امروز دو سیستم جهانی یکی سوسیالیسم دیگری امپریالیسم وجود دارند. در سیستم سوسیالیستی جنبشهای کارگری، جنبشهای آزادیبخش و کثرت سوسیالیستی قرار دارند و در سیستم بین المللی سرما به داری. امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم شوروی دیگر امپریالیستی جهانی است و در کل طبقه طبقات مرتجع و حاکم کشورهای تحت سلطه ای میگردند. سیستم امپریالیستی بر اساس ماهیت تجارکارانه خود و به اتکا سرما به بورژوازی استعماری و فاکتوری پرداخته و خلفها را به اسارت خود در آورده است. امپریالیستها با تکیه بر ارتجاع محلی به استعمار وحشیانه کارگران و دیگر زحمتکشان دست زده و برای تداوم این بهره کشی امپریالیستی مبارزات و انقلابات را به خون میکشاند اما در برابر سیاست اسارت و بردگی امپریالیستی مبارزات طبقات فدا امپریالیست و به خصوص طبقه کارگر قرار دارند و استراتژی و تاکتیک جنبش کمونیستی در راه رسیدن به سوسیالیسم، پیشبرد مبارزه فدا طمانه علیه امپریالیسم میباشند. در برابر حاکمیت بورژوازی، استراتژی کمونیستها انقلاب پرولتاریا است و در برابر حاکمیت طبقات و پیمانها امپریالیسم و سلطه امپریالیستی، استراتژی کمونیستها تحقق امر انقلاب دمکراتیک - فدا امپریالیستی و راه گشایی سوسیالیسم است. در یک کلام استراتژی بین المللی پرولتاریا سرگونی و نابودی سیستم امپریالیسم و برقراری سوسیالیسم از راه انقلاب است.

حال با توجه به این پیش درآ مدینه مسئله مورد مشاجره و جوانب مختلف آن بپردازیم. اگر چه پاسخ به این مسئله در گفتار فوق نرفته است. مسئله اساسی اینجا است که رفقای رزمندگان از آنجا که به واقعیت شوروی بجا به یک قدرت امپریالیستی اعتقاد ندارند، بنا بر این معتقدند وجود شوروی کنونی در تاکتیک و استراتژی پرولتاریا "شرجی" نمیتواند داشته باشد. این رفقا در ابتدا انحراف رویزیونیستی

هما نظور که قبلا نوشتم تزلزل رویزیونیستی - رفقای رزمندگان نه تنها در برخورد به ما هیت امپریالیستی شوروی خود را ظاهر میسازد، بلکه همچنین در زمینه های دیگر و جمله در زمینه مسائل استراتژی و تاکتیک بین المللی پرولتاریا خود را اتکار می نماید در نظر اول چنین بنظر میرسد که رزمندگان فقط در مورد ساخت امپریالیستی شوروی دچار "انها م" (؟) می باشند. ولی وقتی نظرات این رفقا را بدقت مورد مطالعه قرار میدهم، وقتی تزلزل رویزیونیستی آنان را به عرصه تحلیل و بررسی می کشانیم، وقتی آنها کلمات این تزلزل را در زمینه های دیگر به نقد کمونیستی درمی آوریم، متوجه میگردیم که ایضا دیگر انحرافات بظاهر کوچک به کجا کشیده میشود، متوجه میشویم که تزلزل و انحراف ایدئولوژیک رویزیونیستی چگونه مواضع سیاسی را به انحراف کشانده و چگونه به بورژوازی خدمت می کند.

شیوه ما در مبارزه ایدئولوژیک، شیوه اپوزیونیستی مح گیری نمی باشد. شیوه ما، شیوه کمونیستی در امر مبارزه ایدئولوژیک مارکسیستی - لنینیستی است. شیوه ای است که بر حاکمیت و نفوذ کمونیستی در گوشه ها و خفاها بورژوا - رویزیونیستی بسیار زده می - آمان دست میزند. هرگز به مبارزه علیه انحرافات غیر پرولتاریائی نباید کمک کرد. هر چند این انحرافات بظاهر کوچک و بی مقدار (!) باشند اما در معرکه خود بهمان یک خطا اساسی میتواند تبدیل شود. رفیق استالین میگفت: "هرگز از چیز کوچک چشم پوشید، چون از خوردن است که کلان برمی خیزد" قلب کمونیستها برای آرمان پرولتاریا، برای کمونیسمی طیده هر خردی که به این آرمان دشمنان را دور کند و کمونیسم را به انحراف کشاند می بایدست مورد بی رحمانه ترین مبارزات قرار گیرد و از این رومبیا شد که ما به هم خود در برابر این ایدئولوژی پرولتاریا و هموار نمودن وحدت راستین کمونیستهای ایران میکوشیم و ما از این رومبیا شد که ما "خرد" های رفقای رزمندگان را مورد نقد قرار می - دهیم. در اینجا در پی آسیم تا نمونه دیگری از انحراف "کلان" این رفقا را در برخورد به سوسیال امپریالیسم شوروی نشان دهیم.

فقدان تحلیل عمیق یا انحراف رویزیونیستی؟

رزمندگان "میپوسند:

"در حال حاضر جنبش کمونیستی از تحلیل واحد و عمیقی که جنبه های اساسی و ماهوی ساختمان سوسیالیسم و انحرافات و نکست آن در شوروی و چین را منعکس کند، بجنوی که بتواند در نا کتیکهای پرولتاریا و در استراتژی بین المللی او اثر جدی بگذارد برخوردار نیست و این بخودی خود هرگز به برخوردی مونگافانه و اساسی با مسائل مزبور نتواند، به ما ده گراشی و کدما تبیین خطرناکی مبدل خواهد شد که رویزیونیسم از آن بدرخواهد آمد". (شماره ۲ - تاکبدا زمانست)

جوهر کلام رفقا اینست که چون تحلیل واحد و عمیقی در مورد گذشته و حال شوروی وجود ندارد، بنا بر این این فقدان تحلیل "در نا کتیکهای پرولتاریا و در استراتژی بین المللی او" شرعی نمیتواند بگذارد. آیا واقعا چنین است؟ و یا مطلب فوق بیان یک

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم

این کشورها اشرافی در تعیین استراتژی و تاکتیک پرولتاریا نمیگذارد؟ مگر اینها بزرگوارانی انحصاری در شوری دارند؟ آیا بزرگوارانی کشورهای اروپایی شرقی، دشمن طبقه کارگر این کشورها میباشند؟ مگر اینها طبقه کارگر تحت نظام طبقاتی موجود در دست و استعمار قرار گرفته است و مگر اینها طبقه کارگر استراتژیک طبقه کارگر سوسیالیستی بزرگوارانی حاکمی است که در اتحادیه دنگنگ با بزرگوارانی شوری قرار دارد؟ حال آنکه طبقه کارگر این کشورها در تعیین تاکتیک و استراتژی خود نمی تواند نقش مؤثری را در جبهه ضد انقلاب روشن نماید؟ رفقای رزمندگان به این پرسش ها با بدین پاسخ گویند:

امروزه فاشیسم در دست و استعمار و نظامی و امپریالیستی شوری قرار گرفته است و ریزبومینستی و شوری با اتکا به «بزرگواران» طبقه کارگر «نه تنها به غارت منابع این کشور دست زده بلکه همچنین خلق افغان را مورد شدیدترین سرکوب و ستم قرار داده است. حال برپا به این واقعیت عریان نمیتوان استراتژی و تاکتیک کمونیستی را مشخص نموده و در این ارتباط مفا همسایه امپریالیستی شوری را معین کرد؟ (۱) آیا تحت پوشش فاشیسم «تحلیل عمیق» از ماهیت شوری، میتوان از جای دادن شوری در صف دشمنان خلق و طبقه کارگر افغان خودداری ورزید؟

در حال حاضر طبقه کارگر و زحمتکشان هندی نه تنها زیر ستم و استعمار بزرگوارانی حاکم بر میسرند بلکه همچنین تحت فشار سیاسی - اقتصادی شوری نیز قرار دارند. به عنوان نمونه سوسیالیست امپریالیسم شوری تا اواخر ۱۹۷۱ مبلغ ۱۰۳۱۵۰۰۰۰۰ روپیه به هند و ما داده است و از این راه میلیونها روپیه که حاصل دسترنج زحمتکشان است بغارت برده است. هم اکنون بخش مهمی از اقتصاد سرما به داری هند و بظهور مشخص بنگالهای تولیدی این کشور تحت کنترل سرما به انحصاری شوری قرار دارد، یعنی که ۸۰٪ تولیدات ماشین، ۶۰٪ سیسما برق، ۳۵٪ پالایش نفت، ۳۰٪ صنایع فولاد، ۲۰٪ انرژی برقی تحت کنترل سرما به - های ریزبومینستی شوری قرار گرفته اند (۲). علاوه بر رژیم مترج هند و سیاسی وسیعی از ابزارهای نظامی و تسلیحاتی خود را از روسها تامین میکنند و با همسایگان سلاحا کارگران و زحمتکشان هندی را مورد ستم و سرکوب قرار میدهد. حال آنکه واقعیت امپریالیستی شوری در هندنا شناخته شده میباشند و واقعیت شوری در تعیین استراتژی و تاکتیک کمونیستی «اشرافی» «نهان میگذارد» در دسیسات انحرافی و استروانه و فکشیای رزمندگان که واقعیت امپریالیسم شوری را در استراتژی و تاکتیک پرولتاریا بحساب نمی آورد، مسئله مورد مشاجره را در بعد دیگری مورد مطالعه قرار میدهم: جایگاه و نقش جهانی امپریالیسم شوری در دنیا و کنونی چگونه قابل ارزشیابی میباشند؟ بنظر ما در شرایط حاضر، جهان امپریالیستی به دو قطب

اساسی تقسیم میشود. اگر در رأس یکی از این دو قطب امپریالیسم جهانی قرار دارد، در رأس قطب امپریالیستی دیگر سوسیالیست امپریالیسم شوری جای گرفته است. واقعیت اینست که هر یک از این دو امپریالیسم قدرتمند، نقش برجسته و مهمی در حیات هر یک از دو قطب اساسی و نظام جهانی امپریالیستی ایفا می نماید و علاوه بر هر یک از این دو قدرت امپریالیستی

اتمیوی، هند، ... بخشی از سرزمینهای جهان را به خود اختصاص داده و مناطقی مهمی از کره ارض را به حیطة نفوذ خود تبدیل کرده است. تمامی موارد فوق نه تنها مظاهر و نشانه های ماهیت امپریالیستی دولت و اقتصاد شوری میباشند بلکه علاوه بر اینها سیاست استعماری و امپریالیستی شوری و عمق ستمگری ملی از جانب این قدرت

- مطلب مهم اینجاست که آیا جنبش کمونیستی فاقد آن شناخت قابل اتکا از شوری می باشد که نتواند واقعیت آن را در استراتژی و تاکتیک خود ملحوظ دارد ؟
- رفقای رزمندگان از نفعی این مسئله که شوری به مثابه یک قدرت امپریالیستی است به نفعی واقعیت شوری به مثابه بخشی از جهان امپریالیستی رسیده و از آنجا به نفعی اشرافی واقعیت سوسیالیست امپریالیسم روس در استراتژی و تاکتیک پرولتاریا کشیده می شوند .
- آری سوسیالیست امپریالیسم شوری نه در جبهه انقلاب بلکه به مثابه یکی از دشمنان امپریالیستی در جبهه ضد انقلاب قرار دارد و پرولتاریا نمی تواند این واقعیت عریان را کتمان نماید . اینست تنها سیاست کمونیستی .

تجارت و زنگار نشان میدهند. این مسائل به روشنی نشان میدهند که شوری بنوعی خود نقش برجسته ای در حفظ نظام امپریالیسم جهانی و سیستم ستمگرانی ایفا میکند. سوسیالیست امپریالیسم شوری اگر چه جهت داشتن سهم بیشتر از غارت جهان و کسب هژمونی جهان با دیگر امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم آمریکا بر قیاس می بردارد، اما برای حفظ نظام جهانی سرما به سایر دیگرها نفوذ را، اتحاد استراتژیک داشته و به همین لحاظ در برابر جنبشهای واقعا انقلابی و آزادیبخش و انقلابات پرولتری راستین با امپریالیسم جهانی دیگرها زش میکند. البته امپریالیسم شوری با ماسک سوسیالیستی خود میکوشد تا جنبشهای آزادیبخش را به انحراف بکشاند و آنها را مطیع سیاستهای استعمارگرانه خود سازد و حرکت آنها را در جهت تامین منافع استیلاجویانه خود قرار دهد. طبعا در چنین حالتی یعنی زمانیکه رهبران جنبش به انحراف کشیده شوند و رهبری جنبش در خدمت شوری امپریالیستی به حرکت درآید، دیگر جنبش جنبشهای قابل پشتیبانی کمونیست میباشند. جنبشهای قابل پشتیبانی کمونیست میباشند که امپریالیسم جهانی را تضعیف کرده و آنرا بسمت تلاشی هر چه بیشتر سوق دهد. بقول رفیق استالین:

"انقلابی بودن حتمی اکثریت هنگام جنبشهای ملی هما تقدرنسی و دارای اشکال بخصوصی است که احتمال ارتجاعی بودن برخی از جنبشهای جداگانه ملی نسبی و دارای شکلهای بخصوصی می باشد."

او اضافه میکند که جنبش واقعا انقلابی است که: "امپریالیسم را ضعیف و قویایش را تجزیه کرده و آن را از ریشه متزلزل سازد" (اصول لنینیسم)

بدین ترتیب جنبشهایی که به انقیاد دسیسات شوری و نوکران آن درآید، اگر چه ممکن است به منافع یک کشور امپریالیستی حتمی ضربه بزند، ولی در مجموع به نظام جهانی امپریالیسم ضربه نخواهد زد و به همین لحاظ قابل پشتیبانی نمی باشد.

بهر حال شوری میکوشد جنبشها را در جهت منافع خود به انحراف بکشاند، ولی آنجا که جنبشها در برابر امپریالیستها و از جمله شوری استوار باشند و مقاومت ورزد، آننگاه شوری در تشریح آنها با دیگر امپریالیستها برای مرگ و نابودی آن جنبش همت می ورزد. بطور خلاصه ما بدگفت که جایگاه شوری در جهان امپریالیستی قرار داشته و شوری به مثابه رأس یکی

نقش برجسته ای در استعمار، غارت و سرکوب کارگران و خلقهای جهان بازی میکند. از آنجا که مورد ستم است، ما در اینجا نقش سوسیالیست امپریالیسم شوری است، بنا بر این بطور مختصر بدین امر اشاره می کنیم تا بتوانیم نتایج سیاسی خوبی را استخراج نمائیم.

سوسیالیست امپریالیسم شوری بنا به ماهیت امپریالیستی خود به صورت سرما به دست زده و بطور مستقیم در استعمار و غارت زحمتکشان دیگر کشورها مشارکت می نماید. به عنوان نمونه فقط تا سال ۱۹۷۲، شوری تحت پوشش عوامفریبانه «کمک اقتصادی» مبلغ ۱۰ میلیارد دلار در روپل در کشورهای اروپای شرقی سرمایه گذاری کرده است و تا حال حاضر در بیش از ۱۴۰۰ واحد تولیدی این کشورها سرمایه گذاری کرده و آنها را تحت کنترل خود قرار داده است. شوری علاوه بر کشورهای فوق، در سایر نقاط جهان نیز سرمایه گذاری امپریالیستی را به اجرا در آورده و به غارت منابع آنها می پردازد. در این مورد ما بدگفت که فقط تا سال ۱۹۷۱، ریزبومینستیهای روس در ۳۵۰ بنگاه تولیدی در آسیا، آفریقا و آمریکا و لاتین چنگا لهای خود را فرو کرده اند و بهرواضح است که طی سالهای اخیر این میزان از نفوذ اقتصادی به مراتب افزایش حیرت انگیزی پیدا کرده است (۳). در زمینه تسلیحاتی نیز شوری بلحاظ ماهیت امپریالیستی خود دسیساتی را عملی کرده است. واقعیت است که امپریالیسم آمریکا جهت کسب سیادت جهانی، سرکوب جنبشها و انقلابات و در دست راست از حمل فروش اسلحه به رژیمهای ارتجاعی (۴)، سوسیالیست امپریالیسم شوری را و میدارد تا هما نند امپریالیستی دیگر به صدور اسلحه دست زده و از این طریق سودهای هنگفتی را به جیب آورد.

در حال حاضر امپریالیسم شوری در راه منافع توسعه طلبانه خود به کودتا دست زده (افغانستان...) به سرکوب جنبشها اقدام ورزیده (جنبش خلق آریتره) به داخله در دیگر کشورها پرداخته و در آنها به ایجاد پایگاههای نظامی و جاسوسی دست زده (ایمن جنوبی،

- (۱) - منبع: آمارها نجا .
- (۲) - دولت امپریالیستی شوری در سال ۱۹۶۸ مبلغ ۱۱۰ میلیون دلار به رژیم موزمبیک اسلحه فروخت . بر این بنا به نا وجه های ارتش شاه به موشکهای سبک شانت شوری مجهز شد و در حال حاضر ارتش دارای زره پوش - های حمل و نقل از نوع BTR - ۱۵۲ و هواپیمای ۵۷۰۰ و ۵۸۰۰ ساخت شوری می باشد .

- (۱) - روشن است که جزو دشمنان خلق افغان امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم غربی ارتجاع محلی (افشودلها و...) نیز وجود دارند.
- (۲) - منبع: آمار: رساله مقدساتی در باره امپریالیسم به مناسبت آخرین مرحله سرمایه داری «چاپ چین ۱۹۷۶» همین آمار در مجله «آلبانی امروز» - مه - ژوئن ۱۹۷۴ نیز آمده است. ما خدا ملی این آمار روزنامه های شوری می باشد.

رفقای دکهداران نشریات انقلابی! رزمندان پایدار! عزمندان استوار! و پایداریتان آهنین باد!

ملاحظات کوتاه

چلچله های بهار فردا

وقتی جوانان بر سرور انقلابی و کمونیست را از دختر و پسر می بینی که علمبر غم خطرات، دسما میا، باز - دانشها، شکنجه ها و اعدا میا همچون گلبرویان بهاری دا من را از گلپای آکا می، از نشریات انقلابی و کمونیستی انباشته و بر سر گذرها، چراغ آگاهی توهم زد را بهیچا روی توده ها فروخته اندوندا می آزادی طبقه کارگر و فریاد دنا بودی امیربا لیموسرما بسببه آری وابسته را عطا میدهند و "هیگا" و "۱۳" آبا ن "و دیگر نشریات انقلابی را به درون خانه ها و کوچه ها و برزنها میرسانند، چراغ ای ناداری جز آنکه بر اینهمه شیپور انقلابی درون خلق آفرین بگوشی و به آئینه درخشان زحمتکشان که روز بروز در راه مبارزه با کماهای استوارتر و با چشمها زتر را می سپردند میداد و رترو می.

ای بهایم آوران آکا می ای چلچله های بهار جمهوری دمگرا تیک خلق ای و رهروان پرشور و انقلاب و کمونیسم! عزمندان جزم، رزمندان پایدار و پیوندتان با توده ها مستحکم باد!

چنگ زدن به ریسک های روسیاه

همزمان با حوادث لهستان، فیلمی از تلویزیون جمهوری اسلامی نشان دادندینام "کارگران حکومتی علیه حکومت کارگری". آنچه دست اندرکاران هنرپیشی رژیم با این فیلم تبلیغ کردند جز خنثی و رمز خفیات مطبوعات جهان سرما به داری علیه کمونیسم و کمونیستها نبود: آنها زیر لوای غدیت با ثوروی به غدیت بسا کمونیسم پر بردا خنثند. و حکومت بوسیده و ضد کارگری روپز - یونیستها در لهستان و دیگر کشورهای افکاروسوئال - امیربا لیموسروروی را "حکومت کارگری" معرفی کردند. آنها بر اساس این مقدمات غلط به نتایج غلط تری رسیدند. و انحرافات سنگین روپز یونیستها را بر سر توت کمونیسم جا زدند. در جوامع تحت سلطه روپز - یونیستها، از کمونیسم جز کالبدی بی جان نشانده توهما تا ایده آل بیستی مجال نیومجددیا فتها ست و این قبل از هر چیز لکنگی بردا من روپز یونیستها است این توهما تا ایده آل بیستی در درون طبقه کارگر بجان آمده لهستان نیز بصورت دادخواهی و توسل به داما ن پاپ خود را نشان داد. حالا از این افشاح روپز یونیسم، کما نی "ما می مقصود میدیکنند و در بی "اشبا تا" افکاری هستند که سالها ن دراز است علم و مبارزه طبقه ای "وقفا تا" ریخی آنها را اعلام کرده است فیلم نتیجه گیری میگرد که آنچه تریاک توده هاتامیده میشد، "نجا نبخشا" ز آب در آمده است. اما با بدگفست مدافعان طبقات ارتجاعی و اندیشه های کهن، بسپوده خود را حسته میکنند، ما رکیسم در مبارزه با ایده آل لیم و کلیه ایدئولوژیهای بورژواشی منجمله روپز یونیسم هر روز آبدیده تر میشود.

بقیه در صفحه ۱۸

با دیدن گسترش حمایت توده ها از ریسک های ما، با ن از نوشته ها میمان و ارتقا لبینها میمان، تبسم ناد می بخش بر چهره ها میمان نقش می بندد چرا که پیروزی خویش و مرگ مرتجعین را نزدیکتر می بینیم! چرا که گسترش حمایت پر شور توده ها را از انقلابیون با ثوروشوق تمام می - بسیم و این ایمان به نیروی لایزال و امید بخش توده ها است که با تمامی مشکلات و ریسکهایها، شکنجه ها، حبس ها و اعداها، نه تنها ذره ای از تزلزل و تردید در راه مان ایجاد نمی کند، بلکه با سری افراشته، با افتخار تمام، استوارتر و محکمتر پیش از پیش در راه آزادی ما نهیای انقلابیما ن گام بر می داریم و بدین ترتیب تیراندازی که می گوشند با جشن کتا بسوزان ما تمهیدل زحمتکشان انقلابیون و کمونیستها بنشانند تا راه سنگ می نشانیم آری اینچنین ایستاد و قهرمانانه در برابر برحسالات و حشانه مرتجعین پایدار میکنیم و امکانات فعالیت عینی را که از جمله دستاوردهای قیام شکوهند ما ست و با خون دهها هزار شهید ترا بدست آورده ایم، نه تنها از دست نمی دهیم، بلکه به پیش می رویم و آنچه را هم که آزما با زسانند، با چنگ و دندان پس میگیریم و پایداریش میکنیم تا ناقوس مرگ مرتجعین را به صدا در آوریم!

رفقا! حمله ها، زخمها، کتک ها، حبس ها و شکنجه ها را تحمل می کنیم و آبدیده میشویم، اما لحظه ای از پای نمی نشینیم، از پای می افتیم، اما با زیر می خیزیم سرگویمان میکنند، دوباره شروع میکنیم و از خون جاری صدها شهید و زخمی پرچمان را سرختر می کنیم. آری ما را جز این راهی نیست، اینرا کلیه دشمنان خلق با بد بداند! با گسترش بساط های کتا بفروشی، با تشدید تبلیغات و افشاحگری، با مقاومت متحدانه از سرچیدن بساط های کتا بفروشی جلوگیری نموده و فعالیت آکا می بخش خویش را فزونیتر کنیم!

مردم مراغه خواهند انحلال خراب جمهوری اسلامی شدند

۱- فرستادن نماینده ای از طرف دولت برای مذاکره لازم به تذکر است که رئیس بیدا دکهداران شهادتجوی جوانی است که جز آدمکشی و اعدا میای بی رویه هنسر دیگری ندارد. و از جمله وی عامل اعدا مچندین نفر از کردهای زندانی است.

۲- شورای شهر مراغه، زرفشا مردم چا را زبذیرش دخواست از خواستهای چهارگانه مردم شهر شده است.

۳- اینکه نظرات مردم مراغه علمبر غمها هیت انقلابی خود، زیر لوای حمایت ارتجاعی مدرصورت گرفت هتداری است به انقلابیون و بیوزمه مبارزین مراغه که هر چه بهیگیر تر سرشت یگانا نه بنی مدر و حزب جمهوری اسلامی را در بین توده ها تبلیغ کنند و مانع از آن شوند که رهبری ایگونه مقاومتهای توده ای بدست بشی صدها بیافتند.

رفقا! مدعی است که با سازمان حزب جمهوری اسلامی بدنبال حمله هیئت حاکمه به کردستان، گشتار در دانشگاه بوستن دانشگاهها و دفاتر نیروهای سیاسی و توفیق نشریات و دستگیری، حبس و حتی ترور و مد انقلابی رفقای بی که در بخش و فروش نشریات و اعلامیه ها شرکت دارند، حملات سازمان با فتی را به بساط های کتا بفروشی نیروهای انقلابی در مناطق مختلف آغا ز کرده اند. تا آخرین امکانات فعالیت عینی ما و دیگر نیروهای انقلابی را از چنگمان در آورند! چرا که ارتجاع مرگ خویش را در آکا می توده ها میبندد و بساط های کوچک شما آکا می بخش و روشنگردن توده ها است.

آری رفقا! و با نشان مسلح به جانو، فمه، نجبر، بچه بکس و حتی اسلحه گرم با حمایت پاداران سرما به مرتبه این دکهدا و بساط های آکا می بخش توده ها حمله می - کنند، بپوسرها و سونجات دیواری را با تپه های چا فومی درند، کتا بهای و جزوات را لگدمال میکنند، جشن کتا بسوزان راه می اندازند و جو خال و خندان به شما شای اعمال سنگین خویش می ایستند، رفقای ما را به همراه نیروهای انقلابی کتک میزنند، با چاقو و فمه و... به آنها حمله کرده، آنها را زخمی میکنند و حتی بسوی آنان تیراندازی میکنند (ما نند حمله با پاداران به بساط پاداران بلوار کتا روز. که در نتیجه آن یکی از رفقا موردا مایت گلونه مرا گرفت) آنها حتی به مردمی که از آنان می پرسند، چرا چنین اعمال سنگینی را انجام می دهید، با فحش و ناسزا و کتک جواب می گویند!

اما چه بسپوده می پندارند این مرتجعین، ما کمونیستها را از مرگ باکی نیست! ما با ایمان به پیروزی آزما ن سرخمان لحظه ای از پای نخواهیم نشست. و در این راه ما توده های زحمتکش، همسراه و همپا خواهیم گید! اگر ارتجاع با جشن آتش بسوزان کتا بهای و جزوات ما، زهر خند بر چهره اش جاری میشود، ما

روز چهارشنبه ۵۹/۶/۱۹ مردم مبارز مراغه که از زورگوشی وستم حکام محلی از جمله بیدا دکهداران انقلاب و کمیته ها به تنگ آمده بودند به غیبا بنا ریخته و بسا شعارهای "مرگ بر هیئت"، "مرگ بورژواشی"، "مرگ بر آیت"، "حزب جمهوری اسلامی منحل باید گسرد" مخالفت خود را با ارتجاع ابراز نمودند. این حرکت که زیر لوای حمایت ارتجاعی مدرصورت گرفت، عمدتاً بیدا دکهدا انقلاب و کمیته های اسلامی را هدف قرار داده بود. بدنبال این نظرات مردم مراغه برای شهر متحصن شده و خواستهای خود را بدین شرح اعلام نمودند:

- ۱- انحلال حزب جمهوری اسلامی
- ۲- استعفا رئیس دادگاه انقلاب
- ۳- انحلال کمیته ها

تأمین کار برای دکهداران، داشتن دکهدا حق مسلم آنان است

بقیه از صفحه ۱

بیامون . . .

... های جنگ افروزان دولتهای ارتجاعی ایران و عراق میگردند. در دوره حاکمیت رژیم پوپستیه امپریالیسم نا انزویا رها تا حد درگیریهای مرزی بین ارتش آمریکا و ارتش ایران با فاشیستهای بعث عراق بودیم. حال با توجه به ویژگیهای موقعیت کنونی منطقه بعد از سقوط رژیم شاه، توطئه های امپریالیسم آمریکا برای ایجاد کانون جنگ و کشتار و برپایی اهداف ضد خلقی رژیم پوپستی جمهوری اسلامی و بعث عراق، با درگیریهای بین جنگ شعله ور گشته است که در اثر آن فقط و فقط خلقهای زحمتکش دوشور ایران و عراق آسیب می بینند. اما بیبینی ما هیت جنگ بین دولتهای ارتجاعی ایران و عراق چیست و آنها از ادا ما این جنگ چه اهدافی را دنبال میکنند؟

توطئه های امپریالیسم آمریکا

برای ایجاد و گسترش جنگ

بدنبال سقوط رژیم پوپستیه شاه و صریحاً سنگینی که خلقهای میهن ما به امپریالیسم در ایران اید ساختند موج نویی از خیزش انقلابی در سراسر منطقه بوجود آورد. بعد از آنکه کانون دربرخی از کشورهای خاور - میانه از جمله پاکستان، عراق و ... مبارزات زحمتکش (که رژیم جمهوری اسلامی بدو رخ آنها را فقط جنبش شیعیان "قلعه دمیکند" بر علیه رژیمهای دیکتاتور و وابسته گسترش بیشتری یافته و آواج میگیرد. مبارزات انقلابی خلقهای منطقه نمی توانست امپریالیسم آمریکا را نگران ننماید. و بر همین اساس تبدیل خاور - میانه به کانون جنگ و کشتار یکی از اهدافی است که امپریالیسم آمریکا برای رسیدن به آن به توطئه ها و تحریکات دادا منهدم در دست زده است. این توطئه ها، در ایران نیز رژیم جمهوری اسلامی بلکه ما را با جنبش عمیقاً ضد امپریالیستی خلقهای میهن ما را هدف قرار داده است. جنگ بین دولت عراق و ایران نیز بخشی از نقشه های امپریالیسم آمریکا است که از طریق تقویت رژیم عراق توسط رژیمهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم مانند مصر و عربستان با برپا کردن رژیمهای اروپائی و ایجاد حمایت تسلیحاتی امپریالیستهای اروپائی علیه ایالتها از عراق، انجام میگیرد. از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم کوشش در جهت حفظ وترمیم وابستگی رژیمش کا رگزار و حلقه بگوش امپریالیسم آمریکا نیست لذا بعثت نا توانی اش در سرکوب جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقها از یک سو و آشنی برخی تظاهراتی با آمریکا - که رژیم این تظاهرات را در جهت فریب و سرکوب توده ها بکار میگیرد - از سوی دیگر مورد خوشایند امپریالیسم آمریکا نیست و به همین خاطر آمریکا برای سرکوب و حسیا نه خلقهای ایران و تبدیل بلا شرط ایران به پایگاه سیاسی - نظامی برای خود، لازم دارد که رژیمش کاملاً مزدور در ایران بر سر کار آید! از جهت منافع او را بر آورده سازد. بر همین پایه امپریالیسم آمریکا علاوه بر طرح کودتا - های امپریالیستی و اقدام به مذاکره با سردمیداران رژیم جمهوری اسلامی در پی ایجاد اغتشاش و کشتار از بمب گذاری در شهرهای مختلف گرفته تا دادن زدن به جنگهای مرزی بین ایران و عراق می باشد. تا از این طریق بتواند نقشه های امپریالیستی خود را در ایران به مرحله اجرا در آورد. این همان هدفی است که رژیم بعث عراق در جهت تحقق بخشیدن بدان، زحمتکشان مرز - نشین ما را به میان کرده و به توطئه می بندد.

رژیم فاشیستی بعث عراق

از ادامه جنگ چه هدفی دارد؟

علاوه بر توطئه های امپریالیسم آمریکا در ادا ما زدن به جنگ بین دولتهای ایران و عراق رژیم فاشیستی بعث عراق به اقتضای تمایلات شوینستی و ارتجاعی خود بر ادا ما و تشدید این جنگ مصرا نه پای میفشرد. رژیم بعث بر اساس همین سیاست با تحریکات خود در جنوب ایران میخواست ادا ما را ملی - طبقاتی زحمتکشان خلق عرب بر علیه رژیم جمهوری اسلامی را در جهت ادا ما خود به انحراف بکشد. جلوه های بارز این سیاست در فریب دادن او و ادا ما نمودن برخی از عنا صر فریب خورده و دستمیده خلق عرب به بمب گذاری در اهواز، آبادان و غیره و شهر دیگر شهرهای جنوب، تحت عنوان حمایت از مبارزه خلق عرب بر علیه جمهوری اسلامی، مفا هده میشود.

از طرف دیگر همانطور که در پیش گفتیم، جنبش خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع موجب رشد و گسترش مبارزات خلقهای منطقه از جمله عراق بر علیه رژیمهای ارتجاعی و وابسته گردیده است. بورژوازی حاکم در عراق در جهت به انحراف کشتار نیدن افکار عمومی زحمتکشان عراق در مورد جنبش ضد امپریالیستی و جلوگیری از سرایت آتش مبارزات انقلابی توده های زحمتکش ایران به عراق و علاوه بر جنگ و کشتار زحمتکشان میهن ما، به تبلیغات و سیاسی ظاهراً بر علیه رژیم ضد خلقی حاکم بر ایران و در برابر بر علیه انقلاب و خلقهای ایران دست زده اند. تا از این طریق مبارزات انقلابی خلقهای میهن ما را که، مبارزه ای است با ارتجاع حاکم و در خدمت مبارزات ضد امپریالیستی، از جوهر ضد امپریالیستی آن غالی نموده و چنین وانمود سازد که از جنبش خلقهای ایران بر علیه "ارتجاع حاکم" حمایت میکند. حال آنکه بر زحمتکشان میهن ما روشن است که هم رژیم جمهوری اسلامی و هم رژیم بعث هر دو به طریق خاصی در جهت ادا ما امپریالیسم و در جهت سرکوب خلقهای دوشور کا مبر میدارند.

سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی در جنگ با عراق

رژیم جمهوری اسلامی با مستمک فرار دادن جنگ با عراق، در پی آن است که افکار توده های زحمتکش ما را از اساسی ترین خواسته های سیاسی - اقتصادی و فد امپریالیستی شان به انحراف کشد و با بیسیج توده های نا آگاه و حول شعار جنگ با عراق سرکوب و کشتار و خلقهای تحت ستم، نیروهای انقلابی و زحمتکشان آگاه و میهن ما را با بنحو گسترده تری انجام دهد. تبلیغات دادا منهدم در رژیم در زمینه حملات فاشیستی به میهنها، برای ادا ما خفته مبین این امر است که جمهوری اسلامی خواهان پایان بخشیدن به جنگ و جلوگیری از گسترش زحمتکشان مرز نشین میهن ما نیست. از آنجا که بسن رژیم نه میخواست ادا ما و تشدید این جنگ را در جهت سرکوب و کشتار زحمتکشان میهن ما باشد و جنبش برای جلوگیری از رشد و گسترش مبارزات خلقها و زحمتکشان آنها را مورد و حسیا نه ترین سرکوبها و کشتارها قرار میدهد، بسن رژیم میخواهد با دادن زدن به حمایت شوینستی توده ها و تحریک آنها حول اینگونه رژیم بعث "شیعیان عراق" را قتل با می کند توده های برای تحقق اهداف ضد خلقی خود که همانا سرکوب انقلاب است بسیج کند. اما این یک جنبه قضیه است. رژیم برای شدت بخشیدن به کشتار خلق قهرمان کرد و سرکوب کامل جنبش مقاومت خلق کرد. جنگ با عراق را به نفع ادا ما و کما کسان به سرکوب خلق زحمتکش کرد ادا ما میدهد. این عملکرد

ضد خلقی رژیم در مرحله کنونی ادا ما همان سیاست ضد مردمی محاصره کردستان از طریق نقل و اقلات نظامی تحت عنوان دروغین جنگ با عراق در نوا حی - سرری کردستان میباشد. جنگ با عراق موقعیت مناسب دیگری برای رژیم در جهت تقویت و تحکیم درونی ارتش پوپسته آریا مهری بوجود آورده است. رژیم با تحریک احساسات سربازان و درجه داران و افسران جز، آنها را به مرزها گسیل میدارد. از طرف دیگر با به نفع ادا ما "جنگ با دشمن خارجی" میگوید هرگونه جدی اعتراضی - طلبانه پرسش مبارزان انقلابی ارتش را بر علیه سیستم پوپسته و ضد خلقی ارتش و جنایاتی که توسط آن انجام میگردد، در گلو خفه کند.

موضع ما در قبال جنگ بین ایران و عراق

جنگی که ما اکنون در مرز ایران و عراق جریان دارد جنگی است بین دولتهای ارتجاعی و ضد خلقی دوشور و جنگی بر ضد خلقهای زحمتکش ایران و عراق ادا ما این جنگ به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی مورد حمایت طبقه کارگر و توده های زحمتکش و نیروهای انقلابی نمیتواند قرار گیرد چرا که هر دو رژیم آن را در خدمت سرکوب طبقه کارگر و کشتار و خلقها و توده های زحمتکش دوشور که جز بسن امپریالیسم آمریکا نیست بکار گرفته اند. از یک سو رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب خلقهای تحت ستم، مبارزات زحمتکشان و نیروهای انقلابی بورژوازی گمونیستها، با حفظ و ترمیم پایگاه امپریالیستی سرمایه داری وابسته و از سوی دیگر رژیم ضد خلقی بعث عراق با کشتار و سرکوب خلقهای عراق و زحمتکشان مرز نشین میهن ما با وسیله سلاحهای سوسال امپریالیسم شوروی و دیگر امپریالیستها و با پها ده کردن توطئه های جنگ افروزان و جنایتکارانه از قبیل بمب گذاری در جنوب و حملات نظامی به مرز - های ایران، هر دو رژیم دست در دست امپریالیسم میبرند. خلقهای ایران و عراق عمل میکنند.

فاشیستهای بعث عراق که بمبارات قتل عام زحمتکشان مرز نشین میهن ما، با عریضه های و قبحانه و تفریبکارانه خود در "را دیوبند" رامینتی بر به اصلاح حمایت از خلقها و زحمتکشان ایران در مقابل کشتار رژیم جمهوری اسلامی، نمیتواند دوست و یار و خلقهای ایران باشد. رژیم جمهوری اسلامی نیز که زیر سایه "مدور انقلاب اسلامی" بر ادا ما به جنگ توده های پوشی برای سرکوب مبارزات انقلابی و زحمتکشان و نیروهای انقلابی قرار داده است نمیتواند مورد حمایت طبقه کارگر و نیروهای انقلابی قرار گیرد طبقه کارگر و کمونیستها و طبقه ادا ما هیت این جنگ و ادا ما امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ایران و عراق را از ادا ما برای توده های زحمتکش افشا کرده و آن را محکوم نماید.

ما به همراه توده های زحمتکش آگاه و به همراه تمام نیروهای انقلابی ضمن محکوم نمودن حملات نظامی و عملیات جنایتکارانه رژیم عراق و ضمن افشا و محکوم کردن سیاستهای تفریبکارانه هیت حاکمه ایران، در این زمینه، ادا ما این جنگ را بر ضد خلقهای ایران و عراق از بیسیج میکنیم. تردیدی نیست برای مفا بله با مبارزات دولت ضد خلقی عراق، برای دفاع از انقلاب و خلقهای میهن خود، بدون درهای حمایت از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با بهای طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و بر سرتر همبستگی خلقهای ایران با زحمتکشان عراق، در مقابل تجا و زات عراق می ایستاد.



رفعا قبل از پاسخ به نامه‌ها لازم است تذکری را که تیتلا نیز در همین صفحه مندرک شده، پیکار نکنیم. نامه‌ها را می‌باید که به ما میرسد و نوعی می‌باشد، نامه‌ها بی‌کمی عموماً در دو مورد سؤال، انتقاد و پیشنهادها بسیار است. از رفقا است. و نامه‌ها بی‌کمی انتقاد و پیشنهادها بسیار است. و نامه‌ها بی‌کمی انتقاد و پیشنهادها بسیار است. و نامه‌ها بی‌کمی انتقاد و پیشنهادها بسیار است.

مسئله دیگر این است که ما به برخی سئوالات و انتقادات... بدلیل مختلف از جمله: در دستوری بودن برخورد مشروح به موضوع مربوطه، در حال بررسی و تدقیق موضوع مربوطه... فی الفور نمی‌توانیم پاسخ دهیم و رفقا این مسئله را با بی‌تشیکی و شکلیت‌ناستی تلقی کرده و منتظر موضع‌گیری ما در چنین مسواری می‌باشند. البته ما چنین مواردی را متخص خواهیم کرد.

● رفیق سرباز و من :

نامه‌های شما رسیده از اینکه در شرایط سخت پادگان با طرز آرمایی‌های طبقه کارگر و اهداف سازمان در راه آزادی طبقه کارگر و ترقی ملی خفگی ایران، مبارزه می‌کنید، به شما تبریک می‌گویم و دست شما را می‌فشارم! در مورد پیشنهادی که در رابطه با جنبش کارگری، رهنمودها، تفاهات و رهنمودهای مفیدی کاری و غیره داده‌اید، با توجه به تحولاتی که قدامت‌ریم پس از کنگره در نشریه پیکار راجع به آن درج شده است، آنها را عملی نخواهیم کرد. تا زمانی که رفقا بی‌کمی مثل توبه‌ای پس رهنمودها نیارند، بنیادینند برای پیشبرد آموزش و مبارزه سیاسی خود را آن استفاده نمی‌کنند.

در مورد اخبار پادگان اخباری که فرستاده بودی مفید بود پس از این نیز سعی کن بطور مرتب برای ما خبر بفرستی. از اینکه و گذشته فراموشی، از سیاست‌هایی که در ارتش اعمال می‌گردد، از نقشه‌هایی که برای سرکوب خلق و از جمله خلق کرد کشیده می‌شود (مثلاً سیاست ارتش در کردستان در آینده و در رابطه با روستاها و...) و خلاصه آنچه که در دوروبرت میگذرد بنویس در ضمن هر سرباز وظیفه‌ای که او انقلابی و طبقه‌دار است کوشش کن تا هرگونه حرکت و نقشه طرح و استیگان رژیم قبلی، مزدوران امپریالیسم و هواداران پختیار - از نوع کودتای کشف شده - خبر با اطلاع کشته‌یوسف فوریت آنرا به سازمان اطلاع دهی تا سازمان اقدامات مقتضی برای خنثی کردن این قبیل توطئه‌های ارتجاعی را بعمل آورد.

دست تو دوست هم‌رزمدیند ما را صمیمانه می‌فشاریم!

● در مورد "وحدت انقلابی"

ستواناتی از جانب برخی رفقای خواننده در مورد موضع سازمان درقبال "وحدت انقلابی..." شده است در پاسخ این رفقا مقدمتاً لازم است تذکر دهیم که سازمان می‌باید تا بحال در این باره نظرات خود را مطرح می‌کند و دولتی تاکنون این کار را نکرده است در واقع علت این تاخیر این است که ما مدتی منتظر بودیم تا رفقای "وحدت انقلابی" طبق قولی که در اولین شماره (مختصر) وحدت خود (در اردیبهشت ۵۹) داده بودند، در مورد پیرویه وحدت و مبارزه ایدئولوژیک درونی خود بیشتر توضیح دهند که متأسفانه چنین نشد با وجود این سازمان می‌توانست بر اساس همان حداقل موضع‌گیری‌های "وحدت انقلابی" موضع‌گیری نماید و تحلیل خود را ارائه دهد، که بدلیل عدم برخورد فعال به این مسئله پیکار را نیز نکرده است که خود حداقل انتقاد می‌باشد.

آنچه که در اینجا بطور مختصر در باره "رفقای وحدت انقلابی" می‌توانیم بگوئیم این است که به نظر ما این شکل در سیاست و مثنی و مواضع سیاسی بخصوص در برخورد بقدرت سیاسی دچار است روی می‌باشد. و طبعاً ما اختلاف نظرات مهمی در این مورد با این رفقا داریم در مورد "وحدت" چند نیروی که این شکل را بوجود آورده‌اند، باید بگوئیم ما با نظرات این رفقا در امر وحدت که همان "دیدگاه اشتلائی" است از همان آغاز کار "کنفرانس وحدت" مرزبندی داریم و در پیرویه مبارزه ایدئولوژیک که ما نیز بنویسید "کنفرانس" پیش بردیم این رفقا نتوانستند دیدگاه‌های اکتونومیستی و لیبرالی خود در مورد وحدت نیروهای جنبش کمونیستی فاش کنند، و همچنان بر نظرات غیر اصولی و فرمالیستی خود با فشاری نمودند و با لطیف از آنجا که وحدت این رفقا که بر اساس همین دیدگاه‌ها بنا شده است و غیر اصولی صورت گرفته است ما نمی‌توانیم آن را اصولی تلقی کنیم. ما برای اینکه حقانیت نظرات خود و غیر اصولی بودن نظرات این رفقا (و دیگر نیروها را) بیشتر نشان دهیم در این باره با هم بیشتر سخن خواهیم گفت. بخصوص با تا کیداتی که کنگره دو ماهه سازمان بر پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک در درون جنبش کمونیستی علیه نظرات ارتجاعی در راه تحقق امر وحدت نموده است. بدینگونه به مسائل بیشتر از گذشته خواهیم پرداخت. قابل ذکر می‌دانیم که علیرغم انتقادات و اختلاف نظراتی که ما با این رفقا داریم، همکاری با آنان را همچون دیگر تشکلهای کمونیستی در تمام موارد متخصی که ضرورت پیدا کند لازم می‌دانیم.

● رفیق A-A از کرج :

نامه شما تحت عنوان "شرکت در مدیریت یک شعار" به روزی رسید.

رفیق گرامی! ضمن تشکر از ارسال نامه، باید بگوئیم که اولاً حق با شماست شعارهای "شرکت در مدیریت" و "کنترل بر تولید" شعارهای تروتسکیستی - رومیونیستی است. در ضمن ما در این زمینه در باره شعار "نظارت بر تولید" مقاله‌ای آماده کرده‌ایم که بزودی آنرا انتشار خواهیم داد. دومی آن نسبت به شعارهای ارتجاعی و نامصحیح دیگر نیز موضع خواهیم گرفت. (در ضمن بعد از این نامه‌ها بنیادین را با دوحرف فارسی امضا کنید. متشکریم!)

سخنی با رفقا! :
اعضای و هواداران

رفقا! ما اکنون دوره جدیدی از فعالیت خویش را آغاز می‌کنیم. دوره‌ای که با شناخت عمیق ضعفها و انحرافات جنبش کمونیستی. سازمان آغا ز گذشته است در این رابطه ما ضمن برخورد انتقادی به نشریه پیکار (چه از لحاظ محتوای و چه از لحاظ شکل) به این درکنشائل گزینیم که اصلی ترین ابزار برای رهبری و هدایت جنبش شده‌ای، نشریه مرکزی پیکار راست. و به همین لحاظ نباید به آن همچون هفته‌نامه‌هایی که با سرهم نمودن مطالبی چند، رسالت خویش را با این بافته می‌بینند نگریست. متأسفانه نشریه پیکار علیرغم نقش مثبتی که در عرصه‌های گوناگون ایفا نموده است، تاکنون نتوانسته بطور همه‌جانبه رابطه بین سازمان و توده‌ها را برقرار کند. نتوانسته است به تناسباتی سازمان نقش افشاگرانه، سازماندهی و ارتقاء دهنده مبارزات توده‌ها و پیرویه طبقه کارگر را انجام دهد. نتوانسته است نقش تبلیغی، تئوریک، آموزشی برای توده‌ها ایفا کند، نتوانسته است خط مبارزه را به روشنی پیشروان طبقه کارگر و کمونیستها بدهد، و با لاف و نتوانسته است نشریه‌ای واقعاً توده‌گیر، زنده و خط دهنده و رهبری کننده مبارزات کمونیستها و توده‌ها گردد.

ما ضمن انتقاد به گذشته پیکار، می‌گوئیم در دور جدید فعالیت خویش حتی المقدور، آنچه که تا پیش از این سازمانی است عرضه نمی‌شود می‌گوئیم پیروزانگان این ارگان را بیشتر نشان می‌دهیم تا با توده‌ها داشته‌باشیم، سوسا لیم علمی را با جنبش خود بخودی طبقه کارگر پیوند دهیم، مبارزه طبقه کارگر را با مبارزه دمکراتیک کلیه توده‌های زحمتکش و تمامی خلفهای ایران تلفیق نموده و با لاف و دردهایت و ارتقا این مبارزات نقش‌ناسته خویش را ایفا نمی‌کنیم. مسأله آینده نقش نشریه مرکزی در مبارزات جنبش توده‌ای و طبقه و وظایف اساسی نشریه و ضرورت نشریات مختلف (تبلیغی - سیاسی - تئوریک سیاسی و...) را توضیح خواهیم داد. اما همچنین مختصراً باید ذکر کنیم که بر اساس سیاست سازمانی که به سوی کنگره رسیده است ما در شرایط کنونی دستور نشریه را منتشر نخواهیم نمود. بیکی نشریه سیاسی - تبلیغی (همین پیکار را با اصلاحاتی که در آن وارد خواهد آمد) و دیگری نشریه تئوریک سیاسی. اولی عمدتاً در خدمت تبلیغ و تئوریک برای توده‌ها، انکسار مبارزات توده‌ها، ارتقاء رهبری آن، سازماندهی مبارزات توده‌ای و آموزش تشکیلاتی و با بردن سطح آگاهی توده‌ها، افشاکاری جریان‌های سیاسی رومیونیستی، ضد انقلابی و سازگار مبارزه ایدئولوژیک بر سر مواضع روزمره گروهها و دومی در خدمت تدوین تئوری و برنامه، استراتژی و تاکتیک، تحلیل از کامیت و قدرت سیاسی و وظایف ما درقبال جنبش کارگری و دمکراتیک، تحلیل از جنبش کمونیستی ایران و جهان، وحدت جنبش کمونیستی - لنینیستی و ایجاد حزب طبقه کارگر و مبارزه ایدئولوژیک با انحرافات جنبش کمونیستی و پیرویه رومیونیسم قرار می‌گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد برای اینکه بتوانیم در بهبود و تکامل فعالیت نشریه پیکار هر چه بیشتر موفق باشیم ضروری است که نظرات شما می‌رفقا را در باره

بقیه در صفحه ۱۴



● رفیق کلرگرم:

رفیق گرامی در نامه‌ها نوشته‌ای: "من از رفقا می‌خواهم که یک خبرنا مه‌گویی یا مسائل اجتماعی بخش‌های وسیعی کشور را بشناسند و مورد بررسی بخش شود... در پاسخ به این قسمت از نامه رفیق باید بگوئیم که نشریه سیاسی - تبلیغی سازمان بعضی پیکار در حال حاضر، انتشار اخبار مورد نظر شما را به عهده دارد و با کوشش که ما برای هر چه بوده‌ای کردن پیکار را می‌بریم و دیگرانی به انتشار اخبار شما جداگانه نیست. در ضمن نمی‌توانی با پاسخ به پرسش - نامه‌ای که در همین شماره پیکار آمده است نظر خودت را در این مورد بیشتر توضیح دهی.

در رابطه با قسمت دیگر نامه‌ها که خواسته‌های مقالات و جزواتی بر زبان ما در باره مسائل نظیر "کردستان" و "درخواست‌های کمیونیست‌ها" انتشار پیدا کرده است بگوئیم پیشنهادها ما در مورد کردستان و آذربایجان که کار را خواهم کرد. در مورد کردستان ما قبلاً جزوه‌ای از زبان ما در باره "خلق کرده می‌خواهد" و چه می‌گوید؟" انتشار داده‌ایم فعلاً تا با است و با پیشنهادی که شما داده‌اید با یک مجدد این کتاب را با تغییرات و اضافات اساسی در دستور گذاشته‌ایم و امیدواریم این جزوه در یکی دو ماه آینده از چاپ بیرون بیاید.

● رفیق معلم هوادار از آذربایجان:

نامه شما رسید، در مورد سوال امیریا لیسیم شوروی "ما هنوز که در شماره ۲۱ پیکار در گزارش مربوط به کنکرت آمد، در مورد ساخت امیریا لیسیم جا معسه شوروی نظراً تا زمان از بودی انتشار نخواهد داد.

در مورد عدم وجود خط ویرانه و رهنمود برای معلمین کمیونیست در پیکار، انتقاد شما درست است. ما در تلاشیم که برای توسعه‌ای کردن "پیکار" برای اینکه پیکار واقعاً بتواند نقش سازنده و رهنمود دهنده داشته باشد با برخورد انتقادی به کمیوندهای گذشته‌اترا بر طرف سازیم. در این مورد نیز یعنی خط ویرانه‌ها در سه معلمان کمیونیست امیدواریم در چهار چوب این برخورد برضعفهای گذشته غلبه‌نماییم. ما هم اکنون در مسدود انتشار مطالبی از اولین در مورد معلمان و همچنین در مورد نتیجه جزوای در مورد معلمین هستیم که در اولین فرصت آن را منتشر خواهیم کرد. ضمناً یک نشریه دروسی در مورد جمع بندی از کار سیاسی - تشکیلاتی معلمان برایت تا ۲ هفته دیگر ارسال خواهیم کرد. ترا از طریق تشکیلاتی مطالبه کنید. رفیق ارتباط خود را با ما حفظ کنید. و از مسائل و مشکلات خود با هم بیشتر برسان بنویسید. پیشنهادات و انتقادات خود را براساس بفرستید. موفق باشید!

● دیگر نامه‌های رسیده:

رفیق ا- م- س از ساری نامه شما رسید. در مورد سوالات شما بودی بطور متروح سخن خواهیم گفت. رفیق مسئول بخش "جنوب" نامه شما رسید. پیشنهادات شما ما صاحب است. ما نیز به آن عمل خواهیم کرد. رفیق مجید- ما نامه شما رسید. در نشریه شورویک سازمان که قریباً انتشار خواهد یافت به اینگونه مسائل برخورد خواهد کرد.

رفیق ز- ه- مقاله مربوط به جوانان المسلمین که فرستاده بودید رسید! منتها در مطالب مندرج در آنها مسئله تحقیقات بیشتری است که امیدواریم خود شما نیز با ارسال اسناد شما به ما را یاری دهید. بسیار تشکر و درود. پیروزی باشد!

قسمتی از نامه‌های رفیق سرباز به نشریه پیکار: خدمت رفقای رزمندگان

بنام تمامی کارگران در بند
با مشت‌های پولادین رو به
امپریالیسم و ارتجاع

رفقای عزیز، من سربازی هستم که زوروی که با منی سازمان پیکار آشنا شده‌ام هوادار و رده‌مورت از آن پشتیبانی و در هر مکان حرف خود را گفته‌ام و تا به اکنون در هیچ صورت زیرا با او مفرمانده‌ان امپیکار - شی حاکم بر ارتش ضد خلقی نرفته‌ام... نمی‌خواهم از خود حرف بزنم چون اکنون من نیستم، این ما هستیم که با آکا می‌خود، طبقه‌کارگر را با پدا ز زیر بار ظلم طاقت فرمای امپریالیست‌ها در آوریم... در اینجا ما را مثل زندانیان در یک زندان که همه چیز شبیه است غیراً سربازان را نه زندانی کرده‌اند. آما بیگانه‌های ما همه مظلوم بوده‌اند اکنون ما را - که همه خودمان را انسان میدانیم - در یک آما بیگانه‌روی همانا شده - اند و هر روز مریمی‌های مختلفی در بین ما موجود می‌آید. چند روز جلوتر رفیق عزیز... را به جرعه‌اشتن چند جلد کتاب و نشریه پیکار گرفته‌اند....

رفقا، اینها اینقدر از آکا می‌میتراستند که می‌گویند کتاب خواندن ممنوع است، نوارگوشی دادن ممنوع است، بولی نمیدانند که ما کلمه‌ای تحت عنوان ممنوع نمی‌شناسیم. خیلی شرم‌آور است بعد از گذشت یکسال و اندی از انقلاب ما هنوز فرماندهانی بس - صد ارتش نشسته‌اند که بیشتر ما می‌خواهند آب تظلمی را که رژیم‌ها می‌خواهند رو چنان پیکار جمهوری اسلامی روی آنها ریخته‌شان دهند و ما نمودند که ما همه پاک هستیم گویی آنها اصلاً از حتم‌ها دراز شده‌اند انقلابی بوده‌اند همه اینها که تا چندی جلوتر دست بوس پدرتاجا در شان بودند اکنون مسلمانان دوداشته شده‌اند و تا به دستر از این چنان دم از انقلاب می‌زنند گویی اینها انقلاب کرده‌اند و ما از انقلاب جلوگیری کرده‌ایم! در سرباز - خانه به تازگی اداره‌ای بنام سیاسی ایدئولوژیک که کلا کار همان ساواک و رکن دوا ارتش را انجام می‌دهد و البته پشت‌لوی اسلام‌بعضی روزها کلاس اداره ولبرای ما گذاشته‌اند که یک نفر می‌آورد و دو ساعت به مدت همه‌اش جوک می‌گوید ما همین‌قدریم، من از این موضوع تا را حتم‌که مجبورم سر کلاس حاضر بشوم و اول اول نگاه‌بانی تنبیهی، دوم زندانی بجرم خلاق و سوم به هم دیگر کسی خبرندارد چون هنوز کسی از آنها برنگشته که خبری بسیار!... در یادگان با جوا حاکم بر پرسنل زحمتکش ارتش ما مجبوریم که برای مظلوم‌ها به عمل بکنیم چون رک می‌گویند که گرفتن و اعدام یکی است! البته ما از این اراد ل نمیتراسیم ولی موضوع این است که فعلاً زود است چون ما هنوز آن کمیونیستی که باید با دشمنان هستیم...

رفیق ف- غنا به شما رسید!

رفقا از هر طریق می‌توانید برایمان
نامه بفرستید، تاریخ و امضای مستعار
نامه‌هایتان را فراموش نکنید!
به امید پیروزی راهمان!

سخنی با...

نشریه پیکار، نقش و وظایف آن کمی‌ها و کاستی‌های آن بدانیستما بتوانیم من بهروری از پیشنهادات و نظرات رفقا، در اصلاح فعالیت نشریه پیکار روکنایبیم در همین رابطه ما پرسشنامه‌ای تهیه کرده‌ایم که کلیه رفقا، هواداران و حتی رفقای غیرهوا دار بتوانند با جواب دادن به آن ما را از کم‌وکیف "پیکار" و نقش آن مطلع کرده و در اصلاح فعالیت آن ما را یاری رسانند.

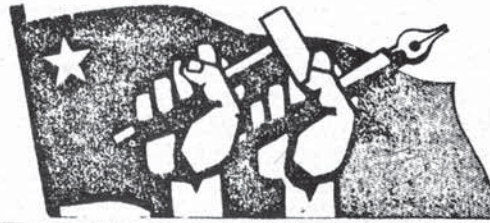
از اینرو شما به یک وظیفه و نقیله تشکیلاتی و تشکیلاتی کلیه رفقا با بد در عرض حداکثر سه هفته پرسشنامه سربازا جواب داده‌اند و آن را برای هیات تحریریه ارسال نمایند! هر نوع سهل‌انگاری در این امر موجب تأخیر انداختن آن، نه تنها نشانه‌های مسئولیتی و لاتی‌دی نسبت به وظایف رفقا در رابطه با نشریه پیکار است، بلکه نشانه عدم درک رفقا از رابطه بین رهبری و توسعه ارتباط بین هیات تحریریه و توسعه‌های هواداری می‌باشد. رفقای سازمانی با پدا حساسی و کنترل دروا سه هفته نتیجه را به هیات تحریریه پیکار گزارش دهند. همچنین جواب به استیالات با بد جتنی المقدور جمعی باشد و از پاسخگویی فردی خودداری شود. زیرا اولاً کنترول آن ساده‌تر است، ثانیاً بصورت جمعی شده‌اند و محدودتری گزارش ارسال خواهد شد و از غرض‌گاری و دودبا ره‌گساری کاسته می‌شود، و ثالثاً در برخورد به عقاید ما برافراد جمع، با سخنان اغزنی بیشتری برخورد خواهد نمود و نظرات فشرده‌تر و همگون تر خواهد بود.

پیروزی باشد! هیات تحریریه "پیکار" پرسشنامه پیکار

- ۱- برای نشریه مرکزی پیکار چه نقش و وظایفی فاشل هستند؟ آیا پیکار تا اکنون توانسته است به این وظایف پاسخ گوید؟ انواع و اقسامی های آن چیست؟ پیشنهادتان چیست؟
- ۲- بنظر شما ارگان مرکزی با بدبیشترند رای غلبت سیاسی - تبلیغی با دشیا سیاسی - شورویک؟
- ۳- شما ره‌های منتشر شده پیکار رکدا میک از جنبه‌های فوق را رعایت کرده‌است؟
- ۴- مضمون مقالات سیاسی، مباحثه، رزها ایدئولوژیک مقالات کارگری و مکرراتیک و ادبیات تپرو لتری پیکار چه‌ها پدا باشد؟
- ۵- شما ره‌های منتشر شده پیکار براساس سوال بسالا چگونه ارزیابی میکنید؟
- ۶- بنظر شما چه بخشها و مطالبی در پیکار با بدی وجود داشته‌اند که از آنها غفلت شده است؟
- ۷- پیکار چه کمک شخصی در ارتقای تبلیغ، ترویج، سازمان - دهی شما نموده است. مشخصاً ما می‌پرسیم؟ اگر جوابتان منفی است بنظر شما علت آن چه بوده است و چه انتظاری از آن دارید؟
- ۸- آیا رفقا و توسعه‌های بیشتر نشریه را "از خود" می‌دانند یا بین آن و خودفا ملسا می‌کنند؟ چرا؟ (بویژه در مورد کارگران کمیونیست) چه پیشنهادات شخصی برای توسعه‌ای کردن نشریه دارید؟
- ۹- نظرات در مورد انتشار و نشریه شورویک - سیاسی و تبلیغی - سیاسی و وظایف هرکدام چیست؟
- ۱۰- نظرات در مورد تیراژ، حجم، فاصله زمانی انتشار قیمت، اندازه (کوچکی یا بزرگی) و زبان پیکار چیست؟ در مورد هر یک (پیکار شورویک - سیاسی و پیکار تبلیغی - سیاسی) جداگانه جواب دهید.
- ۱۱- در مورد نحوه توزیع و بخش پیکار رورفع تا رسای‌های آن و چه پیشنهادات و انتقاداتی دارید؟

بقیه در صفحه ۲۲

هنرمقاومت هنرپرولتری



حد نقد فیلم

مبارزین باسک: "رویزونیسم علیه آوانتوریزم"

● چرا رژیم جمهوری اسلامی غیرم شعارها و مفریبا نه "نه شرقی"، "نه غربی" مشتری پروپاقرص اینگونه آشکار "شرق"، "غرب" بی‌بزه در زمینه سینماست؟ و چرا فیلم "مبارزین باسک" اینچنین مورد علاقه رژیم است؟

"مبارزین باسک" مدنی است در سینماهای "سینما دهنری مستضعفان" به نمایش گذاشته شده است. افشای این فیلم از یک سو و سبب جلب توجه تعداد بیشتری از توده‌ها، که فریب ظاهر "انقلابی" آنرا خورده اند ضروری است. بررسی این فیلم همچنین به عنوان یک نمونه می‌تواند افشاگر سیاست ارتجاعی "جمهوری اسلامی" در رشته هنر باشد. رژیم کمونیستی همچون تمامی رژیمهای مرتجع خواهان سرکوب تظاهرات انقلابی و تحمیل توده‌ها در همه زمینه‌ها، منجمله در زمینه هنر است. اما مسئله ویژه شرایط مشخص کمونیستی آن است که توده‌ها در یکی از احادترین دوران مبارزات طبقاتی، ضد امپریالیستی و دیکتاتوریک خویشتن‌پریمی بریند، و این امر مستقیم‌اند در شیوه برخوردی با آنها که به مسائل گوناگون تا شایع خود را برجای نهد. از همین روست که در رشته‌های هنر "رویزونیسم" جمهوری اسلامی به مقتضیات خود تلاش می‌کند به نمایش آثار بی‌پرده‌زده ضمن تبلیغ و نفوذ مضمون‌های ارتجاعی و ضد انقلابی او در عین حال نقاب "هنر انقلابی" به چهره زده و به رنگ تظاهرات و درخواستهای مشخص کمونیستی توده‌ها درآمده باشد. توده‌ها که بی‌ظوراً آشکارا و در کردنی خواهان هنر انقلابی اند! بی‌پرده نیست "جمهوری اسلامی" غیرم شعارها و مفریبا نه "نه شرقی نه غربی" مشتری پروپاقرص اینگونه آشکار "شرق" و "غرب" بی‌بزه در زمینه سینما است و با زیاده‌روی نیست که بخواهیم طرزیت انکارناپذیر کالاهای روسی و روئیزیونیستی در این رشته از تولید و نقش و تجربه موثرتری که در فریب توده‌ها دارند، رژیم غوث را بسوی آن باز کرده و بخصوص حزب جمهوری اسلامی آشکارا مدافع آن شده است و کارگزاران هنری این حزب در روزنامه جمهوری اسلامی، هنگام نقد فیلم روسی "جا دو گرتنر بیستم" زهنمود میدهند که نمایش این فیلم‌ها و تقلید از فیلم‌ها را در سینمای "شرق" مفید است. بی‌پرده نیست که متخمن هنری بورژوازی در روزنامه‌ها که برای نمایش فیلم در سوا و زولا دیتلوئونیون ساخته کارگردان مشهور ژاپنی "کوروساوا"ی بورژوا که سرما به سوسال امپریا -

لیسم شوروی و به عنوان محمول این کشور تهیه شده، کف میزنند و خواستار ادامه نمایش اینگونه فیلم‌ها میشوند. بی‌پرده نیست که با زبانی روئیزیونیستی فیلم‌های "چگونه فولاد بدیده شد" و "دن آرم" و فیلم "وینچانه" "جوخرا"ی کارگردان روئیزیونیست شوروی، حمله‌یک سرباز و فیلم‌های روئیزیونیستی و فتنه‌گرا لکها به پرواز درمی‌آیند و "شیرین شیلی" و "گودتا" و... ما همای بیرونی ایران سینماها را با سخت و شهرستارها میمانند. چرا که این فیلم‌های روئیزیونیستی در زیر نقاب انقلابی نمایشی بهتر می‌توانند، اندیشه‌های بورژوازی را بشردهند، به فریب توده‌ها بپردازند و انقلاب را طبق نیازهای بورژوازی تفسیر نموده و توده‌ها را به سازش دعوت کنند. اما رژیم بهره‌کشی از فیلم‌های ضد انقلابی آمریکا و اروپا و... و هم‌فرا موش نگرده است. نمایش فیلم‌های ارتجاعی "گوستا وگا ورا" و "کارگردان مورد علاقه" "سپا" و "مانده فیلم‌های "اعتراف"، "حکومت نظامی"، "زد و دیگر فیلم‌های رایج سینمای غرب از این جمله است. فیلم "مبارزین باسک" نمونه کاملی است از این نوع سینمای مورد علاقه جمهوری اسلامی. فیلمی در مورد مبارزات انقلابیون باسک که اشعارات این مبارزات دست - آویز قرار داده و از راه بورژوازی علیه آن تبلیغ میکند. فیلمی با ظاهر "انقلابی" و با محتوای ضد انقلابی فیلمی به طرفداری از انقلاب با مضمون رفرمیستی، آنگونه که روئیزیونیست‌ها می‌پسندند و بورژوازی می‌پذیرد. برای آنکه هر چه بهتر مضمون متغلبانه فیلم "مبارزین باسک" آشکارا شود و بخواهیم طراپینکه این فیلم از راه بورژوازی به اشعار می‌دهد که در دوره‌های مبارزات انقلابی مردم باسک که کمبودها کید میکنند، بهتر است مقدمتانگاه به تاریخ مبارزات باسک زمینه‌های واقعی بروز آنها در این مبارزات... می‌پردازیم:

باسک: مبارزه برای آزادی

فیلم "مبارزین باسک" یک دوره از تاریخ مبارزات انقلابیون باسک، از آخرین سال‌های حکومت زئیرال

فرانکو - ۱۹۷۳ - تابا گشت سلطنت و براف‌اندان میا هوسی دروغین با زکشت "دمکراسی" و پس از آن تا ۱۹۷۸ و آدم برمیگردد.

دوران دیکتاتور رژیم فرانکو، یکی از سیاه‌ترین دوران‌های اسپانیا است که مردم اسپانیا و خلق‌های تحت ستم آن کشور، گذشته است. این حکومت پس از یک دوره از مبارزات و دیکتاتورانه در دوران جنگ داخلی که در آستانه جنگ جهانی دوم روی داده بود، بر روی کار آمد و موفق شد طی دوران سلطنتی یعنی فریب چهل سال با سرکوب خشن، ترور و اعدام، سلطه ارتجاعی طبقات استعمارگر را حفظ کند و همه خواسته‌های انقلابی کارگران و زحمتکشان و تظاهرات‌های حق طلبانه و آزادیخواهان خلق‌های اسپانیا را سرکوب نماید. خواسته‌هایی که زحمتکشان و خلق‌های ستمدیده اسپانیا طی دوران جنگ داخلی، در میان آتش و خون و بیگانه‌های قهرمانان علیه نیروهای بی‌سابقه مرتجع، فاشیست‌ها، ناسیونالیست‌ها، فاشیست‌ها، فاشیست‌ها، سلطنت‌طلبان آن را اعلام کرده بودند. در آن دوران یکبار دیگر طبقات متخام و منیرو - های سیاسی که تا پیش از آن را بهمه‌دها شناسند به تیرگی خویشتن بپردازند و هر یک بروشنی اهداف خود را به بیان داشته‌وارا خلق‌های خود را عرضه کرده بودند. از سلطنت‌طلبان افراطی و فاشیست‌ها و سردمداران کلیسا که از ارتجاعی ترین طبقات دفاع میکردند تا ناسیونالیست‌ها و فاشیست‌های وابستگرای اسپانیا، از لیبرال‌ها و سوسیال رفرمیست‌ها گرفته تا آنارشیست‌ها و ترولتیک‌ها و بالاخره کمونیست‌های واقعی همه و همه در میدان جنگ داخلی اسپانیا در مقیاسی بین‌المللی شرکت داشتند. در این جنگ با رتیرا‌های کمونیست‌نشین اسپانیا، بر همینی در مبارزه علیه فاشیسم باسک نمودند.

حل مسئله خلق تحت ستم باسک یکی از مسائل ملی بود که در آن زمان در مرکز توجه قرار داشت و هر طبقه بنا به ماهیت طبقاتی خود به آن برخورد کرده‌وارا حل آن را پیشینها دیکرد.

طبقات بورژوازی اسپانیا خواهان سرکوب در خواسته‌های مردم باسک بود، اما در آن دوران بخشی از طبقات حاکم وجود داشتند که در عین حال با شیوه‌های لیبرالی شدت مخالف بوده و بنا به موقعیت شدیداً ارتجاعی خود از سرکوب فاشیستی مبارزات توده‌ها پشتیبانی میکردند. و بالاخره همین نیروها مشکل از ناسیونالیست‌های افراطی، فاشیست‌ها، فاشیست‌ها و سلطنت‌طلبان بودند که زیر رهبری فرانکو و سواد مسلط شده‌وارا حل خود را با وحشیگری هر چه تمام‌تر به اجرا گذاشتند. از سوی دیگر کمونیست‌ها در آن زمان تحت رهبری شوروی سوسیالیستی دوران استالین خواهان حق تعیین سرنوشت برای خلق باسک بودند سوزمینی که دیگر با راهی از شهرهای آن مثل "بیلبا" و "بیه‌را کزبزرگ صنعتی تبدیل گشته بود، آن‌ها همچنین از وحدت مبارزات استقلال طلبانه خلق باسک بر رهبری طبقه کارگر مبارزات همه کارگران و زحمتکشان اسپانیا پشتیبانی میکردند و میکوشیدند مبارزات را از زیر رهبری بورژوازی باسک بدر آورند.

اما در اینجا باید به دو مسأله توجه کرد: اول آنکه در جریان پیدایش شکاف عمیق در جنبش کمونیستی و

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

بعد از خروج از برزین، گولتسوف و آنتونوف اعاده حیثیت کرد! (لانسکورا جک) ماجرا رسانی که کمیسر گردان لاگوژی بود اعتراف کرده در این گردان تبلیغات تروتسکیستی میکرد. کسانی مانند "تولبا نی" و "لوگو" که در زندان اسپانیا شرکت داشتند بعد از پانفتمین استادن خروجی مرتد را بعهده گرفتند و با تاخیر در آن وارد شدند و ۱۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰ نفر را کشته نما ند که اجزای جنبش کمونیستی اسپانیا که

روزیونیستی پیش از جنبش کمونیستی اسپانیا همچون شما چنان در جایزه ها شادمانی شد. به این ترتیب بخش مهمی از کسانی که به عنوان کمونیست از سران در این درجه بندی اسپانیا شرکت کرده بودند "بدل به پای دی بورژوازی شدند". و برخی از کسانی که به عنوان مارکسیست، لنینیست یا فی ما ندند مشمل "گوتوف" پس از مرگ استالین بدست خروجی خاشن تیر

زودرونی اشکارا استالین با تروتسکی، بخش اعظم کمونیستهای اسپانیا در آنجا را خرافات و آوارگیسم و تروتسکیسم شده و بدین ترتیب تریه بزرگی به جنبش کمونیستی اسپانیا که در آنجا نه جنگ داخلی، تنها ۳۰۰۰ عضو است وارد آمد. دیگر اینکه سر بر آوردن فانیسم و رهنمود کمیسرین در این ترتیب که همه توده های از نظر تاریخی شرایط تازه ای را بوجود آورد. در رابطه با مسئله اول با بدگفت جنبش کمونیستی عمیق اسپانیا ضعیف تر شد و بدین ترتیب کمالات مبارزات مردم با یک زیر نفوذ بورژوازی سونالیستهای با یک باقی ماند و کمونیستها مدتها هیچ نفوذی در آنجا نداشتند و نتوانستند این مسئله متحرک جنبه های فوی سونالیستی در جنبش خود مختاری با یک جدا مانده نشانی از مبارزات طبقه کارگر اسپانیا گشت.

- نگاهی به تاریخ مبارزات مردم اسپانیا در قرن اخیر و مبارزات خلق باسک.
- چرا پس از جنگ جهانی دوم و پیروزی اسپانیا، مبارزات مردم باسک که طریقه سرکوب شدیدی رژیم فرانکو ادامه داشت، همچنان در رهبری دچار انحراف شد؟ چرا کمونیستها نتوانستند به تجدید نیرو پرداخته و شرایط خیانته بورژوازی لیبرال باسک، این مبارزات را رهبری کنند؟

بعد از ضربات روزیونیستی در پراگندگی وضع پسر برده بودند. بعد از آن نتوانستند تا حدودی برپراگندگی خود غلبه کرده و پیش از گذشته خود را متشکل سازند. لیکن کمالات نتوانستند رهبری خود را بر جنبش و از جمله جنبش خلق باسک اعمال نمایند. به این ترتیب مبارزات باسک که جز جدائی ناپذیر مبارزات طبقه کارگر و زحمتکاران اسپانیا با بد شمرده شود، در تمام دوران حاکمیت رژیم فرانکوویس از آن رهبری حزب کمونیست محروم نه. روزیونیستها از انقلاب نفرت داشتند و نتوانستند تصمیمها و استند به رهبری مبارزات انقلابی بپردازند. تحت چنین شرایطی قابل درک است که جنبش انقلابی تحت هدایت مشی خرده بورژوازی به آن نتوانستند و تروتسکیسم آلوده گردد. روشنفکران انقلابی خرده بورژوا، که خواهان آزادی و راهی از سلطه فاشیستی رژیم فرانکوویس تعیین سرنوشت بودند، از یک سو با اندر زهای فدا انقلابی روزیونیستها فاصله داشتند و از سوی دیگر از نظر طبقه ای نتوان آن را ندانند که علمبراهانی برولتا را، این تنها راه صحیح مبارزه انقلابی را بکار گیرند. به این ترتیب گروههای انقلابی آن نتوانستند و تروتسکیست در این دوران در باسک سر بر آورده. فیلم مبارزین باسک در خصوص یکی از همین گروهها است. اما ببینیم چگونه فیلم سازان بورژوا، از زاویه ای فرمیستی به آن تروتسکیسم برخورد میکنند.

با این گذشتند. نگاهی به هیست کسان که در دوران جنگ داخلی در اسپانیا سمت رهبری جنبش کمونیستی را دارا بودند از دست به انحراف کشیده شدن جنبش کمونیستی خبر میدهد. رهبران دست اول حزب کمونیست اسپانیا مشمل "اسانتیا گوتو ریلو" و "الاسیونا ربا" (دولورس ایبارودی) به بزرگوار دست روزیونیستهای کرملین بدل گشتند. که در تمام دوران فرانکوویسمشان در رهبری تبعید گشته این بود که هر چند سال یکبار در جمع بین المللی ظاهر شده و در میتینگهای ملخ طلبانه ضد فرانکوویسم شرکت کنند و در کنگره های روزیونیستی کف بزینند و از آن پس دیگر در آن نشانی از کمونیسم باقی نماند. آنان به نونگران به همکاران بورژوازی تبدیل شدند. یکی دیگر از رهبران "اسانتیون دیمکرا" تیکاسا اسپانیا "پیک گرومیتسکی" تشکیل داد. "تاکوشتا" حزب کمونیست را ترک کرد. "کاسرود لگا" به نوشتن کتابهای "اسانتیا گوتو" (در باره رفقای گذشتگان) علیه کمونیسم پرداخت. که حتی در اسپانیا هم برای تانگو به جاپ رسید. "اسانتیا گوتو" از راه ایران از شوروی فرار کرد و در برکسل مقیم شد. از میان رهبران روسی که به اسپانیا رفته و نقش مهمی در رهبری جنبش کمونیستی اسپانیا به عهده گرفته بودند، دسته ای مانند "برزین"، "اسانتیا شمسکی" "آنتونوف"، "اوستگو" و "گولتسوف" به صف تروتسکیستها پیوستند و مثل تطفیه استالین شدند.

اما در رابطه با مسئله دوم با بدگفت اگر چه جبهه توده ای سبب بوجود آمدن یک نیروی قدرتمند شد فاشیست شد. نتایج آن که در انتخابات ۱۹۳۶ نیروهای شرکت کننده در این اختلاف پیروز شدند و نیروهای دست راستی اطراف برای جلوگیری از بقدرت رسیدن آنان جنگ داخلی را برپا نهادند و همچنین اگر چه پس از این دوران کمونیستها در مبارزات باسک شرکت فعال داشتند، اما اول در میان این "کمونیستها" چه افراد و وجود داشتند کسانی که آلوده به انحرافات بوده و نتوانستند در دوران جبهه بورژوازی با یک نفس خود را حفظ کرده بود. و با لاف و هوسها خیانته خود ضربات جبران ناپذیری به مبارزه استقلال طلبانه مردم باسک وارد آورد. (از جمله میتوان از سازش با نیروهای اشغالگر ایالتی را مثال زد). نهرال، از جنگ داخلی این فرانکوویسم سر بر آورد و پیروز شد. و در همه جا به کشتار روحیانه دست زد. فی المثل از قتل عام "کولتیکاسا" با یک میتسوان نام برد که بوسیله سونالیستهای اسپانیا و با کمک آلمانها بوقوع پیوست. و به عنوان یکی از فاجعه های جنگ داخلی به ثبت رسید. آری پیروزی نیروهای دست راستی به رهبری فرانکوویس از مردم تحت تسلیم باسک چونان همه زحمتکاران اسپانیا به معنی آغاز دوران سرکوب خش و سیاهی بود که مدتها دوام یافت. آنان از همان ابتدا برای به امرار تدارک در آوردن باسک همه جا دست به خفه کردن و نابود کردن احساسات آزادی خواهانه باسکی زدند و دورا نسی از وحشت و ترور و اختناق فاشیستی رایی ریزی کردند. اما چرا پس از جنگ جهانی دوم و پیروزی اسپانیا مبارزات مردم باسک که طریقه سرکوب شدید رژیم فرانکو ادامه داشت، همچنان در رهبری دچار انحراف شد؟ چرا کمونیستها نتوانستند به تجدید نیرو بپردازند و شرایط خیانته بورژوازی لیبرال باسک این مبارزات را رهبری کنند؟ نتایج آن که در یک دوران از این مبارزات، خرده بورژوازی استقلال طلب باسک مهر خود را بر مبارزات زد. جنبش انقلابی باسک آلوده به ماجراجویی های چروا و آلوده و ناتوان تروتسکیست و تروتسکیستها را به مبارزه نشا خسته شد.

اعتراض معلمین تبریز به اخراج فرهنگیان مبارز
در ادامه مبارزات فاشیستی ضد فرهنگی رژیم جمهوری اسلامی ایران، آموزش و پرورش آذربایجان شرقی نیز تعداد زیادی از معلمین متعهد و انقلابی را در کنار برخی ساواکی و مزدور رژیم شاه اخراج کرده است. در اعتراض به این عمل فدا انقلابی بیش از ۳۰۰ تن از آموزگاران مبارز در روز ۱۶ شهریور ماه در محل اداره کل آموزش و پرورش اجتماع کرده و به افشای رژیم پارتی و زحمتکاران فاشیستها که با کینه فراوان و با همکاری مذهبها نه میگوشت حیثیت رهبران را به بهره گیری هارا لکه دار کنند، بهره بردار شدند. آنها متحده تصمیم گرفتند که مبارزات خود را برای احقاق حقوق خود همچنان ادامه دهند.

"عدل اسلامی" حامی مالک مفتخور
دهقانان مبارز روستای تازه آباد (از توابع مل) در نتیجه مبارزات یکساله خود موفق شدند که علاوه بر تصرف زمینهای اربابها، کاشی "مالک مفتخور" روستا را نیز از مالک مفتخور اخراج نمایند. آنان متحده از بازگشت وی به ده جلگیری میکردند. تا اینکه اخیرا ربا ب مفتخور حکم "دادستان" انقلابی مسئل برای اقامت به ده می آید که البته با مقاومت چنانچه دهقانان رو برو میشوند. سرانجام روز ۷ شهریور کاشی با همراه گروهی ژاندارم عده ای چاقو بدست وارد روستا میشود. در اثر مقاومت دهقانان و حمله چاماداران و ژاندارمها چهار نفر از روستاییان زخمی میشوند و مالک مفتخور تحت حمایت "عدل اسلامی" مجددا در روستا مستقر شده و به استیلا زحمتکاران روستا ادامه میدهد. هم اکنون دهقانان مبارز تازه آباد "با آگاهی بیشتری که نسبت به اهمیت رژیم کسب کرده اند تصمیم اند که به مبارزه خود تا پیروزی نشا ادامه دهند.

با این پرسشها را با بدرویزی های جنبش کمونیستی باسک و شرایط بین المللی جنبش کمونیستی یافت. ما قبلا به روشندت پانده آنتونیسم و تروتسکیسم در اسپانیا اشاره کردیم. اکنون با پدیده کسب کنیم، پس از شکست مبارزه انقلابی مردم اسپانیا و به قدرت رسیدن رژیم دیکتاتوری فاشیستی فرانکو و در جریان بروز انحرافات گوناگون تروتسکیستی و



خلق فلسطین پس از سپتامبر سیاه: “ضربه‌ای که مرا نکشد قوی‌ترم میکند!”

- توطئه سرکوب انقلاب فلسطین در اردن چرا و چگونه آغاز شد؟
- نقاط قوت و ضعف انقلاب چه بود
- حماسه مقاومت خلق فلسطین و وظیفه ما در حمایت از آن

جنشش و انحرافات خطرناکی که در شمار - های آن بود، ضعفها و انحرافاتش که منشا از ما هیت بورژوازی و خورده بورژوازی رهبری ماه میگرفت توهانسی را در درون صفوف انقلاب نسبت به رژیم - های عربی و با مصلح کمک برادرانه آنها به انقلاب پدید آورده بود. ارتش مسلک حسین با آما دگی قبلی و کمکیهای آمریکا ما مورسکوب انقلاب بر سرچیند با بگا - های آن در درون خاک اردن شد. اگر توجیه کنیم که اردن به لحاظ داشتن مدها کبلمنتر مرز با فلسطین اشغالی و وجود مدها هزار نفر از مردم فلسطین در این کشور وضع شده حکومت عملا بصورت منطقه - یارها می انقلاب در آمده بودا همیست سر به زدن به جنبش و سرکوب آن در این کشور بیشتر بر ما معلوم می شود. از چند ماه پیش از سپتامبر تا رک برای سرکوب انقلاب جریان داشت. آمریکا اسلحه می - داد و مشورت با شاه ایران سعودی ادا می - داشت. اسرائیل با بگا های فدا شیان را بمباران میکرد. ارتش محدودیتها ش پراکنده برای نقل و انتقال نیروهای نظامی انقلاب فراهم می نمود و گساره درگیریهای بوجود میاورد و کسانسی از فدا شیان با نیروهای مترقی اردنی، نیز بوسیله پلیس مخفی ترور می شدند. بحران سیاسی دولت اردن را در آستانه سقوط قرار داد دوروی کار آمدن دولتی هوادار انقلاب فلسطین در اردن بصورت یک خواست توده ای در آمد. در برابر سر

کند، رژیمهای ضد خلقی عربی برای آن که با مصلح خود را پیش مردمان “خوبه” کنند با کوشش مزورانه در برابر انقلاب و “کمک” بدان، سعی می کردند آن به اصطلاح “گواهی حسن اخلاق” بگیرند. مطرح شدن مسئله انقلاب مسلحانه توده - ای علیه آمریکا و اسرائیل ارتجاع عرب را عمیقا به وحشت انداخت و قدرت روز افزون فدا شیان فلسطینی که میتوانستند از حق اختصاصی خود استفاده کرده، فواین ضد خلقی کشورهای عربی را زیر پا بگذارند و آزادانه به نقل و انتقال نیرو و تشکیل اردوگا های آموزشی و کنگره - های سیاسی وغیره بپردازند، این رژیم - ها بویژه رژیم اردن را به متلاشی شدن تهدید میکرد. از بسما را نه ای اسرائیل علیه مناطق تحت تصرف انقلابیون کاری ساخته نبود و فشار آمریکا و دیگر امپریالیستها نمیتوانست جلوی این سیل توده های انقلابی را بگیرد. منطقه یکپارچه استنش

بعیثت مها رزدن سرمایه رزات توده ها با انکار، بر ارتش و پلیس بر سر کار مانده بودند و بدلیل همین عدم انکابه توده ها بود که ارتش های مروسوریه - اسرائیلی (طی غرور) در برابر ارتشها جم سرق آما ی اسرائیل درهم شکستند و قسمتها ی مهمی از اراضی تحت تصرف این کشورها - منجمله آنچه از فلسطین باقی مانده بود - به اشغال اسرائیل درآمد. مدها هزارتن از فلسطینیها مجدداً آواره شدند با این ترتیب یک “شوکت” بسما رنیرومند به توده های عرب و اردن مدور رژیمهای حا کم که نماینده طبقات ارتجاعی از نشودا لها گرفته تا بورژوازی وابسته و... بودند شیدا افشاوی اعتبار شدند. انقلاب فلسطین با تضعیف رژیمهای سرکوبگر عربی و آما دگی و مسیح طوفان آما ی توده های عرب در موقعیتی عالی از لحاظ امکانات مالی، تسلیحاتی و ویژه نیروی انسانی قرار گرفت. از او اخر

۱۷ سپتامبر برابر ۲۷ شهریور معاد است با سالگردتها جمو حشانه امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاعی به بگا های انقلاب فلسطین در اردن. بدین ترتیب در سال - ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) توطئه ای که از مدها پیش بوسیله امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها و ارتجاع عرب و در رده اول رژیم دست نشانده ملک حسین جهت سرکوب انقلاب فلسطین طرح ریزی شده بود به مرحله اجرا درآمد و منجر به یک قتل عام کم نظیر علیه توده های مستعبد و بیسنا خاسته فلسطین گشت و بقول با سرعفات قریب ۲۵ هزار نفر از مردم فلسطین که در قسمت ترفی رود اردن، در اردوگا های آوارگان بسر میبردند به شادت رسیدند و خسارتهای بی حساب سیاسی و نظامی بر خلق فلسطین وارد شد. در فرهنگ انقلاب فلسطین این ماه سپتامبر سیاه نامیدند صنا یک گروه از انقلابیون فلسطین نیز که بمدها بدستورالفتح برای ضربه زدن به موسسات و عملال آمریکا و اسرائیل تشکیل شد و ضربات دردناکی برداشتن در

سراسر جهان وارد و در خود را به همین نام “سپتامبر سیاه” می نامید.



زمینه های سیاسی و نظامی توطئه خائنانه سرکوب انقلاب فلسطین

انقلاب ملی دمکراتیک خلق فلسطین که از اول سال ۱۹۶۵ آغاز شد و راه آزادی میهن و نا بودی صهیونیستها را تنها از طریق مبارزه مسلحانه توده ای امکان پذیر دانسته و در صحنه نبرد به این شمار خود عمل میکرد استاد در حماره نیروهای ارتجاعی و فرمیستها قرار گرفت و تقریبا یکسال

از ۱۷ سپتامبر شهرها و مناطقی که فلسطینیها در آنجا بودند ریزش توپها نه ارتش اردن قرار گرفت آب و برق و خوا ربا بر مردم بسته شد، کشته ها خبا بان همای کوجها را انباشت و با بگا های شسی که به تصرف ارتش ضد انقلاب در میا مد در معرض کشتار عام قرار میگرفت، رژیمهای عربی که خود را “دوستدار انقلاب” جا زده بودند، گوی سبقت را در خبا نت بسببه انقلاب از یکدیگر می ربودند. عراق (به رهبری امیکرو صدام حسین) با وجود آنکه یک لشکر بدها ش در اردن مستقر بود و به دروغ آنرا تحت اختیار انقلاب فلسطین گذا رده بود، لشکر خود، رژیم صدام

مبارزه بود. تلاش های سوبال امپریالیسم شوروی نیز برای با مصلح عدم تشنج و “تحمیت” محو تا ارتجاع و سال ۶۷ و “صل مسئله” از طریق سازمان ملل متحد وغیره کارآ ش نداشت. این است که با توافقی همسه جانیه در سطح جهانی و در پهنه کشورهای عربی برای مها رگدن این آتشی که به جان منافع امپریالیستها در اسیمن منطقه زرخیر افتاده بود طرح توطئه پیاده شد.

۶۷ که جنبش مسلحانه دوباره سر برآوردنا سپتامبر ۱۹۷۰، انقلاب با انکار، به فدا کارها و عملیات فهرمانا نه علیه اسرائیل و پیروزی در سیردهای متعدد منجمله در نبرد معروف کرامه (مارس ۶۸ - فروردین ۶۷) و جنوب لبنان و ادا ما عملیات در داخل فلسطین اشغالی توانست حفا نیت مبارزه عادلانه خلق فلسطین را نه تنها در پهنه کشورهای عربی بلکه در بسما رزی از نقاط دیگر جهان که مسئله فلسطین را به کلی نمی شنا خندا شبات با حاد ائل مطرح

پس از شروع خود در برابر مشکلات سیاسی و نظامی و تبلیغاتی رژیمهای عربی و به اعتبار ضعفهای طبقاتی اش تا گزیر برای مدتی به محاق افتاد. اما تاجا و همه جا نیسه اسرائیل در روشن سال ۱۹۶۷ (خودا د ۶۷) به توده های فلسطینی و عرب نشان داد که دلچسبت آنها به رژیمهای عربی برای حل مسئله فلسطین و مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم، خبا لی بیهوده است. رژیم - های عربی حتی امثال رژیم عبدالناصر و رژیم سوریه زمان دکتراناسی که ا سا

از صفحه ۱۵ رزمندگان...

از دو قطب اساسی جهان سرمایه داری نقش برجسته ای در حیات نظام موجود دارد. نظامی که برپا به خون و استعمار کارگران و خلقهای ستمدیده جهان استوار است. حال در برابر این واقعیت عریان، استراتژی و تاکتیک پروولتاریا بین المللی چیست؟ لنین می گفت:

"اتحادی انقلابیون کشورهای پیش افتاده و کلیه خلقهای ستمدیده علیه همه امپریالیستها، پس است سیاست خارجی پروولتاریا". (سیاست خارجی انقلاب روس)

برپا به این رهپودلنینی خط اساسی استراتژی پروولتاریا بین المللی روشن است: اتحاد خلقهای ستمدیده، جنبش کارگری و کنسوسیالیستی علیه امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم شوروی و سایر امپریالیسمهای ستمگرو همه نیروها و رژیمهای مرتجع و وابسته. دربرتوان سیاست عمومی و با توجه به واقعیت جامعه ایران، استراتژی و تاکتیک پروولتاریا و ایران نیز مشخص میگردد. بدین معنی که اگر چه سوسیال امپریالیسم شوروی امپریالیسم فاشیستی و اصلی در ایران نمی یابد، لیکن این قدرت استعماری در استعمار و نفوذات خلقهای ما شرکت داشته و مدافع نظامی است که بر ضد پروولتاریا و سایر نیروها و سازمانهای زحمتکش بوده و به همین لحاظ شوروی امپریالیستی در کنار سایر دشمنان خلق ما قرار می گیرد. آری سوسیال امپریالیسم شوروی نه درجهه انقلاب بلکه

مستأبدی است. از دشمنان امپریالیستی درجهه ضد انقلاب قرار دارد. پروولتاریا نمیتواند این واقعیت عریان را کتمان نماید. اینست تنهائی سیاست کمونیستی. اما سیاست رفقای رزمندگان چیست؟ این رفقای می گویند: از آنجا که تحلیل دقیقی راجع به شوروی وجود ندارد، درینا بر این واقعیت شوروی در تعیین استراتژی و تاکتیک پروولتاریا "اثر جدی" ندارد! به

مراحت با بدگفت که از دیدگاه این رفقا واقعیت شوروی امپریالیستی در تعیین استراتژی بین المللی پروولتاریا جهانی، در تعیین استراتژی پروولتاریا افغانستان و در تعیین استراتژی پروولتاریا ایران "اثر جدی" ندارد! دولت امپریالیستی روس در حال حاضر و بطور عینی در رأس یکی از دو قطب اساسی جهان امپریالیستی بنا بر و ستمگری میپردازد. در افغانستان بنا بر و سرکوب خلق دست میزند و در ایران در کنار دشمنان انقلاب ایران قرار دارد، ولی علیرغم تمام این واقعیت رفقای رزمندگان! قرار دارند که بسبب فقدان تحلیل عمیق وجود شوروی در تعیین استراتژی و تاکتیک پروولتاریا "اثر جدی" ندارد!

اس سیاست راستروانه میان چیست؟ این سیاست میان همان تنزلات رویزیونیستی رفقای رزمندگان است. این سیاست نشان دیگری از واقعیتها یک انحراف است. در درازن سیاست راستروانه و انحرافی با بدیادای رسا اعلام داشت که شوروی امروز نه تنها از صوب جنبش جهانی کمونیستی بطور قطع خارج شده بلکه علاوه پروولتاریا بین المللی نمیتواند آنرا بمثابه یکی از دشمنان انقلاب بحساب میآورد و خلقهای ستمدیده جهان نمیتوانند آنرا بمثابه یکی از نیروهای امپریالیستی جهان، مورد مبارزه صدامیریا لیستی خود قرار دهند. رفقای رزمندگان از نفی این مسئله که شوروی بمثابه یک قدرت امپریالیستی است به نفی واقعیت شوروی بمثابه یکی از رهنمای امپریالیستی رسیده و از آنجا

از صفحه ۱۱ ملاحظات...

شو تلو یز بونی / افسر ضد انقلابی

رژیم جمهوری اسلامی که تجربه بکار گرفتن نهزانی جلد واحد را کربمی را پشت سر گذارده، در هفت گزده دست بدامان نا سرکونی افسر ضد انقلابی کودتاجی شد تا در یک "شو تلو یز بونی ضمن پرده برداشتن از برخی اسرار کودتا و حرفهای دوپهلوشی که میدادند به ضد انقلاب همزمان بود، به نیروهای انقلابی لجن - پراکنش کند و با سلاح دست مجاهدین و کلیه نیروهای انقلابی و کمونیستی را در دست آمریکا نشان دهد. اقدامها به حرکتها را بدلیل، فقط دراماتیک کسان را میرساند که برای تحکیم سلطه با داده و خویش به هر خس و خاشاکی چنگ میزنند. هادی غفاری که به قبول خودش میخواست "فاشیت بازی" در برپاورد، همین حرف دیکته شده افسر ضد انقلابی را ملاک قرار داد و در بر مجاهدین و با ملاحظ "گروهها" در "مجلس" میتا زد. و خواستار سرکوبشان نمیشود. خنده دار است کسانیکه برای به اصلاح محدود کردن مالکیت مدد لیل و تا حد میطلبند و آخرش به نفع "مالکیت نا محدود" مشروع "رای میدهند و قشای سرکوب نیروهای انقلابی با ندادن دعای آن افسر ضد انقلابی را مدد کار استادل میکنند و با اصلاح خودشان نه "رای" خبر که "فاش" است و نه "خبر و حد" بودن آن مانع چنان حکمی از سوی غفاری و همدستانش نمیشود. آیا جز این است که منافع طبقاتی در نهان است تعیین کننده مواضع است؟

اوج پروتشی!

در خبر آمده بود که خبرگزاری پارس به خبرگزاری فلسطینی وفا پیشنها دکرده است: "اوم" سرا شیل" را "رژیم اشغالگر قدس" بنامد! از نظر کودتاهای پر مدعا می که با نظریات پیشنها ده را میدهند خلق فلسطین هستند. نمیدانند دشمن خود را چه بنامد؟ فلسطینی ها دولت است و تا روزگاری سرا شیل را "دشمن صهیونیست" مینامند و آنقدر در سیاست و مباحثه "تا" می نویسند که با یکا میزنند اصطلاح "رژیم اشغالگر قدس" در واقع اشغال مناطقی دیگر فلسطین و موجودیت صهیونیست را بر سمیت پیشنها! کوشش رژیم جمهوری اسلامی برای "صدور انقلاب اسلامی" و لوبغیت با یامل کردن مبارزات خلقهای

به نفی اثر جدی، واقعیت سوسیال امپریالیسم روس در استراتژی و تاکتیک پروولتاریا کشیده میشوند. کسانیکه اثر جدی و مهم واقعیت امپریالیسم شوروی را در سیاست پروولتاریا نادیده گرفته و آنرا نفی کنند، نه تنها انحراف رویزیونیستی خود را بنمایش می گذارند، نه تنها سیاست انحرافی و راستروانه ای را به پروولتاریا و انقلاب تحمیل میکنند، نه تنها از هوشیاری خدامپریالیستی طبقه کارگر و سایر پر توده ها می گانند، نه تنها جنبه مستحکم انقلاب را غریبه پذیر ساخته و آنرا شکننده میسازند، بلکه همچنین به بورژوازی خدمت میکنند، زیرا بخودش نمودن صف دوستان و دشمنان انقلاب فقط به سود بورژوازی است. رفقای رزمندگان بجای اینکه به طبقه کارگر و توده ها بگویند شوروی امپریالیستی درجهه استراتژیک دشمنان انقلاب ایران قرار دارد و این مسئله ای کاملاً جدی و مهم می باشد، مطرح میکنند که واقعیت شوروی اثر جدی در تعیین سیاست پروولتاریا ندارد، نه، رفقا، این یک سیاست کمونیستی و پیکیر بشمار نمی آید، این سیاست هرگز به نفع طبقه کارگر و انقلاب ایران نمی باشد.

جمهوری اسلامی وارث زندانهای شاه

با گسترش موج سرکوب آزادبهای سیاسی - اجتماعی و پورش به نیروهای انقلابی و کمونیست، زندانهای رژیم بویژه زندان اوین، هر روز تعداد درجهه بیشتر می آید و زمین و انقلابیون را در خود جای میدهند. علاوه بر رفتن روحها نه زندانها با میا زمین و اعمال مستمر شکنجه های جسمی و روانی، زندانها با سیاسی را در سلولهای تنگه میگرداند که به اعتراف پزشکهای زندان "بهنجوچه جایی زندگی نیست" این زندانها چنان آلوده است و غیر بهداشتی است که فقط در عرض یک هفته ۳ نفر از میا زمین در بند مریش شده اند! غذای زندانها با بسیار نا چیز و پویش آنها محدود است بطوری که به هر نفر حتی یک پتو هم نمیرسد.

در این شرایط زندانها با مدتها طولانی بلا - تکلیف و حتی برخی مواقع بدون با بررسی در زندان میمانند. رژیم از هر طریق میکوشد تا راه زندانها را در هم بکوبد و روحیه باس و تسلیم طلبی را در آنرا نرواج دهد. لیکن آنها از موده را دوباره می آزمون و آزمون آنها فراموش میکنند که در همین زندان اوین، شکنجه ها و بیبیدارگریها و آدمکشان ساواک نتوانست قامت استوار میا زمین در بند را بشکنند. چرا که این دلآوران با عشق به توده های محروم و ممد در برابر هر گزونه شکنجه ای چون کوه پستان ده اندوزند و نهایی رژیم را بمثابه کانونهای انقلاب در قلب دشمن بلرزده در آوردند. نا گفته پیداست که اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی با زندانها و شکنجه ها مد طرفی نخواهد بست.

دیگر، مورد قبول خلقهای مبارز فلسطینی و ایران نیست. ما به این نکته در پیکار ۶۹ اشاره کرده ایم. البته این اولین بار نیست که فلسطینی ها با مخالفتهای کودتاکنه رژیمهای فیهیکار نسبت به مسئله فلسطین روبرو می شوند. یکی از رهبران انقلاب فلسطین چند سال پیش در برابر دخالتهای عراق و لیبی در امور داخلی فلسطین گفت:

"ما زیر بار رخا همبرفت که صدام حسین و همبدا السلام - جلوه به ما در وطن پرستی به بندند!"

بنظر ما اشکال اساسی قضیه در این نیست که تحلیل قابل انکاشی راجع به شوروی وجود ندارد، غیر اتفاقاً بشکرا نه میا زده و رویزیونیستی کمونیستهای جهان و ایران تحلیل قابل انکاشی جهت پیشبرد یک مبارزه قاطع علیه شوروی امپریالیستی موجود است، اشکال اساسی قضیه در اینجا است که شما رفقا دچار تنزلات و انحراف رویزیونیستی بوده و بنا بر این نمی توانید "اثر جدی" سوسیال امپریالیسم را در تعیین سیاست خود بحساب آورید. با پیدا فرود که نه تنها دستاورد جنبش کمونیستی بین المللی در ارائه تزماریستی لنینیتی سوسیال امپریالیسم شوروی برای در نظر گرفتن امپریالیسم روس در تعیین استراتژی پروولتاریا قابل انکاش است، بلکه همچنین واقعیت سیاستها و محرکات امپریالیستی روزه شوروی در اقصی نقاط جهان، بسند شده ای است که پروولتاریا را در تعیین دقیق سیاست خود باری میسراند. آری رفقا، اشکال اساسی، فقدان تحلیل عمیق نیست، اشکال اساسی، تنزلات و انحرافات رویزیونیستی شماست.

قسمتهاش از بهیام سازمان به دانشجویان و دانش آموزان انقلابی بمناسبت آغاز سال تحصیلی:

دانشجویان و دانش آموزان مبارز و انقلابی! فرزندان زحمتکشان! جوانان کمونیست!

سال جدید تحصیلی در حال فرارسیدن است بدون آن که درهای بسته شده دانشگاهها توسط رژیم جمهوری اسلامی که در ادبیهت ما گذشته مدها تن از دانشجویان کمونیست در کنارتان مجروح و یا شهید شدند بازگشوده شود، اما سال چندین هزار دانشجو از رفتن به دانشگاهها محروم و میلیونها تن دانشآموزان محرومیت های ضد انقلابی و تضییقات جدید ارتجاعی روبرو میباشند. رژیم "ترور و تروریزم" که در ادبیهت مساهم کوشید تا با علم کردن "انقلاب فرهنگی" دروغین خود به سرکوب فرهنگ انقلابی بر خیزد و در این راه بهسای جنبش قهرمانان نه مقام و مت دانشجویان روبرو شد اکنون میکوشد تا با بستن دانشگاهها و "اسلامی کردن" مدارس بخت خود را یکبار دیگر بر ما بگذارد. ولی بدون شک جنبش جدید مقام و مت دانشجویان و دانشآموزان انقلابی و کمونیست باید یکبارگی رژیم جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که اگر شاه نتوانست، استکراتزادی را درهم ریزد و هم خواهد توانست، و اگر شاه نتوانست از سرایت "اگر آگاه" روشنفکران انقلابی به توده های زحمتکش جلوگیری کند، و هم خواهد توانست و اگر شاه نتوانست با آگاه ردهای مزدور و "کلاسهای ملی و میهنی" این مقاومت انقلابی دانشجویان و دانشآموزان را درهم شکسته و ذهن آنها را از اغراض طبقات استعمارگرانه نجات دهد، رژیم جمهوری اسلامی با "انجمنهای اسلامی" و "کلاسهای ایدئولوژیک" و کشتار دانشجویان خواهد توانست تا ریح، سرنوشت یکسانی برای تمام طبقات استعمارگر و رژیمهای ارتجاعی رقم زده است. توده های خلق یکبارگی را بسن حکمتاریخ را در مورد رژیم شاه در بهمن ۵۷ به اجراء آوردند و بدون شک رژیم جدید را نیز از آن مستثنی نخواهد کرد!

تشدید بحران انقلابی، گسترش روزافزون نارضایتیها و اعتلاء جنبش دانشجویان و دانش آموزان

بحران انقلابی جامعه ما که ریشه در سیستم سرمایه داری و وابسته دارا زدومال و نیمه پیش آغزوتنا کتون ادا میافته است، این بحران انقلابی که در تسدوم خویش دگرگونیهها و تغییر و تحولات بزرگی بوجود آورده است اینک می رود که مراحل حساس و تعیین کننده دیگری را در حرکت سیاسی جامعه ما عبور دهد و بوجود آورد. بحران موجود از یک طرف هر روز بخشهای وسیع تری از توده های زحمتکش را بتدریج از سردمداران و مدافعین جدید سیستم سرمایه داری وابسته کننده و بسته توده های نارضاعی میافزاید و از طرف دیگر تافتهای درونیهای جامعه را تشدید نموده و آنها را به پیش از پیش به جان هم میاندازد. اینک بتدریج زحمتکشان و توده های متوجه جامعه ما درمی یابند که توبی جمهوری اسلامی و تمام وعده وعیدهای سردمداران حکومت سراسی پیش نبوده است آنها در تجربه ما و مورد متن زندگی و حرکت روزمره خویش متنا هده میکنند که سردمداران

حکومت نه متعلق به آنان بلکه متعلق به طبقه سرمایه داری و استعمارگر است. منافع و نیاهای اساسی سرمایه داری وابسته به ما میریایم اند... هیات حاکمه هم اکنون سیاست سرکوب و اعمال فشار را در تمام عرصه های اجتماعی، در پیش گرفته است. هیچ قشر و طبقه ای در جامعه نیست که در معرض این سیاست قرار نگرفته باشد. آثار و عوارض این سرکوب جنبش توده های و تعرض به حقوق عادلانه توده ها را هر روز در هر گوشه کشور و به اشکال گوناگون شاهد هستیم. اخراج دسته جمعی کارگران آگاه و مبارزان زکارخانه ها در سراسر کشور، سرکوب مبارزات و جنبشهای دهقانی ادا به سرکوب و حشیا نه خلق کرد، قطع حقوق شامی کارمندان و معلمان در نواحی کردستان، فشار اقتصادی بر زندگی توده ها، اخراج وسیع کارمندان و معلمان آگاه از ادارات، و مدارس دانشگاهها، سیاست ارتجاعی



بوجود آوردن یک آلترناتو انقلابی و یکبارگی، بمنظور پاکوئی به این حرکت سیاسی در جامعه است. در خلا، این آلترناتو انقلابی و کمونیستی، همانطور که گفتیم این خط وجود دارد، آلترناتو سوا و قطبهای ارتجاعی، لیبرالی...، نتوانند در برابر توده های ناراضعی عرض اندام کرده و مبارزه نارضاعی موجودان را به مسیر و مجاری بکشاند که مطابق اهداف و نیات تولیدوارتجاعی آنان است. به این ترتیب بحران انقلابی جامعه ما که همواره حرکتی روبه بالا شده است می رود که موج جدیدی متکامل تری از مبارزه را با ویژگیهای نویسی در سطح جامعه بوجود آورد. بنا بر این بنا ما قوا با استقبال و صنعت جدید سروسیم اما آنچه که در این رابطه بر عهده جنبش دانشجویان

آزادی فعالیت های سیاسی حق مسلم دانش آموزان و معلمان انقلابی است

رویزبونیستها حامیان سیاست فرهنگی رژیم!

ارتجاع و ضدانقلاب در میان نژادهای خلیج دوستانی دارد. اینها همان "دوستان دروغین" خلیج هستند که پیش از خودبوروژوازی به خدمت میکنند. از شاخص ترین این "دوستان دروغین" امروزه بسیار از رویزیونیستها نام میبرد.

رویزبونیستها در اشکال مختلف - تسوده ای - فدائی (اکثریت) و سجهانی میگویند تا با تره های سازشکارانه خود به ارتجاع "خط" داده و در ضمن تسوده ها را به سازش با او بکشانند. آن ها به ارتجاع میگویند: کمی ملامت عمل کن و از تسوده ها میخواهند که "نظم و قانون" را محترم بشمارند و از اجاد "تشخ پرهیز کنند. نمونه نویرا نه این دسته از دوستان "دروغین" خلیج و طبقه کارگر، سا زمان فدائیان (اکثریت) هستند. آنها بدون اعتماد به تسوده ها انقلاب، به هیات حاکمه اعتماد کرده و از تسوده ها میخواهند که به رژیم اعتماد کنند آنها از مجریان سیاست "فرهنگی" رژیم میخواهند که به جای تکیه بر "مدیران"، "مدرسه"، "بر" و "تورا" های دانش آموزی تکیه کنند، بجای اینکه مدیر مدرسه یک دانش آموز انقلابی را به علت ۵ بار "غیبت غیرموجه" اخراج کند، این کار را به "تورا" های دانش آموزان و معلمان بسیار در ضمن از دانش آموزان انقلابی نیز میخواهند که "غیبت غیرموجه" نکنند به مفهوم دیگر وقت خود را صرف بخش اعلامیه و فروش نشریه بنا زند! (رجوع کنید به "نبرد دانش آموزان" رگان سرسری دانش آموزان هینگا شماره ۳۵) فدائی های (اکثریت) رویزبونیست از دانش آموزان میخواهند که در جوارب قانون اساسی عمل کرده و در خط "مدمیریالیستی" اما به سرکوب انقلاب خدا مهربالیستی بپردازند. آنها دشمنان انقلاب و طبقه کارگر ایران هستند...

در اینجا باید به شراتی که توهمات لیبرالیستی سا زمان مجاهدین خلق نسبت به جناح لیبرالیستی یعنی فدائی در جنبش انقلابی دانش آموزان و دانشجویان با میگذارد نیز اشاره کرد. هواداران مجاهدین خلق که بخش وسیعی از دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و دموکرات را تشکیل میدهند، با وجود آنکه به دلیل دموکراتیک انقلابی خود در مقابل رژیم استاده و یکی از عوامل مقاومت در مدارس و دانشگاه هستند، اما به دلیل توهمات خود نسبت به جناحی از هیات حاکمه، که نسبت به آن در چارخوشیا وری بوده و با به رسمیت شناختن "قانونیت" رژیم قسماً بصورت ایزوسیون سربراه آن عمل میکنند. این انحرافات عمیق باعث میشوند که جنبش انقلابی دچار تفرقه و چند دستگی شده و وحدت آن دچار اختلال گردد. با وجود این با دیدمان مبارزه با رویزبونیستها در جنبش دانشجویی و دانش آموزی فرق گذاشتن و ولی ها دموکراتی را پیگیر هستند که باید تا پیگیری آنها و توهمات آنها با آنها افشا شده و خود آنها به قطب انقلاب جذب گردند تا آنکه در مورد رویزبونیست ها با دیدمان ست طرفو افشا کامل را در پیش گرفته و با افشای شرات رویزبونیستی شان تسوده ها را از حول آنها پراکنده ساخت...

تقیه در صفحه ۲۲

بسج سا زماندهی و اعلائی آکا هی تسوده ها، از زمره وظایف اساسی ای است که بردوش جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی سنگینی می کنند. اما در برابر این سؤال که بجای یک حرکت و جنبش سراسری دانشجویی و دانش آموزی در شراط حاضرا چگونه می توان عملی ساخت و نیز در پاسخ به این سؤالات که شروع آکا ها تسوده ها بت شده یک حرکت سراسری و تاکتیک - های جزئی آن چه زمانی با بدیا شد، این حرکت سراسری چگونه با بد شکل گیرد... با بدگفت که تنها می این مسائل به مجموعه فعالیتها و تدارکاتی، سازمانی، تشکل های دانشجویی - دانش آموزی، و بخصوص به درجه ها هنکی و اتحاد عمل ضرورتان در هدا بت این حرکت سراسری دارد. تشکلانی که خود تحت رهبری و هدا بت مستقیم سا زمانهای سیاسی موجود هستند، اما آنان با بد هتیا ربا تسد قبل از اینکه حرکت خود بخودی مجال هدا بت ورهبری نقشه مندر آژان را سلب کند و آنها را غافلگیر نماید هر چه سه مرتبه تسده رگ بنشینند و خویششان را برای پاسخگویی به این وظایف اساسی آماده سازند. آنچه که اهمیت دارد در درک این حرکت تسوده ای و برخورد انقلابی به آن و گوشه در جهت پاسخ

افشاکری، سازماندهی، مقاومت سراسری، این است شعار جنبش انقلابی دانشجویان و دانش آموزان

گویی به ملزومات عملی و تاکتیکی آن است. در این رابطه بخصوص مبارزه با تئولوژیک با گرایشها و جریانها سازشکارانه و محافطه کارانه ای که سعی خواهند نمود با اشکال مختلف در برابر این حرکت قرار گرفته و دانشجویان و دانش آموزان را از یک پاسخ انقلابی که راهگشای جنبش آنان خواهد بود، محروم نمایند، بسیار ضروریست.

شعارهایی که در خدمت تولد، رشد و اعلا این حرکت قرار میگیرند هم شعارهای منفی و هم سیاسی میتوانند باشند. شعارهای نظیر:

با زکشتی دانشگاهها، با زکشت معلمین اخراج شده آکا هومبارز، با زکشت دانش آموزان اخراج شده آکا هومبارز، لغو منطقه ای کردن نامبوسی در مدارس لغو تمهیدات ههای ثبت نام، آژادی فعالیت های سیاسی و آکا هکارا به در مدارس، مبارزه با نفیشتن عقاید...

و نیز شعارهایی که در جهت پیوند با زمتکشان و حمایت از مبارزات خلق های تحت ستم و پیروژه خلقی گرد میآیند از جمله شعارهایی هستند که میتواند در خدمت رشد و اعلا این مبارزه قرار گرفته و جنبش سراسری دانشجویان و دانش آموزان را به حول آنها به حرکت درآورد...

و دانش آموزان انقلابی قرار میگیرد چیست؟ جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی، جزء تفکیک پذیری از جنبش انقلابی و خدا مهربالیستی و تسوده ای زمتکشان ما بوده و حرکت اعلا با تسده آن همسوار و همیشه متاثر از وضعیت عمومی جنبش تسوده ها بوده است. سطح و کیفیت حرکت و مبارزات دانشجویان و دانش آموزان انقلابی ما که در بخش غالب خود از جنبش زندگی تسوده ها برخاسته و زندگیشان با زندگی آنان درآمیخته است، همواره میان کشته سطح نارعا شنها، رنج ها و مشکلاتی بوده است که تسوده های ما با آن دست بگریبانند. تسوده های انقلابی دانشجویان و دانش آموزان، بدلیل موقعیت ویژه خود در اجتماع، بدلیل حساسیت بیشتری که در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی از خود بیروزی - دهند، به ویژه بدلیل سطح نسبتاً بالای آکا هی آنها نسبت به سایر اقشار و طبقات جامعه، عموماً از جنبش پیشرفته ای برخوردارند و با سرعت و شتاب بیشتری تضادهای طبقاتی جامعه و تضادهای مبارزه را در خود منعکس میکنند. در همین حال که حرکت و مبارزه دانشجویان و دانش آموزان خود تبلیغی از حرکت و مبارزه تسوده ها و انعکاسی از سطح نارعا بتی و مبارزه آنها بر علیه رژیم ارتجاعی حاکم میباشد.

به این ترتیب با توجه به چشم انداز حرکت عمومی جامعه و جنبش خلق، میتوان بطور قطع شکل گیری یک حرکت سراسری دانشجویی و دانش آموزی را بهمانند یکی از بخش های پیشرفته جنبش خلق و پیش درآمد موج نوینی از مبارزه انقلابی در جامعه را به روشنی پیش بینی نمود و این حرکتی نیست که اراده بین آن در اینجا دوباره جلوگیری از آن نقش تعیین کننده ای داشته باشد، این چشم اندازی است که حرکت درونی جامعه، متأثر از بحران انقلابی موجود، در پیش چشم ما میگشاید چشم انداز حرکتی که با بدیا جسات و هشیار انقلابی به استقبال آن شناخت، آژاد آکا ها تسوده ها و نقشه مند و تسده رگ سیاسی سا زمانه، تولد نموده، و آن را رشد و هدا بت و متشکل نمود. این است هم اکنون و طبقه و تاکتیک محوری کمونیستی در قبال جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی. تاکتیکی که تبلیغ وسیع و گسترده آن در درون جنبش دانشجویی و دانش آموزی، یکی از وظایف اساسی تشکلات انقلابی و پیروژه م. ل دانشجویی و دانش آموزی در شراط کنونی است.

در همین رابطه و طبقه بسیار مهمی که در برابر تشکلات دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و کمونیست قرار دارد، گوشه در جهت بسج و هدا بت جنبش دانشجویی و دانش آموزی و سوق دادن آن در جهت پیوند با تسوده ها است. شعارها و درخواست های منفی سیاسی جنبش دانشجویان و دانش آموزان، جزئی از شعارها و درخواست های عمومی خلق است. در شراط حاضرا واضح است که جنبش دانشجویی و دانش آموزی، بدون اینکه مبارزه و شعارها پیش را به مرکز افشاکری های سیاسی و جانداری علیه رژیم حاکم تسدیل کند، بدون جلب پشتیبانی تسوده های زمتکشان از این شعارها، بدون توجه به رابطه ضروری و منطقی این درخواست ها با درخواست های عمومی خلق نمیتواند مفهوم و معنای واقعی خود را با بد. متقابلاً پشتیبانی از شعارهای عمومی تسوده ها، شرکت فعال در مبارزات تسوده ای باری رساند به

در برابر اخراج دانش آموزان و معلمان انقلابی به مبارزه بوخیزیم!

زنده در قلب توده‌ها

زیباست، زیستن در کنار توده‌ها و ورزیدن همراه آنان، زیباست با نجیبا در آمیختن و با آنان بسوی انقلاب، بسوی فردای روشن و سرخ دیدن، زیباست زندگی.

کمونیستها به زندگی عشق می‌ورزند. به زندگی توده‌ها و زحمتکشان، چه خوب میدانند که این زندگی از سنگلاخهای فراوان جا به طبقاتی گذر خواهد کرد و جنگل سرسبز انقلاب را برپا خواهد داشت. آنان در دبا لکتیک هستی و نیستی، زندگی و مرگ را خوب می‌شناسند و چنین است که آنقدر زندگی را دوست دارند که در راه زندگی و بخاطر زندگی زحمتکشان، زندگی را فرستاده و در فرودانی که پرچم سرخ بر فراز کارخانه‌های آزادشان درآوردند، مرگ را می‌پذیرند، مرگی که در مسیر زندگی است و بخاطر زندگی است. از اینرو مرگ کمونیستها نیز زیباست چون زندگی است. زیبا چون حقیقت، زیبا چون بها داشتن توده‌ها و...

تنها آنان که زندگی‌شان زیباست، سرشار از دلوری و شکوه با سبزی در راه زحمتکشان است میتوانند به مرگی زیبا دست یابند و خود را با مرگ خویش که ادامه زندگی برافتخارشان است به ابدیت زندگی ببیوندند جزئی از فردا شوند، جزئی از هر چه که زیباست شوند.

رفقای دلاوران مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی

زیبا زیستنند، بر غرور و سرفرازی و با قلبی پرا ز عشق به مردمان و ویران کردن به ارتجاع و امپریالیسم و تمام طبقات استعمارگر، زمین‌دوستانگانه بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در تبریز بجزیم بخش اعلامیه‌های افتخار نامه زمان دستگیر و با صله ۲ ساعت سپروز



مسعودها و طیبها همفردا رند. آنان به تا ریح خونبار مبارزات طبقاتی سرا بر جان بیبوسته اند و برچم سرخ - مان را سرختر ساخته اند. خون آنان با خون دهقانان ترکمن صحرای، پیشمرگان قهرمان کردستان و وکایران اندیمتک و دورود و دانشجویان شهیدان هوازی و... در - هم آمیخته است.

ما اعلام کرده بودیم که برای بزرگداشت شهیدانمان مسعود و طیب بر نامه بزرگداشتی روز جمعه ۲۸ شهریور در بهشت زهرا برگزار خواهد کرد اما متاسفانه به خاطر اشکالاتی که پیش آمد، موفق به برگزاری این مراسم نگشتیم. ما حتما در فرصتی دیگر به بزرگداشت این عزیزان خواهیم پرداخت. آنها برای همیشه در کنار دیگر شهیدان راه آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جا خواهد ماند.

شدند. ارتجاع می‌اندیشد می‌تواند با ترور و زندان و شکنجه، لیبهای انقلابیون را بدو زد و جلوی پخش اعلامیه و فروش نشریات را بگیرد. فکر میکند با کشتن انقلابیون میتوانند مانع آگام شدن توده‌ها و افشای جناحها شوند. اما... ما هرگز از یابی نمی‌شناسیم، از فرصتی با توده‌ها سخن می‌گوئیم، دیوارها را بر از شعایر می‌کنیم، سپیده‌ها را و با شبا هنگام مویا هر زمان دیگر اعلامیه‌ها می‌نمایانیم، این پیکهای آگای را به توده‌ها میرسانیم و از آنها دست‌باکی نداریم، چرا که میدانیم کمونیستها نمی‌میرند. ما هم اکنون در هر چیز زیبا مسعود و طیب را می‌بینیم، در هر جا که ما زه زحمتکشان بر علیه ظلم و استبداد با توده‌ها چهره خندان مسعود و طیب را خواهیم دید، هر جا اعتمادی، هر جا نظرهاست، هر جا منت‌گردد زحمتکشان در راه آزادی، آنجا

بقیه از صفحه ۲ با چشم باز...

سربازها را به کشتار تشویق میکردند. این مزدوران مدام میکوشیدند تا دشمن کوری را که در میان سربازان بر علیه کردها انگیزه شده بود، من بزنند. با تحریف و دروغ سمیاتی میکردند تا آنها را از فریب و دروغ آنها شکه کنند. آنان را تشویق کرده اند و به میدان کشتار خلق را وانه کنند. امواج شایعات در سرا مسر با دگان گسترده بود: سقوط شهر، درگیری در ایامه، سقوط رادیو تلویزیون سنج و...

جوانان مسموم بودند نمی‌توانستند در آن نفس بکشم. سعی کردم بخوابم، اما نتوانستم رگبار، از زمین و آسمان کلوله میبارید. طیش بر زمین فلسب کردستان که اینچنین وحشیانه مورد تهاجم قرار گرفته بود و اینچنین قهرمانانه می‌جنگید شامی شب را کند بود.

۲ اردیبهشت
تمام سلاحها بسوی شهر سنج شانه رفته است این شهر قهرمان در زیر آتش قرار دارد. صدای رگبار لحظه‌ای قطع نمیشود. برای ارتش ذره‌ای مطرح نیست که هر حمیازه‌ای که به شهر می‌افند چند نفر انسان را نابود میکند هر تپه‌ای که تلبیک میشود، قلب چند نفر را سوراخ میکند. چه با رخو نبینی داد کردستان! (ادا به دارد)

بقیه از صفحه ۲ اوجگیری...

ما می‌دانیم هر دو جناح تها با مردم بلکه در برابر مردم - اند. حال آنکه ما میدانیم آنان را با روهنگا و امپریالیسم بوده و تا ازل معطلات بوده و در بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته کاملاً ذینفع میباشند. در این جنگ قدرت سیاسی کمونیستها چیست؟ آنان با بد طبقه کارگر و توده‌ها را بدو زه زحمتکشان تها به ایدها انقلاب و خصومتی آشتی ناپذیر علیه کل هیئت حاکمه تربیت نموده و پرورش دهند. آنان با بد طبقه توده - ها بگویند که راه مبارزه ما انقلاب را ادا مدهند. هر چه تها دهای درون هیئت حاکمه بیشتر اوج بگیرد، زمینه برای اقبای با زهم بیشتر آنان و زمینه برای تضعیف هر چه بیشتر کل رژیم جمهوری اسلامی فراهم تر می‌گردد. کمونیستها با ایدها این موقعیت بهره‌جسته و به طبقه کارگر برپا موزند که منافع او نه در حمایت از جناحهای هیئت حاکمه، بلکه در ادا مده انقلاب است. آری، سیاسی کمونیستها در شرایط کنونی ادا مده مبارزه بکیر علیه تمام جناحهای بورژوازی و کل هیئت حاکمه میباشند.

را بدرقه کردند. روز ۱۸ شهریور نیز مجدداً فرزندگمان نشریات انقلابی مورد حمله چماقداران قرار گرفت و بساط متعلق به هواداران سازمان نیز تها ت بردند.

پورش لشکریان جهل به منادیان آگاهی در شهرستانها

آمل: ساعت ۸ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۹/۶/۱۶ گروهی با سدا رملح پس از حمله به فروشندهگان نشریات انقلابی و با ره کردن آنها چندین نفر را دستگیر کردند. این عمل بدست مورد مخالفت مردم محل واقع شد. همچنین در این روز روستاهای "بکنار"، "خسیران" و "شیر" نیز مورد حمله بیش از ۵ نفر از سدا ران قرار گرفت. آنها در این حمله کلیه نشریات و پوستره‌های دیواری را با ره کردند. لکن مردم مهاباد روزه روستا به مقاومت برخاسته و از انقلابیون حمایت نمودند. با سدا ران با تیراندازی و ضرب شتم چند نفر از اهالی روستا هار تیر کردند.

لاهیجان: روز ۵۹/۶/۱۶ خلعالی همراه با قدره - سدا ران به رهبری ما تا الله قصاب و رده شهر شدند و برای انقلابیون خط و نشان کشید. وی گفت که اگر زمانش فرا رسد، سرکوب "مدا انقلاب" (بخوان انقلابیون) را از گیلان شروع خواهد کرد. روز بعد از زل و و سانی وابسته به حزب جمهوری با حمله به نشریات دیواری و پاک کردن شعارهای انقلابی از روی دیوارها خلعالی

درود بر تمامی شهدای بخون خفته جنبش دانشجویان انقلابی

بقیه از صفحه ۱۷ **خلق فلسطین** ...
هم که خود را "پدر فلسطینی ها" معرفی می کرد. چند روز طول کشید تا مبادای اعتراض خود را بلند کرد و پس از با ن کار، فقط پیشنها دما لهه بین فلسطینی ها و ملک حسین را داد که منجر به تشکیل کنفرانس سران عرب در قاهره و اخراج فدا نشین فلسطینی از اردن گردید. رژیم صوری به رهبری اتاسی حدا کثریه قسمتی از ارتش فلسطینی ها که در آن کشور مستقر بودند را زده داد که به کمک انقلاب بشتا بندویک سری کمکهای تبلیغاتی و تدارکاتی کرد. از دیگران هم انتظار نبود!

موقعیت انقلاب از لحاظ نظامی و سیاسی

قهرمانیها فلسطینیها در زمینه نظامی در تاریخ ماندنی است. آنها نه تنها در اردن، بلکه در دیگر کشورهای خود هم از لحاظ نظامی کمترین شکست نخوردند. در اردن غلبه غم آنکه مجبور به ترک آن شدند و با اصطلاح شکست خوردند، تا روز آخر تا شمال اردن و قسمتهای مهم پابخت (عمان) و نیز شهرهای دیگری را در اختیار داشتند. ارتش ملک حسین تجزیه و تهراران نغرا از رشتیها با ساز و برگ نظامی به انقلاب پیوستند. اما آنچه موجب این شکست فاجعه آمیز شد به نظر ما و با توجه به جمع بندی ها می باشد که از خود رفتاری فلسطینی داریم اینهاست:

۱- ضعف رهبری فلسطینی که از اهمیت طبقاتی رهبری ما به میگردید و بطور

تاریخی نمیتواند رهبری یک انقلاب ملی دموکراتیک را بعهده گرفته بطور موقعیت آمیز آنرا با ن بسرد. توضیح اینکه رهبری جنبش فلسطین اساسا به دست بورژوازی ملی و خرده بورژوازی است در رهبری حتی عناضری که خود از قبا یل زمیندار بوده و با اعتبار آنکه زمینهایشان به اشغال صهیونیستها در آمده و به انقلاب پیوسته اند وجود دارند. این منشا طبقاتی در بسیاری از اهدافها، سیاستها و عملکردهای جنبش از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی بخوبی منعکس است. عناضری انقلابی دموکرات و حتی کمونیست که در اردن این جنبش فعالیت میکنند هنوز نقش تعیین کننده ای ندارند. با وجود این، جنبش فلسطین جنبشی است انقلابی، ضد امپریالیستی و دمکراتیک و نمایان تاثیر ضعیفی که از آن تا مبردمیدر عقب ماندن رهبری از حوادث نیز خود را می نماید. بدین معنی که حوادث چنان طی آن چند سال سیر کرده بود و توسعه آنها را به انقلاب روی آورده بودند که رهبری توانائی هدایت و سازماندهی آنها را نداشت. مثلا فقط در قاهره ۷۰ هزار نفر برای شرکت در جنبش فلسطین ثبت نام کردند که در اردن و دانشجویان فلسطین از مناطق مختلف منطقه و از سایر رجهان کار و در اردن خود را کرده به انقلاب پیوستند. اما "رهبری سری کوچک بود برای یک تن بزرگ".

۲- بر اساس همان ماهیت طبقاتی شعار الفتح این بود (و هست) که "در کار

رژیمهای عربی (هر چند ارتجاعی باشند) ما دام که آنها در کار انقلاب دخالت نکردند - اندک دخالت نکنند - یعنی در واقع خود را با آنها در یک صف می شمارد و با آنها معاشرت میکند. البته در عمل چنین شده است که آنها هموار در کار انقلاب فلسطین دخالتها و اعمال نفوذها و توطئه ها کرده اند - اندولی از این طرف نه به "دخالست متقابل" حتی به تجدید نظر در این شعار هم نیاز پیدا کرده است. این شعار که سیاستمدارانی نظیر جدا کردن دشمن اصلی از فرعی "نئوریزه هم کرده اند و عملی به سازش با ارتجاع و سازش با مبردمیدر است. استفاده فراگیر شدن و فریب خوردن هم منجر شده است، هنوز تا حدود زیادی پیاده میشود و جایگاه اینک برخی نیروهای دیگر هم که گرایش طبقاتی مشابه دارند (مجا هیدین) همین سیاست را در کشورهای دیگر منجمله کشور ما پیدا میکنند. این موضع الفتح از ابتدا مورد انتقاد نیروهای انقلابی چه فلسطینی بوده است. انقلاب فلسطین غلبه غم پیگاه وسیع توده ای - به همان دلایلی که در بالا اشاره کردیم را به لازم و کافی بسازد. هر چه با ارتجاع و رگرسی عربی نه توده های کارگر، جلب نظر رومای اادات و بوروکراسی جدا از توده ها شان و تماس با رومای قبا یل که حتی گاه به "خریدن" و رشوه دادن بآنان میسر میشود، شیوه ای بود که انقلاب برای "تماس با توده ها" (!) دنبال میکرد. نتیجه این

بقیه از صفحه ۱۴ **سخنی با ...**

۱۲- نظرتان در مورد صفحات پرتش و پاش (جواب به نامه ها) چیست؟ چه پیشنهادی برای اصلاح آن دارید؟

۱۳- آیا تا کنون برای نشریه پیکار مقاله، مطلب و اخبار فرستادهاید؟ اگر نه چرا؟ در مورد نقاشی خودتان در رابطه با نشریه مرکزی چه نظری دارید؟

۱۴- میزان بخشش پیکار در محیط فعلی لیبتان (کارخانه اداره، محله روستا، منطقه، مدرسه و...) چقدر است؟ آیا تعداد دیپکار نسبت به ظرفیت بخش در محیط خودتان کافی است یا کمی باشد؟ اگر کم بود دلیل آن چیست و چه مقدار کمبود دارید. امکان افزایش تعداد فروش و بخشش پیکار آیا موجود است؟ خودتان در بخش و فروش آن چه نقشی دارید؟ چه تعدادی خودتان بخش میکنند؟

۱۵- پیکار به دست چه قدرتی از کارگران و سایر توده ها میرسد؟ نظرات شما در مورد نشریه چیست؟ چه پیشنهادات و انتقاداتی دارید؟ آیا شما خودتان در خواندن پیکار و برای توده های میانی و پاشیرو بخت با آنها در باره محتوای پیکار فعالیت کرده اید؟ در چه سطحی؟ (آیا به رهنمودهای پیکار ۶۲ در صفحه خوانندگان عمل میکنید؟)

و دانش آموزان انقلابی خواست که برای به حرکت درآوردن یک جنبش سراسری دانشجویی و دانش آموزی و هر چه توده ای و هر چه تاجمی تر آن آمده شوند. پیش بسوی سازماندهی جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی و دانش آموزی پیوند جنبش دانشجویی و دانش آموزی با جنبش زحمتکشان و طبقه کارگر! برقرار ربا جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر!

دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹

انتشارات جدید سازمان

نقل قولهای از لنین درباره مسائل جنگ

ترجمه



بقیه از صفحه ۲۰ **دانشجویان ...**

پیروزی از آن انقلاب و شکست از آن ارتجاع است!

پیروزی از آن انقلاب و شکست از آن ارتجاع است! اما مهربان انقلابی در جامعه و درون انقلابی در اقصی نقاط ایران، نشان میدهد که تنها انقلاب نمرده است بلکه هر روز در پیشترتی با فته و رژیم را در مخمض عجبی قرار داده است.

جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی فقط با در نظر داشتن این چشم انداز نمیتواند حرکت خود را سازمان داده و با ایجاد یک جنبش مقاومت مدجندان شده ای تر، مدجندان و متروم و چندسندان انقلابی تر از جنبش مقاومت اردیبهشت ماه، در بیداری و آگاهی توده ها نقش خود را ایفا نماید.

امروزه تسلیم طلبی با ن فیت میشوند که دم از مردن انقلاب و خریدن آن به زبر زمین می کنند و از توده ها میخواهند که بجای آمادگی برای فعل در و تیز کردن داس ها، برعکس خود را برای یک شب زمستانی سخت آماده کرده و سوار را در آنها بگذارند. آنها جهت با بی خود را از دست داده اند. باید نغمه های شکست - طلبانه و تسلیم طلبانه را افشاکرده و از تمام دانشجویان

فنان، مسکن، آزادی

یاد آیت الله طالقانی گراهی است

نیمه دوم شهریور، توده های مبارز مردم ما، سالگرد درگذشت آیت الله طالقانی را گرامی داشتند. او یکی از چهره های مبارز مبارزات آزادیخواهانه سالهای سیاه محقق بود. چهره و بیست و نه ساله اش کثرتی بیست است که در میان همگان روحانی اش کثرتی بیست است. او روحیه مبارزاتی او وجود داشت. طالقانی را میتوان نماینده اقشار متوسط جامعه دانست. او از همین موضع است که برداشتهای مبارزه جویانه از اسلام و قرآن ارائه میدهد و در همین رابطه مبارزاتی است که در برابر دیکتاتور رژیم شاه تسلیم نشود و به زندان می افتد و سالها در ازار صرف خلق مبارزه میکند و خود تا تیرات شمری برای طرفیان خویش میگذارد.

طالقانی که در مراحل متعددی از عمر خود وسیله حمایتی که از مجاهدین خلق میکرد و در موضع بستگی انقلابی دمکرات قرار داشت، در سرفصلهای تعیین کننده ای از زندگی خویش ویران شده و با هیبت طبقاتی نتوانست در این موضع بماند و به موضع لیبرالی و سازش افکار او پس از بر سر کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی علیرغم آنکه از جریان اموری اصطلاح رفاست ندانست و اینرا تلویحاً نشان میداد، هرگز نتوانست چه با لیبرالهایی مثل بازرگان و چه با ناپسندگانش خرد بورژوازی مرفه سستی بورژوازی همپیمان آن روز بندی داشته باشد، بلکه عملاً خدمت آنان قرار گرفت. طالقانی علیرغم موضعگیری های مترقیانه اش

بقیه در صفحه ۲۳

باز هم ترور فاشیستی فرزندان انقلابی خلق

هنوز خون پاک بیکران شهید رفقا مسموم لای - را و طبیب نجم الدینی که در تیریز بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ترور شدند ننگیده است که ارتجاع در نقطه ای دیگر از خاک میهن فاجعه آفرید.

غروب پنجشنبه ۱۳ شهریور ما مردم محله مسند بهرنگی رشت تا هدنا بیت هولناکی بودند. در این روز با ساداران سرما به رفیق "حسن صالحی" را هنگامیکه مشغول ورزش بود در برابر چشم مردم بهرنگی رگلوله می بندند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که از جاسادعنا صر انقلابی هم وحشت دارد و خاطرات آنها را نیز شیرساران می کند از زنده نمیدهد جسور رفیق شهید را در "تازه آباد" دفن کند و مردم شرکت کننده در مراسمها چوب و چماق حمله کرده و عده زیادی را دستگیر و زخمی می نماید.

رژیم جمهوری اسلامی و حشمت زده و وحشیانه میکوشد جسار انقلابیون را از دسترن مردم دور کند و مانع شود به هم که انقلابیون شهید در سینه های خلق جاودانه می شوند و دستا نلوده رژیم را به سینه های بر طپش مردم راهی نیست.

محاکمه مجاهد اسپر سعادتی محکوم است

● بالاخره معلوم نیست مجاهدین خلق «جاسوس» شوروی اند یا «همکار» نودتاجیان آمریکائی؟!
جامه عمل بیوشانند.

آری سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و بیادگاه - های انقلاب که تلاش میکنند با محاکمه فرزندان خلق و اعدا نتیجه برای دادگاه و اجرای احکام آن درکنار نام کودتاچیان، سرسپردگان رژیم قبلی، فواحش، قاچاقچیان و غیره، مبارزه انقلابیون و دمکرات های مبارزان لوث نما بند، چنین می بیند از رنده فرمت خوبی برای این محاکمه ارتجاعی بدست آورده اند. آنها همیشه تلاش کرده اند با اعلام دروغین آغا زما کسه سعادت، با اصطلاح جاسوسی مجاهدین برای سوسال امیریا لیس شوروی را بر رخ بکشند و موضوع را خیال خود زنده نگه دارند. او اینک که به "برکت" موضعگیریهای آشکار و خصمانه آیت الله خمینی علیه مجاهدین و اجرای اهداف وی توسط او با شان حزب جمهوری، کلیه دفاتر مجاهدین و روزنامه مجاهد تعطیل شده است. و رادینو تلویزیون و مطبوعات و جو تحریک و عوام فریبی شدیدی را همچون تمام نیروهای انقلابی علیه مجاهدین بوجود آورده اند، مرتجعین در پی اجرای مقاصد خود تبلیغاتی و سیاسی خویش علیه مجاهدین و صدور برای سنگین برای سعادت می باشد.

اما آنها همچون تمام مرتجعین سخت درانتهابند آنها هرگز نمی توانند با محاکمه یک مجاهد در بیادگاه که حتی از نظر "فانون" داعی رژیم نیز، حق محاکمه او را ندارد، در بیادگاه که از اوکیل مدافع وی خبری نیست... ذره ای از حقانیت مبارزاتی این مجاهد و سازمان وی بکا هند. بسیار خنده و است که سردمداران توطئه گیری برای ایجاد جو سازی و برای اینکه مقاصد خود را از نظر خود میخواهد اجرا در آورند، اینروزها نغمه ساز کرده اند که بلی مجاهدین نیز با کودتاگران مزدور آمریکائی سروبی داشته اند! اما این مرتجعین در مقابل سؤال مردم آگاهی که می پرسند آقا با آن! بالاخره مجاهدین خلق «جاسوس» شوروی اند یا همکار کودتاچیان آمریکائی؟! چه خواهند گفت! برآستی که درونگرم کا فظه است!



دستگیر شده است جلوسینما آسیا واقع در خیابان محبوبه متحدین شمالی تیریز مشغول فروختن شربته راه کارگر بوده که توسط پاسداران دستگیر میشوند و همانجا مورد ضرب و شتم شدید قرار میگیرد. مردمی که در آنجا بودند سعی میکنند از زدن پاسداران ارتجاع نجات دهند ولی آنها ادعا میکنند که از نظر طبق قانونی آرا نخواهند نمود!

... بدین ترتیب رفیق حمید را بزور سوار ماشین کرده و با خود میبرد و در روز بعد دستگیر شده و در جاده اهر پیدا میشود! وی همانکون در بیمارستان خمینی تیریز بستری است و در صورت زنده ماندن احتمالاً آلفج خواهد شد.



هدیه ارزنده یگی از رفتای دربند

یکی از رفتای هوادار سازمان که اینک در زندان رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرد با استقبال از جو بهای کفریت ستاره زبانی درست کرده و آن را برای بیکار فرستاده است.

ما تصویر این ستاره را که ما نند دلهای انقلابیون آتشی در خود نهفته دارد و با آگری به اختی فرزان تبدیل میشود و با همه انقلابیون اسیری که اینک استوار و سر بلند در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند در برابر چاپ میکنیم.



ترور دانش آموز ۱۶ ساله در تیریز

در شماره ۲۵ بیکار به اطلاع هموطنان مبارز و نیرو - های انقلابی رساندیم که جسار نیمه جان جوانی در چاده اهر - تیریز توسط راننده یک کامیون پیدا شده است. و در همانجا هتادادیم که به احتمال زیاد این یک ترور سیاسی مشابه با ترور رفتای بیکار رگوشهید مسموم لای را و طبیب نجم الدینی دودا نشجوی کمونیست هوادار سازمان می باشد.

اینک اطلاع یافتیم جوانی که نام او نامردانه ترور شده است، رفیق حمید رفقا حاتم دانش آموز سال سوم و هوادار "راه کارگر" می باشد. این رفیق روزی کسه

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست